

یادداشت سیاسی

— مهدی سامح

«رأی مردم در انتخاباتها مقید به احکام الهی و مبانی اسلام است»

حبیب الله عسگراولادی مسلمان

این جمله در دومین نامه «فقیه الوزرا»ی سابق، حبیب الله عسگراولادی مسلمان به محمد رضا خاتمی دبیر کل حزب مشارکت اسلامی است که به قصد «ارشاد» خودیها و «طرده» رادیکالها نگاشته شده است. هدف از این نامه نگاریها که به ابتکار عسگراولادی و در شرایطی که هنوز بیانیه کنگره حزب مشارکت اسلامی انتشار بیرونی پیدا نکرده بود آغاز شد، نجات «نظام مقدس اسلامی» از توطئه‌های «بیگانگان» که در صفوف خودیها نفوذ کرده‌اند می‌باشد. طرح دو مسأله‌ی «رفراندم» از جانب تعداد زیادی از فعالان دوم خرداد و «خروج از حاکمیت» از جانب رادیکالهای دوم خردادی و نفوذ این اندیشه‌ها در صفوف نیروهای دوم خرداد، دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی را به فکر نجات «اسلام عزیز» و «تجار محترم» انداخته است. در نامه دوم که در تاریخ ۲۰ مرداد نگاشته شده عسگراولادی تاکید می‌کند که «ما خواهان خروج شما از حاکمیت نیستیم» و در مورد رفراندم نیز از دبیر کل حزب مشارکت خواستار مشخص شدن نوع رفراندومی است که از نظر مشارکتیها، می‌تواند اختلاف بین دو جناح حکومت را حل و فصل کند. در مورد مسأله «خروج از حاکمیت» درست در شرایطی که عباس عبدی آن را در روزنامه مطرح کرد، امام جمعه اصفهان به گونه‌ای بدان عمل نمود. در مورد این کناره‌گیری گفته شده که «آن چه از خاتمی انتظار می‌رفت، طاهری انجام داد». به دنبال استعفای امام جمعه اصفهان، مسأله خروج از حاکمیت به یک چالش مهم برای باند ولی فقیه تبدیل شد. در شرایطی که خامنه‌ای و دارو دسته طرفدار ذوب در ولایتش، جریان دوم خردادیها را تحمیلی و لکه ناجور بر پیکر نظام می‌دانند، اما هرگز خواستار خروج آنها از حاکمیت نیستند و بعضی از آنها هشدار می‌دهند و تهدید می‌کنند که خروج از حاکمیت به «قرارگاه اشرف» ختم می‌شود. حقیقت این است که خاتمی اگر یک ذره جرئت ایستادگی بر قولهای انتخاباتی‌اش را داشت، باید مدتها قبل استعفا می‌داد و همین بی‌بتگی خاتمی و تملق‌گویی مشمئزکننده او از «مقام ولایت» بحران در درون صفوف دوم خردادیها را تشدید کرده و کار را به جایی کشانده که حزب مشارکت اسلامی مجبور است در توصیف وضعیت کنونی جامعه از واژه‌هایی همچون «بن بست»، «انسداد»، «اضمحلال» و «فروپاشی» استفاده کند.

و خاتمی در روز ۱۹ مرداد وقیحانه در اردوی دختران دانش‌آموز، آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید «ما شرمند شما نوجوانان عزیز و جوانان و همه این نسل پویا هستیم» و در همین روز نشریه امید جوان با چاپ یک عکس بزرگ خاتمی که او را نه «خندان» بلکه «غمگین» نشان می‌دهد با تیر بزرگ از قول خاتمی می‌نویسد: «روح ملت ایران جریحه دار شده است». در همین زمان است که مصاحبه نکردن خاتمی در روز خبرنگار و گفتن «شب به خیر» در مقابل انبوه سؤالات خبرنگاران به شایعه استعفای خاتمی بیشتر دامن می‌زند. در حقیقت این شایعه‌ها و سناریوهایی که پیرامون آن در صفوف دوم خردادیها و هواداران آنها مطرح می‌شود، نشان دهنده آن است که پرونده «سید خندان» دیگر در اذهان بسته شده و در حالی که خاتمی و بخش اصلی جبهه دوم خرداد بر باقی ماندن در حکومت تاکید می‌کنند، هم زمان به این حقیقت نیز اذعان می‌کنند که از دوم خردادیها و خاتمی دیگر کاری ساخته نیست و نکته مهم این که ولی فقیه نظام و هواداران پر و پا قرص او پاسخ سرسپردگی و تملق‌گویی خاتمی و دوم خردادیها را نه با استمالت، بلکه با سرکوفت و سرکوب می‌دهند و هم زمان در مورد خروج از حاکمیت به آنان هشدار می‌دهند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که در روز ۲۹ تیر در مورد حرفهای رئیس‌جمهور آمریکا صادر می‌کند می‌نویسد: «خطری که بدان توجه می‌دهیم، خطر پیدایش و نفوذ جریانی مرموز در پشت جبهه نیروهای انقلاب است، جریانی که موریانه‌وار و با پیچیدگی کم نظیر به دنبال تحریف و تغییر موقعیت عقیدتی و آرمانی انقلاب و استحاله در نظام جمهوری اسلامی و امیدواری

دشمن است. جریان مزبور که احیاناً، سابقه همراهی مقطعی با انقلاب را نیز داشته و از میان برخی هم سنگران سابق یارگیری کرده و در بدنه حاکمیت نیز نفوذ نموده است.»

در روز ۵ مرداد بی دادگاه انقلاب اسلامی طی حکمی جابرانه نهضت آزادی را غیر قانونی اعلام می‌کند و هم زمان خامنه‌ای در ملاقات با اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور می‌گوید: «اصلاحات آمریکائیه‌ها، عین فساد است. زیرا منظور آنان از اصلاحات، از بین بردن نظام جمهوری اسلامی ایران است.»

در روز ۱۳ مرداد سرتیپ مرتضی طلالی فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ می‌گوید: «جدایی مردم و به ویژه نسل جوان از آرمانهای انقلاب اسلامی، زنگ خطری جدی برای کشور است.» این گونه اظهار نگرانیها و هشدارها از جانب مریدان و مزدوران ولی فقیه هر روز در رسانه‌های دولتی منعکس می‌شود و هم زمان ما شاهد بگیر و ببندها، توقیف روزنامه‌ها و سرکوب حرکت‌های مردمی هستیم. محکوم نمودن و دستگیری دکتر ناصر زرافشان به این جرم که وکالت تعدادی از خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای را به عهده داشته، پخش نمایش مضمون کننده اعتراف‌های تلویزیونی سیامک پورزند، دستگیری هاشم آعاجری و توقیف چند روزنامه حکومتی بار دیگر بر این حقیقت صحنه گذاشتند که در درون رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه، هیچ تحول و اصلاحی صورت نخواهد گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی تاکید شده که مسأله اسلامیت و ولایت غیر قابل تغییر است و نمی‌توان آنها را به فراندوم گذاشت. از این رو سرنوشت طرح‌های فراندوم و خروج از حاکمیت مثل سرنوشت طرح‌های «فشار از پایین، چانه زنی در بالا»، «آرامش فعال» و «بازدارندگی فعال» خواهد بود...

فقر، بی‌خانمانی، گرسنگی، اعتیاد، فحشاء و هم زمان استبداد و سرکوبگری بی‌داد می‌کند. جامعه ایران در تب و تاب یک تحول انقلابی و رادیکال می‌سوزد و آثار و عوارض آن از هر سو خود را به وضوح نشان می‌دهد.

در این شرایط بحرانی و در حالی که خواست مقدم کارگران، دانشجویان، زحمتکش‌ان، زنان و جوانان به پا خاسته میهن ما برچیده شدن سباسب ننگین نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است، و در حالی که بن بست و بحران، تا مغز استخوان رژیم نفوذ کرده، عده‌ای که در گذشته از «اقدامات ضد امپریالیستی امام خمینی» حمایت می‌کردند، اکنون راه برونرفت از بحران را ایجاد رابطه رژیم با آمریکا اعلام کرده‌اند. و هم زمان نسبت به جنگ مجاهدین با نیروهای سرکوبگر رژیم (به گفته آنان حمله به ایران) هشدار می‌دهند و اشک تمساح برای زنان و مردانی که به عشق رهایی مردم ایران از تمام هستی خود گذشته‌اند می‌ریزند. طرفه این که این «هشدار» ردیالانه در قالب یک «خبر سری» اعلام می‌شود که گویی تاکنون جهانیان نمی‌دانسته‌اند که رزمندگان دلیر آزادی خود را برای پیکار رهایی‌بخش با رژیم استبدادی مذهبی آماده کرده و می‌کنند. در حالی که مقاومت ایران هر روزه و در هر واکنش و موضع‌گیری خود اعلام می‌کند که تنها راه رهایی جنگ مسلحانه است، کدام بخش این خبر «سری» است. اگر کسانی هستند که برای نجات ارتجاع حاکم بر ایران به تکاپو افتاده و ترس و وحشت رژیم را با هشدارهای خود منعکس می‌کنند، پیام زنان و مردان ایران زمین در گوشه و کنار میهن بحران زده ما چنین است. برای تحقق آزادی، عدالت، پیشرفت و استقرار یک نظام سکولار، باید استبداد مذهبی سرنگون شود. رزمندگان دلیر ارتش آزادی به این پیام با عشق و شور تمام پاسخ می‌دهند.

این جاست یار گم شده، گرد جهان مگرد

خود را بجوی سایه اگر جستجو کنی

و خاتمی در روز ۱۹ مرداد و قیحه‌خانه در اردوی دختران دانش آموز، آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید «ما شرمند شما نوجوانان عزیز و جوانان و همه این نسل پویا هستیم» و در همین روز نشریه امید جوان با چاپ یک عکس بزرگ خاتمی که او را نه «خندان» بلکه «غمگین» نشان می‌دهد با تیتربزرگ از قول خاتمی می‌نویسد: «روح ملت ایران جریحه دار شده است». در همین زمان است که مصاحبه نکردن خاتمی در روز خبرنگار و گفتن «شب به خیر» در مقابل انبوه سؤالیهای خبرنگاران به شایعه استعفای خاتمی بیشتر دامن می‌زند. در حقیقت این شایعه‌ها و سناریوهایی که پیرامون آن در صفوف دوم خردادها و هواداران آنها مطرح می‌شود، نشان دهنده آن است که پرونده «سید خندان» دیگر در اذهان بسته شده و در حالی که خاتمی و بخش اصلی جبهه دوم خرداد بر باقی ماندن در حکومت تاکید می‌کنند، هم زمان به این حقیقت نیز اذعان می‌کنند که از دوم خردادها و خاتمی دیگر کاری ساخته نیست و نکته مهم این که ولی فقیه نظام و هواداران پر و پا قرص او پاسخ سرسپردگی و تملق‌گویی خاتمی و دوم خردادها را نه با استمالت، بلکه با سرکوفت و سرکوب می‌دهند و هم زمان در مورد خروج از حاکمیت به آنان هشدار می‌دهند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که در روز ۲۹ تیر در مورد حرفه‌های رئیس‌جمهور آمریکا صادر می‌کند می‌نویسد: «خطری که بدان توجه می‌دهیم، خطر پیدایش و نفوذ جریانی مرموز در پشت جبهه نیروهای انقلاب است، جریانی که موریانه‌وار و با پیچیدگی کم نظیر به دنبال تحریف و تغییر موقعیت عقیدتی و آرمانی انقلاب و استحاله در نظام جمهوری اسلامی و امیدواری دشمن است. جریان مزبور که اعیاناً سابقه همراهی مقطعی با انقلاب را نیز داشته و از میان برخی هم سنگران سابق یارگیری کرده و در بدنه حاکمیت نیز نفوذ نموده است.»

در روز ۵ مرداد بی‌دادگاه انقلاب اسلامی طی حکمی جابرانه نهضت آزادی را غیر قانونی اعلام می‌کند و هم زمان خامنه‌ای در ملاقات با اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور می‌گوید: «اصلاحات آمریکائیه، عین فساد است. زیرا منظور آنان از اصلاحات، از بین بردن نظام جمهوری اسلامی ایران است.»

در روز ۱۳ مرداد سرتیپ مرتضی طلالی فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ می‌گوید: «جدایی مردم و به ویژه نسل جوان از آرمانهای انقلاب اسلامی، زنگ خطری جدی برای کشور است.» این گونه اظهار نگرانیها و هشدارها از جانب مریدان و مزدوران ولی فقیه هر روز در رسانه‌های

دولتی منعکس می‌شود و هم زمان ما شاهد بگیر و ببندها، توقیف روزنامه‌ها و سرکوب حرکت‌های مردمی هستیم. محکوم نمودن و دستگیری دکتر ناصر زرافشان به این جرم که وکالت تعدادی از خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای را به عهده داشته، پخش نمایش مشتمل بر سیامک پورزند، دستگیری هاشم آغاچری و توقیف چند روزنامه حکومتی بار دیگر بر این حقیقت صحنه گذاشتند که در درون رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه، هیچ تحول و اصلاحی صورت نخواهد گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی تاکید شده که مسأله اسلامیت و ولایت غیر قابل تغییر است و نمی‌توان آنها را به فراندوم گذاشت. از این رو سرنوشت طرح‌های فراندوم و خروج از حاکمیت مثل سرنوشت طرح‌های «فشار از پایین، چانه زنی در بالا»، «آرامش فعال» و «بازارندگی فعال» خواهد بود...

فقر، بی‌خانمانی، گرسنگی، اعتیاد، فحشاء و هم زمان استبداد و سرکوبگری بی‌داد می‌کند. جامعه ایران در تب و تاب یک تحول انقلابی و رادیکال می‌سوزد و آثار و عوارض آن از هر سو خود را به وضوح نشان می‌دهد.

در این شرایط بحرانی و در حالی که خواست مقدم کارگران، دانشجویان، زحمتکشان، زنان و جوانان به پا خاسته میهن ما برچیده شدن بساط ننگین نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است، و در حالی که بن بست و بحران، تا مغز استخوان رژیم نفوذ کرده، عده‌ای که در گذشته از «اقدامات ضد امپریالیستی امام خمینی» حمایت می‌کردند، اکنون راه برونرفت از بحران را ایجاد رابطه رژیم با آمریکا اعلام کرده‌اند. و هم زمان نسبت به جنگ مجاهدین با نیروهای سرکوبگر رژیم (به گفته آنان حمله به ایران) هشدار می‌دهند و اشک تمساح برای زنان و مردانی که به عشق رهایی مردم ایران از تمام هستی خود گذشته‌اند می‌ریزند. طرفه این که این «هشدار» ردیالانه در قالب یک «خبر سری» اعلام می‌شود که گویی تاکنون جهانیان نمی‌دانسته‌اند که رزمندگان دلیر آزادی خود را برای پیکار رهایی‌بخش با رژیم استبدادی مذهبی آماده کرده و می‌کنند.

در حالی که مقاومت ایران هر روزه و در هر واکنش و موضع‌گیری خود اعلام می‌کند که تنها راه رهایی جنگ مسلحانه است، کدام بخش این خبر «سری» است. اگر کسانی هستند که برای نجات ارتجاع حاکم بر ایران به تکاپو افتاده و ترس و وحشت رژیم را با هشدارهای خود منعکس می‌کنند، پیام زنان و مردان ایران زمین در گوشه و کنار میهن بحران زده ما چنین است. برای تحقق آزادی، عدالت، پیشرفت و استقرار یک نظام سکولار، باید استبداد مذهبی سرنگون شود. رزمندگان دلیر ارتش آزادی به این پیام با عشق و شور تمام پاسخ می‌دهند. این جاست یار گم شده، گرد جهان مگرد خود را بجوی سایه اگر جستجو کنی

اطلاعیه --

حکومت نظامی اعلام نشده،

دستگیریهایی گسترده، اعلام احکام جابرانه، توقیف

گسترده نشریه‌ها و کتابها

اضافه نمود که در دو هفته گذشته ۷۰۰۰ کتاب در ایران توقیف شده

است.

با این اعمال سرکوبگرانه بار دیگر رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه که بیش از پیش تنفر و انزجار مردم به ویژه جوانان را نسبت به حکومت سپاه خود حس کرده و در چنبره اعتراض‌های مردمی و فروپاشی درونی به تقلا می‌کند دچار گشته، همچون ماری زخمی و نیمه جان به اقدام‌های زبونانه علیه مردم دست می‌زند. برقراری حکومت نظامی غیر رسمی، سبب خشم مردم که به دلیل هوای آلوده و گرم روزهای تابستان، در اوقات فراغت خود شبها به پارکها و تفریحگاهها روی می‌آورند، شده است. از سوی دیگر اقدام مزبور بسیاری از کسبه جزء و کارگران شبانه را با کاهش قابل ملاحظه درآمد خود روبرو نموده است.

حکومت خود کامه آخوندی که زنگهای خطر تظاهرات چندین هزار نفره دانشجویان و مردم در سالگرد ۱۸ تیر که آنرا قبلاً غیر قانونی اعلام کرده بود، گوشش را ناشنواتر کرده و چند روز بعد از آن با اعتراض و راهپیمایی بیش از ۹۰ هزار کارگر ضربه مهلک دیگری را متحمل گشته است، راه دیگری جز گسترش دامنه سرکوب علیه جوانان و مردم در برابر خود نمی‌بیند این سیاست را اکنون به محیط‌های فراغت آنان نیز گسترش داده است. بی شک مردم ایران به مبارزه خود علیه این بیدادگران ادامه داده و همچنان که طی بیش از دو دهه در مقابل فشار و یورش و سرکوب مقاومت کرده و تسلیم نشده اند باز هم پایداری کرده و مانند گذشته با سرپیچی از تحمیلات خودسرانه رژیم، این طرح را نیز به ابزاری علیه آن تبدیل خواهند نمود. اسم شب حکومت نظامی ملاحظا، سرنگونی ست. پیروزی از آن ما خواهد بود. دیر نیست، دور نیست روز رهایی.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
سه شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۸۱
۱۶ اگوست ۲۰۰۲

بنا بر گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی و رسانه‌های دولتی و بعضی از شاهدان عینی، از هنگام ایجاد سپاه تهران بزرگ یک حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و بعضی شهرهای بزرگ به وجود آمده است. آخرین اقدام نیروهای سرکوبگر نظامی، مجبور نمودن فروشگاهها، رستورانها و اماکن تفریحی شهروندان به تعطیل کسب و کار خود از ساعت ۱۲ شب می‌باشد. نیروی انتظامی این اقدام سرکوبگرانه خود را به بهانه «ایجاد نظم و صرفه جویی در مصرف برق» اعلام کرده و هم زمان طی چند روز گذشته با توسل به خشونت و توهین دستفروشان تهیدست را وادار به جمع‌آوری بساط خود نموده است.

هم چنین دستگیریهایی گسترده خیابانی، بازرسی بدنی جوانان و دستگیری جوانان، دانشجویان و کارگران، زنان به طور روزمره ادامه دارد. در حالی که هنوز تعداد زیادی از دانشجویان و جوانان دستگیر شده در روز ۱۸ تیر و نیز کارگران دستگیر شده در روز ۲۵ تیر در زندان به سر می‌برند و تحت شکنجه‌های غیر انسانی قرار دارند، نیروهای سرکوبگر رژیم هر روزه تعدادی از زنان و مردان کشور را به بهانه‌های واهی دستگیر می‌کنند. هم زمان با این دستگیریهایی، احکام جابرانه در مورد فعالان سیاسی، وکلا و روزنامه‌نگاران توسط بی‌دادگاه‌های انقلاب اسلامی اعلام شده است. دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم طی یک نمایش مسخره، آقای سیامک پورزند را با شکنجه و رفتار غیر انسانی و وحشیانه مجبور به بیان حرفه‌هایی علیه خود و بعضی از روزنامه‌نگاران و روشنفکران که جملگی از طرفداران «حماسه دوم خرداد» بوده و برای خاتمی در داخل و خارج از کشور تبلیغات زیادی می‌کردند نموده است. در حالی که توقیف نشریات ادامه دارد، علی اصغر رمضانپور، معاون وزیر ارشاد دولت خاتمی اعلام نمود که طی هشت ماه ۲۰۰ هزار جلد کتاب از بازارها جمع‌آوری و ۳۵ چاپخانه تعطیل شده است. وی

اجزای جدید یک سناریوی تکراری

-- منصور امان

بقیه از صفحه ۱

اینک اما آیت الله ها خامنه ای و رفسنجانی از واژگان کمتر تبلیغی و در عوض به سیاست جاری نزدیکتر بهره جستند و از "سردرگمی" و "شکست یک سیاست" نام بردند. البته آنان همزمان یادآوری نمودند که تعریفهای مزبور، رویکرد نوین ایالات متحده را توصیف می کند ولی تنها نگاهی به تهنیدهای غیرمتعارف این دو سیاستگذار مایوس می تواند جفتی که کلاف سیاست در این معادله گره خورده است را به نمایش بگذارد. رئیس "پراگماتیست" مجمع تشخیص مصلحت به دادن "پاسخ تهاجم در قلب سرزمینهای دشمن" فراخوان داد و ولی فقیه صریحا به تدابیری برای "پشیمان کردن" امریکا اشاره نمود.

دلیل افزایش تحرک عصبی رهبران حکومت را می بایست در لحن ایجابی بیانیه رئیس جمهور امریکا سراغ گرفت. آقای بوش در سخنرانی "محور شر" خود، به تعریف یک وضعیت واقعا موجود پرداخته بود و تدبیری که برای رویارویی با آن پیشنهاد می کرد، جز اقدامات بی واسطه ایالات متحده را در برنمی گرفت. این بار اما او از ترم "منتخب و غیر منتخب" که مستقیما دستگاه سیاسی حکومت در مجموع را مخاطب قرار می داد گامی فراتر نهاده و نیروهای "بخش منتخب" را در تأملات خویش از زیر به سطح آورد. بوش از «دانشجویان، روزنامه نگاران و نمایندگان مجلس ایران» به مثابه کسانی که "درگیر پرسشهایی دشوار در باره چگونگی ساختن جامعه ای مدرن و در خور قرن بیست و یکم" هستند، یاد کرد و نسبت به "دوستی" ایالات متحده در این راه اطمینان داد. اینکه سخنان مزبور "دخالت در امور داخلی ایران" محسوب می شوند یا نه، به هیچ عنوان راهکاری که امریکا از تعیین صف بندی مزبور استخراج نموده را در پرتو خود گم نمی کند. مهمترین پیام کاخ سفید، بدرود آن با انگاره ای است که حل مسأله جمهوری اسلامی را در درون جدالهای درونی دو گروه "محافظه کار" به رهبری خامنه ای و "فرمیست" به نمایندگی خاتمی و در بالاترین بامهای سیاسی - اجرایی جستجو می کرد. سیاستی که هر دو بخش "منتخب و غیرمنتخب"، به نسبتیهای متفاوت، اجزاء اصلی آنرا تشکیل می دادند و تدابیر واشنگتن به امکانات و چشم اندازهای آنها مشروط می گردید.

جدایی ناپذیر و مکمل حکومت نمی تواند داشته باشد. از این زاویه خاتمی با تفاهم قابل درکی، در نگرانی رقبای خود پیرامون آن چه که به بخش ایجابی سخنان بوش مربوط می شود، شریک است. او نیز به درستی به انتها رسیدن ظرفیتهای پذیرش سیاست پیشین و در نتیجه دوباره نویسی رویکرد بدان از سوی امریکا را با پایان یافتن نقش خود مترادف می بیند و به ویژه هنگامی که این برخورد با وارد نمودن بازیگران تازه به صحنه همراه می گردد، آقای خاتمی را نیز همچون برادران دینی اش در جبهه مقابل، به کلی آشفته ساخته و وی را ناچار می سازد که نوید یک "جنگ ویتنام" دیگر را بدهد!

اما به راستی مجریان اصلاحات پس از اصلاحات و رقبای جدید خامنه ای و خاتمی کیستند؟ همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، بوش در بیانیه خود به "دانشجویان، روزنامه نگاران و نمایندگان مجلس ایران" اشاره کرد و جز آن به کرات از "مردم ایران" که وی صفت "مسلمان" را برای آن به کار گرفت نام برد. اگر چه گزینش آگاهانه این عبارات، طرف مخاطب آتی امریکا از بین دو انتخاب "حکومت" و "مردم" را تعیین می کند اما هدف تنها به این امر محدود نمی شود. زیرا بدون کانونی که در پهنه داخلی ایران، رویکرد ایالات متحده پیرامون آن متمرکز گردد، وجه فعال سیاست اعلام شده عملا در پرده ابهام باقی مانده و راهکارهای بعدی را با پرسشهای جدی روبرو می سازد. عبارت "مردم" یا "جامعه مسلمان" فراگیرتر و قابل تفسیرتر از آن است که قادر به ارائه مشخصات یک نقطه ثقل سیاسی در آرایش کنونی صحنه سیاست در ایران باشد. با توجه به پیشینه و رویکردهای کنونی امریکا، تنها یک خوشبینی جهالت آمیز - آنگونه که برخی متحدین خارج از کشوری و سابق "دو خرداد" بدان دچارند - می تواند این گزاره را همچون "آزادی، حقوق بشر و فرصتها" ، به جای سکه نقد از آقای بوش قبول کند. برای زدودن همین دست سوء تفاهمات و نیز صراحت بخشیدن به گریزهای کلی بیانیه منتشر شده بود که روزنامه واشنگتن پست، تنها چند روز پس از سخنان رئیس جمهور امریکا، به نقل از "یک مقام بلند پایه دولت" برای نخستین بار به یک گرایش مشخص که با عنوان "حامیان دموکراسی" از آن نام برد، اشاره می کند. کابوسهای خامنه ای و خاتمی به تدریج هیأت می یافند. درحالی که "عمود خیمه نظام" هنوز بخشی از سوء ظن خویش را متوجه بازماندگان رژیم پیشین ساخته بود و در سخنرانی خود که چند روز پس از بیانیه بوش ایراد شد آن را بدین گونه ابراز نمود که "همین الان امید آنها بیشتر از

همه به تقاله های رژیم فاسد پادشاهی است. هنوز که هنوز است از خاندان فاسد و وابسته پهلوی اینها قطع امید نکردند"، واکنش طیف چپ "جبهه دوم خرداد" به سخنان رئیس جمهور امریکا، تهدید را نزدیکتر از آن چه که وی گمان می برد، آدرس می داد.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اطلاعیه آقای بوش را "نشانه توفیق طرح بازدارندگی سیاسی بر پایه ائتلاف جهانی برای صلح و عدالت" خواند. جلایی پور اعلام کرد: در این پیام از تمدن و فرهنگ ایران به بزرگی یاد شده و از موج عظیم ایرانیان که هم به دنبال اصلاح و مدرن کردن ایران هستند و هم در عین حال به اسلام پایبندند، به احترام یاد شده بود. "سرخیز یکی دیگر از چهره های سرشناس گرایش یاد شده گفت: "اکثر قریب به اتفاق سیاستمداران داخلی و خارجی براین باورند که بیانیه اخیر بوش به صورت دیپلماتیک رد سیاست "محور شر" خواندن ایران با توجه به واقعیتهای داخلی بوده است." و سرآخر محمد خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت، جریانی که علیرغم اختلافات جدی داخلی، در تلاش ایفای رل میانجی بین دو گرایش چپ و راست "جبهه دوم خرداد" است، اظهار داشت: "به عقیده ما برای حفظ منافع کشور نباید در گذشته توقف کرد، هرچند که گذشته تاریک و پیچیده و روابط ما نامناسب بود و بی تفاوتی به آن امکان پذیر نیست، اما نمی توان در گذشته توقف کرد."

وازدگان "دوم خردادی" و سیاست خاورمیانه ای امریکا در یک سرفصل تعیین کننده به یکدیگر تلافی کرده اند. گرایشی که نزدیک به شش سال پیش برخی ارکان قدرت در جمهوری اسلامی را از آن خود کرد، اینک نه تنها این ابزارها را از مضمون عملی خویش تهی شده می یابد بلکه هیچ چشم اندازی هم برای حفظ آنها نمی بیند. مجلس درامر قانون گذاری عملا نقشی بازی نمی کند و این اراده نوبتی شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام است که اختیار تدوین قوانین را در دست دارد. وضع ارکان ریاست جمهوری در پهنه آنچه که به اختیاراتش برمی گردد از این هم اسفبارتر است. سیاست آشتی جویانه آقای خاتمی که وی آنرا "اعتدال" می نامد اکنون قوه مجریه را به معمای بزرگی در این رابطه تبدیل کرده است، بدان گونه که به دشواری و تنها با حدس و گمان می توان دایره حقوق اجرایی آن را تخمین زد. تصمیم اخیر باند ولایت برای متعارف نمودن این رویه که در "آئین نامه چگونگی نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام" بازتاب یافت، نوید بخش تغییر در این بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۳

مناسبات نیست. از سوی دیگر فشار ایالات متحده برای ترسیم نقشه جدید ژئوپولیتیک منطقه پس از اشغال افغانستان و گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی فزونی گرفته است. بحران فلسطین و اسرائیل و حمله به عراق، اجزای سیاست گسترش طلبانه ای هستند که بدون حل مسأله ایران، با نقیصی استراتژیک و برهم زنده توازن روپرو خواهد بود. یک کانون انتقال دهنده بحران چه به صورت پشتیبانی از بنیادگرایان مذهبی و چه در هیأت تهدید سلاحهای کشتار جمعی، آخرین فاکتوری ست که امریکا در "نظم نوین" خویش می تواند بدان نیاز داشته باشد. "حاکمیت دوگانه"، آن گونه که جناح چپ "دوم خرداد" توصیف می کند و دو گروه "منتخب و منتصب" آن گونه که آقای بوش کاست سیاسی حکومت را از یکدیگر متمایز می نماید، تعریفهای مشترک از وضعیت مشخصی هستند که قصد دگرگونی در آن، باوجود انگیزه های متفاوت، می تواند راهکارهای مشترکی را نیز در بر داشته باشد. بیانیه مورد بحث نخستین گام در این زمینه بود و حداقل به هدف مقدماتی خود، یعنی گشودن باب مجادله در این باره میان دسته ای که خود را زبان دیده و دیگری که حمایت شده می پندارد و ژرفش صف بندیهای برآمده از آن دست یافت. به چالش گرفته شدن مشروعیت مذهبی ولی فقیه و دستگاه سنتی ملاما، امری که پیش از این غیرممکن به نظر می رسید، دور جدید نبرد بر متن شرایط جدید را گشود و آغاز زمزمه "فروپاشی" از سوی نزدیکترین محافل به خاتمی، بر مبرم بودن نتیجه آن علامت تأکید گذاشت. چپ "دوم خرداد" به سرعت از نهادهای انتصابی فاصله می گیرد و مطالبات خویش را با هدف به گوشه راندن آنها مطرح می نماید. طیف مزبور اکنون با صراحت ایده "خروج از حاکمیت" در صورت پذیرفته نشدن حق اعمال قدرت خود و تن ندادن ولایت و ارگانهای تحت کنترل او به نظارت، را بر زبان و قلم جاری ساخته است. در همین رابطه نقش بازدارنده خاتمی بیش از پیش با انتقاد علنی روپرو گشته و تأثیرات زیانبار سیاستهای وی در تقویت باند رقیب برشمرده می شود. جبهه مشارکت، تحت فشار همین گرایش در کنگره اخیر خود برخی از اعضای دولت را از کادر رهبری خود کنار گذاشت و به "تمام حجت" برای باقی ماندن در ساختار حکومت پرداخت. تدوین قانون انتخابات و حذف نظارت استصوابی از جمله شروط جبهه مزبور

هستند. اگر چه انگیزه اصلی جبهه مشارکت در طرح این خواسته ها بیش از آنکه تعیین تکلیف با "محافظه کاران" باشد، به تأخیر انداختن زمان این امر است با این وجود نشانه های نگران کننده ای که این حزب دولتی در برابر آنها وادار به عقب نشینی شده است، بی شک جبهه مقابل را نیز به اندیشه جدی وادار می نماید.

در همین راستا باند ولی فقیه به شیوه گذشته با سرکوب و توقیف به روپارویی با این تهدید برخاسته و ایجاد شکاف در "جبهه دوم خرداد"، تفسیر ارادی آن از "وفاق ملی" را بر زمینه های عینی تری بنا نموده است. راهکار "محافظه کاران" در پرنسیب از سیاست پیشین آنان پیروی می کند، ویژگی جدید اما شدت عملی ست که پشتوانه آن قرار داده شده است. بر این مبنا حذف تندروهای "دوم خرداد" و به سازش کشاندن و در نهایت ادغام طیف راست و میانه آن در دستور کار قرار گرفته است. آیت الله خامنه ای از قصد خود مبنی بر "به زیاله دان ریختن اصلاحات مطلوب امریکا" خبر می دهد و رفسنجانی طیف مزبور را (پا پوزش از خوانندگان نبرد خلق) "سنگ استنجا" می نامد. بازداشت آقاجری، عضو شورای مرکزی "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" و محکومیت میردامادی از رهبران جبهه مشارکت و رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس یقینا آخرین اقدامات در پی گیری این سیاست نخواهد بود. کما این که روزنامه های باند رقیب اکنون نه فقط توقیف بلکه اصولاً اجازه انتشار نمی یابند. افزودن غلظت نظامی به بار دگرپریها که توسط جبهه گیری سپاه پاسداران علیه متمردان "دوم خرداد" و تمرکز نیرو در سطح شهرهای مرکزی و به ویژه تهران خود را به نمایش می گذارد، نشان دیگری از بحران فزاینده ای ست که اتخاذ راه حلهای جدید و سازگار را اجتناب ناپذیر نموده است. قربانی بزرگ این روند ایده "وفاق ملی" بود.

به نظر می رسد با اعلام ممنوعیت نهضت آزادی از سوی دادگاه انقلاب و محکوم نمودن اعضای اصلی آن به زندان و شلاق، "وفاق ملی" جدی ترین مبلغ و مدافع خود را از دست داده باشد. تلاشهای آقای یزدی، دبیرکل جریان یاد شده که پس از سفر از امریکا به یک باره در نقش محلل و میانجی بین دسته بندیهای سیاسی حاکم پدیدار شده بود، تحت نبردی که گرایش غالب، بر سر مرگ و زندگی خود در آن دندان می فشارد، فرجامی جز ناکامی نمی توانست داشته باشد. او برای وادار نمودن "محافظه کاران" به عقب نشینی و امتیاز دهی از بزرگ نمایی تهدیدهایی که آنها را هدف گرفته بود، پروایی

نداشت. زمانی نسبت به "برنامه های تهدید آمیز و پر مخاطره" ای که سخنان بوش از آنها ناشی شده است، هشدار می داد و گاهی دیگر در ملاقات با "شخصیت های موثر" از این که "دولت امریکا چند آمریکایی را مأمور مشاورت دهی به رضا پهلوی کرده است" برحذر می داشت. به یک بیان یزدی و جریان او می توانستند آخرین شانس باند ولایت برای دست یافتن به یک توافق کلی که همزمان به تأمین نظرات ایالات متحده بیانجامد، باشند. اما نه قدرت جبهه رقیب و نه مرزهای بی چشم انداز عقب نشینی به "محافظه کاران" اجازه ورود به یک قمار سیاسی با نتایج پیش بینی نشده را می داد. از این رو برای نهضت آزادی، همچون گذشته راهی جز دریافت صورت حساب گذاشتن همه تخم مرغهای خود در سبد حکومت و گرایشهای گوناگون آن باقی نمی ماند. باند ولایت پیش از آن که آنان به همراه ناراضیان "دوم خرداد" نغمه دیگری سر دهند، در میانه راه به استقبالشان شتافت.

تحرك و آرایش سیاسی در لایه بالایی حکومت ملاما به مدد بیانیه بوش و راهکارهای برآمده از آن فزونی گرفته است و این دقیقاً هدفی است که امریکا اکنون بی پرده آنرا بیان می کند. همین تأثیر به خوبی بیانگر آن است که جناحهای رقیب در نظام جمهوری اسلامی و ایالات متحده بدون نیاز به مشورت با یکدیگر، در کنار گذاشتن فاکتور مردم و مطالبات آنان اشتراک نظر دارند. اطلاعیه رئیس جمهور امریکا هر چند نقاط تمایز روشنی با رویکرد پیشین این کشور به حکومت ایران و ترکیب آن دارد، اما در جوهره خود و پیرامون آنچه که به جامعه ایران برمی گردد، دربرگیرنده هیچ دگرگونی نیست و همچنان راه حل های خود را از فراز سر موقعیت، خواسته ها و نیازهای آن طرح ریزی می کند. پس از تجربه بیش از دو دهه حاکمیت ارتجاع مذهبی، اکنون خواست کنار گذاشته شدن دین از حکومت و ترتیبات عرفی جامعه، یک گرایش غیرقابل انکار در میان مردم ایران است و حال آنکه مخاطبان جدید امریکا هیچ آینهی آینده بهتری از "مردمسالاری دینی" برای کشور تصور نمی کنند. طیفی که قرار براین است که ایالات متحده از این پس آنها را "حامیان دموکراسی" بنامد، نه به لحاظ پیشینه و نه موقعیت کنونی قادر به ارائه شواهد قانع کننده ای در این پهنه نیست و هرگاه از قدرت رانده نمی شد، نه به لحاظ نظری و نه عملی - سیاسی دلایل اندکی برای تغییر رویه خود داشت. این نظام جمهوری اسلامی به همراه قوانین و دوائر آن است که دلیل

اصلی ناهنجاریهای کنونی چه در سطح داخلی و چه بین المللی ست. دولت امریکا اما تغییر چهره هایی که بر این نظام فرمان می رانند را آماج خود قرار داده است، امری که جدی بودن سخن پراکنیهی آن پیرامون "حقوق بشر"، آزادی و "ثبات" را با تردیدهای به حقی روپرو می سازد. آیا واقعیت این نیست که امریکا تنها در پی یافتن طرفهای مورد اعتمادی برای معامله بر سر هر چیز می باشد؟

منافع منطقه ای ایالات متحده الزاماً همان منافعی نیست که مردم ایران دارند یا می توانند داشته باشند، در این واقعیت قهر و آشتی کشور مزبور با این یا آن دسته از حاکمان جمهوری اسلامی، حقیقتاً تأثیر ناچیزی به جا می گذارد. سازمان ما در زمره نادر جریانهای بود که با توجه به ساختار سیاسی نظام حاکم، بلافاصله پس از تکیه زدن خاتمی به کرسی ریاست جمهوری، امکانات عملی و اراده سیاسی جریانی که او نمایندگی می کرد برای دگرگونی در ساز و کار جمهوری اسلامی را به درستی ارزیابی کرد و نسبت به توهمات که در انتها جز به تداوم روابط موجود و ادبار بیشتر و طولانی تر مردم راه نمی برد، هشدار داد. فرایند رویدادها طی شش سال گذشته بر درستی این حقیقت به گونه دردناکی مهر تأیید نهاده است. اعتراف ناگزیر هیأت حاکمه امریکا به واقعیت موجود که تأیید و همراهی خیل مدافعان ایرانی خاتمی را نیز در بر داشت، شاهد گویای دیگری در همین رابطه است.

ما اکنون نیز نسبت به ادامه این سیاست ویرانگر با مهر و نشان جدید هشدار می دهیم. تلاشهای امریکا، سرخورده های "دوم خرداد"ی و همدستان آنان چیزی جز انتقال ویرانه های یک سیاست درهم شکسته از سویی به سوی دیگر نیست. این پروژه نیز فرجامی غیر از شکست نخواهد یافت، چه در وضعیت فروپاشی - امری که پایوران جمهوری اسلامی یک زبان با شدت و ضعف بدان گواهی می دهند - گزینیه های حکومتی یا نزدیک به حکومت، با هر اندازه استعداد عوامفریبی، هرگز از سوی نیروی اصلی دگرگونی یعنی جامعه به مثابه راه حل تلقی نمی گردند. هیچ آنترناتیوی جز مردم و اراده آنان وجود ندارد. داوری مردم بین حق حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی را می توان با از طریق یک انتخابات آزاد با نظارت بین المللی یا قیام همگانی دریافت. اقدامات اخیر آقای بوش فقط انتخاب را ساده تر می کند.

اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

کارگران بازداشت شده را زنجیر بسته اند

۳۰ تیر - کاروکارگر - پای ۷ نفر از کارگران شرکت کننده در راهپیمایی اعتراض آمیز ۲۵ تیر که تاکنون در بازداشت نیروی انتظامی هستند به شیوه بردگان قرون وسطی با زنجیر به هم بسته شده است.

گزارش خبرنگاران حاکمیت وقتی که مسئولان تشکیلات کارگری برای آزادسازی این افراد با وثیقه مراجعه کردند قاضی پرونده از این کار امتناع کرد و علیرغم قرار قبلی این موضوع را تا روز اول مرداد ماه به تعویق انداخت و بار دیگر زندانیها را با همان غل و زنجیر و وضعیت ناراحت کننده برگرداندند.

عباسقلی کپیپور و محمدعلی گرزین از شرکت کفش بهمن سمنان، رحمت مهتابی از شرکت فرش راوند کاشان، علی اصغر زند از شرکت نساجی مریم قم، سیدمجید میرزا رضایی از کارگران صنف نانوايي قم، محمدحسن رسولی از شرکت ایران ترمه قم و خانم پروین تکلو از شرکت آدامس خروس نشان تهران افرادی هستند که همچنان در بازداشت نیروی انتظامی به سر می برند.

به گفته این منبع فرد دیگری به نام ربای نیز از روز بریایی راهپیمایی تاکنون مفقود شده که نیروی انتظامی و سایر ارگانهای ذیربط در این مورد اظهار بی اطلاعی می کنند.

برکناری ۲۳۴ تن از کارگران فضای سبز و شهرداری منطقه دو مشهد

۳ مرداد - روزنامه خراسان ۱۵۶ نفر از کارگران فضای سبز شهرداری (سازمان پارکها) و ۷۸ تن از کارگران رفتگر شهرداری منطقه دو مشهد از کار برکنار شدند.

به گزارش خبرنگار ما این کارگران روز گذشته با تجمع در اداره کل کار و امور اجتماعی استان خواستار دادخواهی و رسیدگی به وضع بیکاری خود گردیدند. اکثر این کارگران که از سابقه ۱۰ تا ۳۰ سال برخوردار و دارای حکم رسمی هستند روز گذشته به خبرنگار ما گفتند، به بهانه قراردادی، ما را از کار معلق و اخراج نموده اند به طوری که الان با نداشتن درآمد، بلا تکلیف مانده ایم.

بیات یکی از کارشناسان اداره کل کار و امور اجتماعی خراسان نیز می گوید، این کارگران چون از تخصص کمتری برخوردار هستند و کارهای خدماتی انجام می دهند در معرض آسیب پذیری بیشتری هستند که اخراج آنان در واقع یک مصیبت بزرگ اجتماعی است.

تجمع ۶۳۰ نفری کارگران کارخانه قرقره زیبا

۱۱ مرداد - خبرگزاری ایسنا - تجمع ۶۳۰ نفری کارگران کارخانه قرقره زیبا در اعتراض به تعطیلی کارخانه به منظور بازسازی و نوسازی کارخانه همچنان ادامه دارد. یکی از کارگران این کارخانه در گفتگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران با اشاره به این که کارگران تا هفته گذشته سه شیفت در این کارخانه کار کرده و روزانه ۱۰ تا ۱۱ تن نخ تولید می کردند، افزود:

طی چند روز گذشته به بهانه بازسازی کارخانه، عذر ۴۳۰ نفر از کارگران این کارخانه خواسته شده، در صورتی که دستگاههای این کارخانه تازه خریداری شده و متعلق به سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و ساخت ایتالیاست. وی گفت: ماشین آلات و تجهیزات کارخانه تنها پنج ماه است که خریداری شده و سه ماه پیش توسط مهندسان ایتالیایی نصب شده است که ۹۵ درصد تولید این کارخانه به وسیله همین دستگاهها صورت می گیرد. این کارگر با بیان این که شرکت اشتیاق به عنوان یک شرکت پیمانکار تحت پوشش بنیاد مستضعفان و جانبازان ۱۷۲ کارگر جدید را به کارخانه معرفی کرده است، تصریح کرد:

اگر نیاز به استخدام کارگران جدید است، پس چرا مدیرعامل این کارخانه در جهت اخراج ۴۳۰ کارگر این کارخانه اقدام کرده است. وی افزود: شرکت اشتیاق و مدیران کارخانه در نظر دارند تا با بیرون کردن کارگران با سابقه و دارای دستمزد بیشتر، کارگرانی را استخدام کنند که درصدی از حقوق آنها به شرکت اشتیاق تعلق یافته و از سوی دیگر دارای حقوق کمتر و بدون نیاز به پرداخت مالیات و حق بیمه باشند.

اعتراض کارگران نساجی چوخی ساری

۱۲ مرداد - روزنامه کیهان - ۳۵۰ تن از کارگران بیکار شده نساجی چوخی ساری در اعتراض به توقف فعالیت این کارخانه و عدم دریافت حقوق و مزایای یک ساله خود در محوطه این واحد تولیدی اجتماع کردند. این کارگران که در حال حاضر به دلیل مشکلات نقدینگی کارخانه قادر به فعالیت و امرار معاش نیستند، با اعتراض به تصمیم مسئولان بانک صنعت و معدن که سهامداران اصلی این کارخانه به شمار می روند خواستار جلوگیری مسئولان از اعلام ورشکستگی این کارخانه شدند. نساجی چوخی ساری که از ۳۵ سال گذشته تاکنون در تعطیلی کامل به سر می برد به دلیل مشکلات مدیریتی و عدم نقدینگی کافی برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه توانایی فعالیت ندارد و ۳۰۰ کارگر شاغل آن نیز به همین دلیل باز خرید شدند.

۲۰۰ کارگر کارخانه لینتر پاک بهشهر در آستانه بیکاری

۱۵ مرداد - روزنامه کیهان - حقوق و مزایای ۵ ماه گذشته کارکنان کارخانه لینتر پاک بهشهر به دلیل مشکلات نقدینگی و مدیریتی پرداخت نشده است. ۲۰۰ نفر از کارگران واحد تولیدی صنعتی این کارخانه در وضعیت بلا تکلیفی قرار دارند و ۵۰ کارگر آن نیز در طول ماه های گذشته باز خرید شدند. این واحد تولیدی که در سال ۷۵ و با سرمایه گذاری عظیم ملی به بهره برداری رسید در حال حاضر به صورت نیمه فعال اداره می شود و تغییرات مدیریتی نیز نتوانسته به مشکلات آن پایان دهد.

عدم پرداخت حقوق ۲۵۰۰ کارگر و کارمند سنگ آهن بافق یزد

۱۶ مرداد - روزنامه کاروکارگر - مدیر عامل کارخانه سنگ آهن بافق اجرا نشدن مصوبه دولت مبنی بر بخشودگی جرایم مالیاتی معادن زیر مجموعه شرکت ملی فولاد از سوی اداره دارایی استان یزد را عامل معوق ماندن حقوق پرسنل این کارخانه ذکر کرد.

به گزارش خبرنگار ایسنا دهستانی افزود: اداره دارایی استان یزد به بهانه برداشت جرایم مالیاتی از پرداخت تمامی ۱۵ میلیارد ریال واریزی شرکت ذوب آهن به حساب سنگ آهن مرکزی نزد خزانه معین خودداری می ورزد.

طبق اظهارات مدیران سنگ آهن مرکزی و هم چنین تصویبات ستاد اقتصادی دولت قرار بر بخشودگی جرایم مالیاتی معوق و نهایتاً پرداخت اصل مالیات تا پایان سال ۸۲ بوده که از سوی حسینی، رئیس اداره دارایی یزد این توافقات اجرا نشده است.

هم چنین مهندس دهستانی، مدیر عامل سنگ آهن بیان کرد: طبق توافقات به عمل آمده در تاریخ ۵ اردیبهشت استاندار یزد و با حضور استاندار و مدیر کل دارایی صورت گرفت، مقرر شد دارایی در خصوص بخشودگی جرایم سنگ آهن پیگیری کند که تاکنون اقدامی به عمل نیامده است. اما تازه ترین نامه ای که از اداره دارایی دریافت شده از این قرار است که در عرض ۲۴ ساعت جرایم مالیاتی ۲۱،۹ میلیارد ریال به ۳۵،۴ میلیارد ریال تغییر پیدا کرده و این جای بسی تعجب دارد. مدیر عامل سنگ آهن دریایان ابراز امیدواری کرد که این معضل که در حال حاضر باعث عقب افتادن حقوق دو هزار ۵۰۰ نفر از کارگران و کارکنان این شرکت شده، هر چه سریع تر حل و فصل شود.

تجمع کارگران کارخانه کشمیر کرمانشاه

۱۹ مرداد - خبرگزاری ایسنا - کارگران کارخانه کشمیر کرمانشاه با تجمع در

مقابل کارخانه مذکور نسبت به اخراج سه نماینده خود توسط مدیر عامل شرکت پشم بافی کشمیر اعتراض کردند. کارگران اخراج نمایندگان خود را از کارخانه در راستای پایمال کردن حقوق کارگران توسط مدیرعامل کارخانه دانستند. یکی از کارگران معترض، ضمن انتقاد به عملکرد مسئولان در رابطه با وضعیت کارگران کشمیر عنوان کرد: اخراج نمایندگان ما در پی طرح شکایت به حق آنان در دادگاه بوده است. یکی دیگر از کارگران کارخانه کشمیر عملکرد کمیته راه اندازی کشمیر را بسیار ضعیف توصیف کرد و افزود: مدیرعامل کارخانه طی دفعات مکرر مبالغ قابل توجهی را با عنوان پرداخت طلب کارگران و تصفیه حساب آنها از کمیته راه اندازی کشمیر گرفته است، در حالی که اسمای ذکر شده در این لیستها تاکنون هیچ گونه وجهی از طرف کارخانه دریافت نکرده اند و متأسفانه کمیته راه اندازی کشمیر نیز هیچ گونه نظارتی بر اجرای کارها از سوی مدیرعامل کارخانه ندارد.

سی و سه درصد از جمعیت فعال جویای کار کشور را زنان تشکیل می دهند

۱۷ مرداد - روزنامه جام جم - سی و سه درصد از جمعیت فعال جویای کار ثبت نام شده در مراکز گوناگون کشور را زنان تشکیل می دهند رضا توفیقی زواره، معاون طرح و برنامه مرکز امور مشارکت زنان، ضمن بیان این مطلب افزود وجود این تعداد جمعیت جویای کار زنان، به دلیل دانش آموختگی زنان در سالهای اخیر است و به رغم کاهش جمعیت فعال کل کشور به دلیل ساختار جمعیتی، طی ۵ سال گذشته، جمعیت زنان فعال کشور افزایش داشته است.

بیکاری ۱۳۰۰ کارگر در کارخانه های نساجی و فرش غرب کرمانشاه

۲۱ مرداد - خبرگزاری ایسنا - در پی قطع برق در دو کارخانه نساجی و فرش غرب کرمانشاه، این کارخانه ها با یک هزار و ۳۰۰ کارگر، از فعالیت باز مانده اند. به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران، در کارخانه نساجی هیچ گونه فعالیتی انجام نمی شود و کارخانه فرش غرب نیز به وسیله ژنراتور تنها بخشی از سیستم خود را فعال نگاه داشته است که کارگران این بخش نیز در اعتراض به تأخیر در پرداخت دستمزدشان، دست از کار کشیده اند. کارگران کارخانه فرش غرب که به دلیل قطعی برق فعالیتش متوقف شده، اظهار می دارند که مدت دو ماه و ۱۵ روز است که فقط ۳۰ هزار تومان به ما داده اند و هنوز حتی عیدی و پاداش نیز دریافت نکرده ایم

مصاحبه با رفیق مهدی سامع در مورد آخرین بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

توضیح: به دنبال انتشار بیانیه شورای ملی مقاومت، سؤالی در مورد گفته‌ها و ناگفته‌های این بیانیه برای بعضی از دوستداران مقاومت ایران مطرح شده است. من به عنوان یک هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و یک دوستدار مقاومت ایران برخی از این سؤالا را با رفیق مهدی سامع مطرح کردم. متن این مصاحبه را برای اطلاع در اختیار نشریه نبرد خلق قرار می‌دهم. با تشکر از نبرد خلق

صمد یثربی ۱۰ مرداد ۱۳۸۱

در گذشته هم به درجاتی از این چالش‌ها وجود داشته است. ضمناً این حمله می‌تواند تنگناها یا گشایش‌هایی برای ارتش آزادیبخش به وجود آورد. بنابراین اگر این مواردی که من در این دو سؤال شما به آن دست گذاشتم را پایه و مبنا قرار دهیم، و اگر بر این باور باشیم که ارتش آزادیبخش برای جنگ با رژیم حاکم بر کشور ما خود را سازمان داده و آماده کرده، و اگر دچار ساده‌انگاری نشویم و فکر نکنیم که مبارزه با استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما یک مسیر سهل و ساده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط مشخصی که منظور سؤال شماست، ارتش آزادیبخش با مسأله مشخصی بر اساس ماهیت و وظایف خود روبرو خواهد شد که عکس‌العمل آن هم متکی بر منافع مردم ایران در مبارزه با نظام ارتجاعی حاکم بر کشور ما خواهد بود.

سؤال: از موضوع حمله آمریکا به عراق که بگذریم، در بیانیه چه نکته مهمی در مورد تأثیر رویداد ۱۱ سپتامبر بر اوضاع و احوال ایران وجود دارد.

جواب: تا آنجا که به بیانیه برمی‌گردد، اولاً به این امر تأکید شده که تمامی دسته‌بندی‌های رژیم پس از رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر احساس خطر می‌کنند و البته این خطر واقعی است. دوم این که این رویداد علیرغم ظاهرسازی‌های سران رژیم، تضادهای درونی آنها را تشدید کرده و به ناچار آنها را به سمت دور شدن از هم سوق می‌دهد. این را هم اضافه کنم که هر مبارزه جدی در عرصه جهان با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی به ناچار نگاه‌ها را به سمت استبداد مذهبی و تروریستی حاکم بر کشور ما سوق می‌دهد.

سؤال: بنابراین از نظر شما جمهوری اسلامی نمی‌تواند از ۱۱ سپتامبر به سود خود بهره برداری کند.

جواب: در اینجا شما نظر من را می‌خواهید بدانید و نه موضع شورا را.

سؤال: اگر امکان دارد برای خوانندگان نبرد خلق هر دو را توضیح دهید.

جواب: در مورد موضع شورا در بیانیه به اظهار نظر مسئول شورا اشاره شده است که رویدادهای پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر جامعه ایران و تمامی طرف‌های درگیر را «فشرده‌ترین رویارویی استراتژیک» توصیف کرده است. البته معلوم است که نتیجه هیچ رویارویی استراتژیک را از قبل نمی‌توان با جزئیات و دقت تعیین کرد. اما صرفنظر از ۱۱ سپتامبر، مبارزه مردم ایران در سال گذشته آن چنان عمق و بقیه در صفحه ۱۹

قطعیّت از آن صحبت می‌شود، سبب تنگناهایی برای ارتش آزادیبخش ملی ایران خواهد شد. بنابراین شورا چگونه در مورد این جریان سکوت می‌کند.

جواب: در این سؤال شما چند نکته وجود دارد که باید روشن شود. اول این که شما از قطعیت حمله به عراق صحبت می‌کنید، من این را یک احتمال می‌دانم، ولی در مورد قطعیت آن به نظرم ساده کردن رویدادها است. بنابراین من ضمن این که احتمال حمله به عراق را رد نمی‌کنم، اما در مورد این که این امر قطعیت دارد، نمی‌توانم اظهار نظر کنم. بعضی مانورهای دولت عراق که شروع شده، مخالفت چین، روسیه، اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای منطقه و نیز چالش‌های خود دولت بوش می‌تواند دلایل من برای این باشد که مسأله قطعیت را رد می‌کنم. نکته دوم این که ارتش آزادیبخش ملی ایران یک ارگان مستقل مقاومت ایران است و بنابراین شورای ملی مقاومت برای آن خط مشی، استراتژی و تاکتیک تعیین نمی‌کند. همانطور که ارتش آزادیبخش نیز برای شورای ملی مقاومت تعیین سیاست و موضع نمی‌کند. و سوم این که حیات ارتش آزادیبخش ملی و رشد و گسترش آن و واکنش‌های آن اصلاً وابسته به دولت عراق نیست. این را ارتش آزادیبخش ملی در جریان رویدادهای پس از اشغال کویت و جنگ متعاقب آن نشان داد. این ارتش ابزار سرنگونی است و فرماندهان آن هم بارها اعلام کرده‌اند که ما برای یک جنگ تمام عیار با اتکاء به مردم علیه نیروهای سرکوبگر رژیم آماده می‌شویم و در لحظه مناسب به وظیفه خود قیام خواهیم کرد.

سؤال: یعنی منظورتان این است که حمله آمریکا به عراق برای ارتش آزادیبخش ملی هیچ مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند.

جواب: من هنوز در مورد سؤال قبلی شما حرف‌هایی داشتم که شما این سؤال را مطرح کردید. می‌خواستم بگویم که موجودیت مقاومت ایران به طور کلی و ارتش آزادیبخش به عنوان یک جزء مهم آن اساساً منوط به موجودیت و حیات مبارزه ترقیخواهانه مردم ایران است و نه عامل یا عوامل دیگری. حالا برگردیم به این سؤال شما. من البته از تصمیمات فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی برای مقابله با چنین رویدادی یا رویدادهای دیگر اطلاع ندارم. اما از نظر تحلیلی معتقدم که حمله آمریکا به عراق مسلماً برای ارتش آزادیبخش ملی چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند که البته

بین بالا و پایین بود که خامنه‌ای به اخبار تن به خاتمی و دوم خردادها داد. از این رو چنین رویدادی از یک طرف منجر به تضعیف کل رژیم به طور عام و محور آن یعنی ولی فقیه به طور خاص خواهد شد و از طرف دیگر منجر به گسترش مبارزه اجتماعی مردم ایران در عرصه‌های مختلف و به اشکال مختلف خواهد شد که جوهر و مضمون این مبارزات هم نفی استبداد مذهبی حاکم برای استقرار یک نظام دموکراتیک، سکولار و عدالت طلب خواهد بود. و نکته سوم این که شدت‌گیری تضادهای درون جامعه، بحران ساختاری و تضعیف رژیم و گسترش مبارزه مردم، جامعه را در وضعیت انقلابی قرار داد. و از این رو راه‌هایی جامعه از این بحران سرنگونی تمامیت این رژیم و استقرار یک دولت موقت دموکراتیک است. این سه نکته را شورا طی این سالها بارها اعلام کرده و منتها آن چه طی یک سال گذشته برجسته شد و در بیانیه امسال به آن تأکید شده این است که این حرف‌ها دیگر فقط حرف‌های شورای ملی مقاومت نیست، بلکه بسیاری از کسانی که به اصلاحات قلابی خاتمی دل بسته بودند، امروز همین حرف‌ها را تکرار می‌کنند. ضمناً در بیانیه امسال به رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر و عواقب و نتایج آن در کشور ما نیز پرداخته شده است.

سؤال: اتفاقاً سؤال من این است که چرا شورای ملی مقاومت در مورد ۱۱ سپتامبر و نتایج آن و سیاست‌های آمریکا و احتمال حمله به عراق حرفی نزنده و موضع‌گیری نکرده.

جواب: اگر قرار باشد که شورا در مورد رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر و همه آثار و عواقب و نتایج آن و سیاست‌هایی که طرف‌های گوناگون این رویداد پس از ۱۱ سپتامبر، اتخاذ کرده‌اند، حرف بزنند، اولاً که مثنوی هفتاد من کاغذ شود و در ثانی شورا از هدف خود دور شده است. ما به عنوان شورا به رویداد ۱۱ سپتامبر از نظر تأثیر آن به شرایط داخلی کشور خودمان صحبت می‌کنیم و موضع‌گیری می‌کنیم. اگر شما به موضع‌گیری‌های مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران هم توجه کنید می‌بینید که او هم به همین نکته می‌پردازد و در حقیقت شورا که سالها پیش اعلام نمود که بنیادگرایی اسلامی یک خطر عمده است که مغز و قلب آن در تهران و به طور عمده توسط رژیم ایران هدایت می‌شود، اکنون باز هم بر همین نکته دست گذاشته و بر آن تأکید می‌کند.

سؤال: رفیق شما نمی‌توانید انکار کنید که حمله آمریکا به عراق که اکنون با

سؤال: شورای ملی مقاومت ایران هر ساله در روز ۳۰ تیر بیانیه‌ای منتشر می‌کند. امسال نیز بیانیه شورا به مناسبت ۳۰ تیر در ۲۱ بند انتشار یافته است. می‌خواستم بپرسم در بیانیه امسال چه نکته و یا موضع‌گیری جدیدی وجود دارد؟

جواب: شورای ملی مقاومت ایران خود را الترناتیو دموکراتیک استبداد مذهبی حاکم بر ایران می‌داند و موضع‌گیری‌هایش در جهت تحقق سرنگونی این رژیم، استقرار دولت موقت برای مدت ۶ ماه و انجام انتخابات مجلس مؤسسان و قانونگذاری است. از این رو تا وقتی این رژیم و استبداد مذهبی بر کشور ما حاکم است، بیانیه‌های شورا یک جوهر اصلی خواهد داشت که بیان‌کننده وضعیت رژیم، وضعیت مبارزه اجتماعی مردم ایران و وضعیت مقاومت است. پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و روی کار آمدن خاتمی و به راه افتادن کارناوال اصلاحات قلابی، شورا طی بحث‌های مفصل به نتایجی رسید که در بیانیه‌هایی که طی ۵ سال گذشته منتشر کرده ثبت شده و همگان از آن اطلاع دارند و من می‌توانم آنها را در سه نکته مهم خلاصه کنم. اول این که در چارچوب رژیم ولایت فقیه اصلاحات امکان‌پذیر نیست و بنابراین حرف‌های خاتمی چیزی جز عوامفریبی نیست و بنابراین نه اصلاحات قلابی خاتمی که تحت عنوان «مردم سالاری دینی» از آن یاد می‌کند چاره ساز است و نه آن که ولی فقیه می‌تواند شرایط را به قبل از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و یا ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰ بازگرداند.

نکته دوم این که شورا از ابتدای روی کار آمدن خاتمی به جد تأکید می‌کرد که تن دادن ولی فقیه به خاتمی نه به علت رشد تضاد در بالا و بنابراین قانونمند کردن این تضاد و کنترل آن بلکه به علت شدت و حدت‌گیری تضاد

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

در بیست و یکمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت که مصادف با پنجاهمین سالروز قیام ملی ۱۳۳۱ و بازگشت دکتر مصدق، رهبر نهضت ملی ایران به قدرت است، شورای ملی مقاومت ایران یاد همه زنان و مردانی را که در این سالهای سیاه حاکمیت ارتجاع و استبداد دینی در راه کسب آزادی مردم ایران و تحقق عدالت و پیشرفت به شهادت رسیده اند، گرامی می دارد و با بزرگداشت ۳۰ خرداد، سالروز شروع مقاومت مسلحانه و تأسیس ارتش آزادیبخش ملی و روز شهیدان و زندانیان سیاسی، بار دیگر با مردم ایران برای احیای حقوق پایمال شده آنان، تجدید عهد می کند.

از یک سال پیش، در فاصله اجلاس بزرگ تیرماه ۱۳۸۰ شورا تاکنون، تحولات سیاسی عظیمی در جهان و در ایران رخ داده است که لاجرم مقاومت سازمانیافته مردم ایران را هم در مصاف سرنوشت برای سرنگونی استبداد مذهبی، به آزمایش می کشد.

نتیجه این آزمایش که در وجوه گوناگونش از سوی مسئول شورای ملی مقاومت به درستی در نوروز امسال فشرده ترین رویارویی استراتژیک توصیف شد، یک بار دیگر ثابت کرد که ملت ایران با بیش از دو دهه مقاومت پایدار و سازش ناپذیر و با اتکا به شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران به مثابه تجسم سازمانیافته این مقاومت میهنی، برای به زیر کشیدن رژیم نامشروع آخوندی و استقرار آزادی و حاکمیت مردم، عزم جزم دارد و از ظرفیت لازم برای تحقق این مهم، هر چند با بهای سنگین و خونین، برخوردار است.

مسائل داخلی

۱- در عرصه داخلی تا سال گذشته این تنها مقاومت ایران بود که از وضعیت انقلابی، بازگشت ناپذیری و بلوغ شقه در رأس حاکمیت ارتجاعی و فعالیت یافتن مرحله سرنگونی سخن می گفت و تأکید می نمود هر چند خاتمی در جنگ قدرت درونی رژیم مجدداً به ریاست جمهوری رسیده، و اکثریت مجلس را هم در اختیار دارد، اما برنده شدن او امری موقت، گذرا و تاکتیکی است و با قطعیت می توان گفت که نه ولی فقیه به مثابه «عمود خیمه‌ی نظام»، تثبیت شدنی است، نه اصلاحات کاذب «فقه‌های» خاتمی چاره ساز است و نه شرایط به قبل از ۱۸ خرداد (۱۳۸۰) بازمی گردد.

اکنون، اما، علاوه بر تحلیلگران و ناظران بین المللی و دولتهایی مانند ایالات متحده آمریکا که بر وخامت بحران درونی رژیم و بر وضعیت انفجاری اوضاع ایران انگشت می گذارند، عناصر و اجزای تشکیل دهنده همین رژیم و حتی سردمداران آن نیز، بی دریغ از هبوط و سقوط و بحران و آشفتگی برحذر می دارند.

نایب رئیس خبرگان قسم می خورد که جامعه در حال انفجار است و مردم به شدت از این وضع ناراحت و نگران هستند. سرکرده نیروی انتظامی رژیم می گوید جامعه با یک ابر بحران روبرو شده است. یک وزیر سابق و نماینده کنونی مجلس رژیم (سرخدی زاده) تصریح می کند کشور دارد از دست می رود و خطر سقوط جامعه ما را تهدید می کند. خاتمی اعلام می کند جامعه ما در معرض و آستانه آشفتگی قرار دارد و فرصت اندکی برای کشور ما و مملکت ما مانده است و در سالگرد دومین دور ریاست جمهوری، به دزدگی (مردم) از اصل نظام اذعان می نماید.

و بالاخره دو هفته پیش، امام جمعه اصفهان پس از ۲۳ سال، در استعفا نامه سرگشاده خود، رژیم را بر بل باد تصویر می کند که سرانجامی نامیوم دارد و از

هبوط روحانیت و سقوط مرجعیت ابراز تأسف می کند و می پرسد تا کی برای مردم، تکراری سخن بگوئیم و مرتب کنفرانس و جلسه و میتینگ برگزار کنیم و هزینه سفرهای سیاسی و خاقانی و تبلیغاتی و بی خاصیت خود را بر مردم محروم تحمیل کنیم. چنین است که زنگهای خطر انفجار اجتماعی بلندتر از همیشه برای هر دو جناح رژیم به صدا در آمده و موجودیت نظام در معرض تهدید است. (خبرگزاری فرانسه - ۲۷ دیهشت ۸۱)

۲- درباره استخاله و اصلاح این رژیم نیز، اگر در گذشته تنها شورای ملی مقاومت ایران بود که از فردای ریاست جمهوری خاتمی می گفت نظام ولایت فقیه به دلیل تضاد ماهیتش با حداقل حقوق شهروندان، قابلیت فرم، گشایش، اصلاح و استخاله ندارد (قطعه نامه شورای ملی مقاومت، مهر ۱۳۷۶) اکنون در داخل و خارج ایران به ندرت می توان کسی را یافت که به استخاله و اصلاح استبداد مذهبی دل بسته باشد.

در جرگه اصلاح طلبان قلابی، کارد و رشکستگی به تقصیر چنان به استخوان رسیده که برخی از سران باند خاتمی (مشارکت) آشکارا از او می پرسند: جناب آقای خاتمی جایگاه شما در سیاست ایران کجاست؟ نظام تصمیم گیری کشور فلج است و به معنای دقیق کلمه، چیزی به نام حکومت و حاکمیت یکدست در کشور وجود ندارد، در عین حال انواع خطرات بالفعل و بالقوه این کشور را تهدید می کند (عبدی، نوروز ۲۰ تیر).

دیگری می گوید مدت‌هاست که رسماً اعلام کردیم که اصلاحات به شکست کامل منجر شده و اسمش را گذاشته ام مرحوم اصلاحات و فاتحه اصلاحات را خوانده ام. (شعله سعدی - ۱۹ تیر)

چنین است که دود و دم اصلاحات قلابی، البته با قیامهای مردم ایران و با مبارزات همه جانبه سیاسی و نظامی و اجتماعی و بین المللی مقاومت ایران و بهای گزاف و خونینی که برای آن در ۵ سال گذشته پرداخته است، فرو نشسته و پروژه ارتجاعی و استعماری رسوا شده است.

چنین است که اکنون می گویند برنامه خاتمی برای آزادیهای سیاسی و اصلاحات از بین رفته است و طاهری کاری را که از خاتمی انتظار می رفت، انجام داد. (سی ان ان - ۲۰ تیر).

همچنین نتیجه گیری می کنند که از همه تحولات روشن می شود که رفرمی که رئیس جمهور خاتمی مطرح کرده بود، شکست خورده است و اصلاح طلبان تقلبی هم با آن شکست خورده اند. (الشرق الاوسط - ۲۱ تیر).

۳- در جریان تشدید جنگ قدرت و بالا گرفتن بحران و گسستگی درونی رژیم، باندهای متخاصم گاه آنچنان به رو کردن دست یکدیگر در غارت و چپاول و در کشتار و ترور میس می پردازند که سرپای حاکمیت آخوندها به لرزه در می آید. آنقدر که رئیس مجلس آنها می گویند: بر سر شاخه نشستیم ایم و بن می بریم و همه شمشیر کشیده ایم تا ابروی هم را ببریم.

اما همین کروی در بهمن ماه گذشته آنچنان از کوره در رفته بود که چندین قلم درشت از فضیحتها را بیرون ریخت و از جمله گفت آقای جزایری اگر پول می داده سرریزش بوده که به مجلس می داده است. کروی درباره «خودکشی» سعید امامی هم گفت این داروها خیلی مجزه می کند و ما در زندان دیده بودیم بعضیها خورده بودند و سالم هم شدند. اما این دارو از سیانور هم محکمتر بوده، چون به مجردی که سرباز رویش را برگردانده، خورد و فوراً هم مرد.

در اواخر اردیبهشت نیز یکی از مهره های باند غالب به نام بختیاری، با فاش کردن زمینه سازی برای کشتار زائران و به آتش کشیدن خانه خدا در سال ۱۳۶۶ در مکه با شرکت میردامادی رئیس

کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس کنونی رژیم، همه باندهای متخاصم را همزمان به واکنش واداشت. از این پیشتر رژیم و همدستانش در خارج کشور این جنایت را هم، مانند کشتار کشیشان مسیحی و بمب گذاری در حرم امام رضا به مجاهدین نسبت می دادند. اما مهره مزبور سرانجام فاش کرد در مدت یک هفته بی که نگارنده بعد از واقعه در مکه بود عده بی از دانشجویان تندرو که بعداً مشخص شد جناب آقای محسن میردامادی و دوستانش جزو

این گروه بودند، برنامه بی طراحی نموده بودند که بعد از راهپیمایی حجاج که از یکی از میادین مکه به سمت حرم بود، داخل حرم شوند و با تصاحب بلندگوی مسجدالحرام شعار مرگ بر آمریکا و مطالب دیگر را قرائت نمایند. امید است با پیگیری دادگستری تهران مسائل روشن شود که چگونه بعضی از آقایان که هم اکنون شعار اصلاح طلبی می دهند در آن سال (۶۶) با حرکات افراطی خویش زمینه ساز آن کشتار فجیع گردیدند. (سیاست روز - ۲۸، ۲۹، ۸۱).

این افشاری، وحشت و نگرانی عمیق هر دو جناح رژیم را در پی داشت. روز بعد ارگان باند غالب (جمهوری اسلامی) نوشت حتی اگر چنین ادعایی درست باشد، قبل از هر چیز باید روزنامه بی که این گونه به منافع ملی و مصالح کشور ضربه وارد می کند و دشمنان و مجرمان را تبرئه می نماید، تحت تعقیب قانونی قرار گیرد.

همزمان، یک روزنامه وابسته به باند خاتمی (آفتاب) خاطر نشان کرد این که در شرایط خطیر تهدیدات خارجی، یکی از روزنامه های صبح مسائل حدود ۱۵ سال گذشته را پیش می کشد واقعاً انسان را به یک نگرانی عمیق وادار می سازد. ما تا چه حد فراتر از خطوط قرمز حاضر به مقابله و حمله به یکدیگر هستیم و تحت چه شرایطی این درک را خواهیم داشت که منافع ملی را بازپس می آیم یا نکتیم؟ متأسفانه در جریان فوق الذکر که یک موضوع کاملاً فراموش شده به طور ناشیانه و جاهلانه زنده می شود و توجه نمی گردد که در صورت انتشار حرف و حدیثها و شایعات پیرامون آن، چه عواقب خطرناکی گریبان کشور را می گیرد هیچ چاره بی نداریم که مسئولان بالای نظام را به برخورد فوری و قاطع به این فرا خوانیم.

۴- گفتن ندارد که در این میان تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد بین حاکمیت دینی و مردم ستمدیده روز به روز بیشتر شده است.

از آن جا که حکومت جنایتکار آخوندها جز اعمال خشونت و سرکوب، روش دیگری برای حل تضادهای اجتماعی و وضعیت اسفبار اقتصادی و مقابله با فقر فراگیر و بیکاری و اعتیاد در ابعاد میلیونی نمی شناسد می توان افزایش حیرت انگیز تعداد اعدامهای اعلام شده (۲۱۴ مورد در شش ماه گذشته)، شلاق زندهای مردم در ملا عام، دستگیریها و بازداشت‌های خودسرانه، خانه گردیها و انواع دیگر اقدامات سرکوبگرانه را نشانه آشکار این تشدید تضاد دانست.

قوه قضاییه رژیم هر چند اینک به ابزار موثر کارآمدی برای سرکوب قانونی مبدل شده است اما به هیچ وجه توان پیشگیری از عسایانهای مردمی یا مقابله با آنها را ندارد. از این رو آخوندهای حاکم به فکر ایجاد ابزارهای تازه تر و مجهزتری برای سرکوب مردم افتاده اند. تشکیل سپاه تهران بزرگ یا راه اندازی گشتیهای تازه نیروی ویژه ضدشورش با تجهیزات جدید در شهرهای بزرگ به بهانه تأمین امنیت، هر چند برای پاسخگویی به چنین نیازی است، اما در واقع به بسج نیرو و صف آرای رژیم متزلزل و وحشت زده برای جنگ خیابانی بیشتر شهابت دارد تا به نمایش قدرت از سوی رژیمی مقتدر و با ثبات.

یکی از فرماندهان این ابزارهای جدید سرکوب در مصاحبه ای با اظهار تعجب گفته بود که تعداد تخلفات

بیانیه شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه ۷
و جرمهایی که به طور روزمره در شهرهای بزرگ آلمان صورت می گیرند چند برابر این رقم در کشور ماست، با این حال در آن جا کسی از عدم امنیت حرف نمی زند ولی در این جا همه احساس عدم امنیت می کنند.

این بیان به طور ضمنی تکذیب قاطعانه تمام خود ستاییهای ابلهانه رژیم می است که سعی دارد خود را نیرومند و با ثبات معرفی کند، اما در عین حال بیان حال یک رژیم تحمیلی نامشروع هم هست. اگر آخوندهای حاکم هر جرم و تخلفی را توطئه سیاسی می بینند، اگر از هر حرکت اعتراضی مردم، هر اندازه ناچیز هم باشد، احساس عدم امنیت می کنند اگر در هر نوع انتقاد آبکی، ولو از طرف خودیهای هزار بار از صافی رد شده، قصد دین ستیزی یا براندازی نظام می بینند، از آن روست که از درجه نفرت مردم از نظام استبداد دینی به خوبی آگاهند.

پنج سال پیش خاتمی وقتی می خواست قطار اصلاحاتش را به راه بیندازد، عوام فریبی خاص شاگردان خمینی می گفت می توان به طور نظری با حکومت دینی یا ولایت فقیه موافق نبود، ولی از آن جا که در قانون اساسی قید شده، باید در عمل به آن تعهد داشت. به بیان دیگر برای جلب مشتری، شرعی بودن نظام را فرع بر قانونی بودن آن قلمداد می کرد. اما حالا پس از عبور از هفت شهر مردم سالاری دینی به دفاع لخت و عریان از حکومت دینی رسیده و رودرروی خواست مردم برای سرنگونی حکومت دینی و استقرار دموکراسی قرار گرفته است.

تحولات بین المللی و رژیم

۵- اما در سطح بین المللی، به حق می توان گفت که در سالی که گذشت، واقعه دلخراش ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - که به کارزار سیاسی نظامی عظیمی تحت عنوان مبارزه با تروریسم بین المللی منجر گردید - حادثه مهم و بی سابقه ای بود که همه حوادث سیاسی دیگر در جهان را به درجات تحت تأثیر قرار داد. در ایران تأثیر پیامدهای واقعه مذکور بر روند تحولات و سیر تضادهای درونی رژیم، شدت بیشتری هم پیدا کرد، چرا که دولت آمریکا در بهمن ماه گذشته، سرانجام پس از دو دهه به شرارت و پلیدی رژیم ایران اذعان کرد. هر چند در این تهاجم سیاسی تبلیغاتی هیچ گونه قصد براندازی نهفته نبود و این نکته را هم مسئولان کنونی آمریکا، هم مسئولان سابق این کشور (به ویژه مادلین آلبرایت) و هم زمامداران اروپایی به زبانهای گوناگون تصریح کرده اند، اما باعث وحشت زدگی رژیمی شد که در تمام کارنامه ننگین حاکمیت بیست و سه ساله اش چیزی جز جنگ، سرکوب، اختناق، گروگانگیری و صدور تروریسم ثبت نیست.

خانم آلبرایت وزیر خارجه سابق آمریکا در فروردین گذشته در لندن درباره کارنامه چهار ساله دولت قبلی آمریکا گفت که اگر چه انتقاداتی به جناحی از حکومت ایران داشته است لکن معنای این نقد به منزله طرد هیچ نیرویی در درون حاکمیت ایران نبوده است و دولت کلینتون به همین خاطر به هیچ وجه اصراری در تسریع پروسه های دموکراتیک در ایران نداشت و آماده بود که سالها برای این منظور صبر کند زیرا ما می دانستیم مسیری که از دیکتاتوری به دموکراسی منتهی می شود بسیار پرشتاب و فرارز و دردناک می باشد و عبور از این مسیر یک دوره انتقالی ۴۰، ۳۰ ساله را می طلبد زیرا ما اگر با دولتهای دیکتاتوری رابطه حسنه داشتیم و سعی می کردیم با آنها با ملایمت و ملاحظت سخن بگوییم، بیشتر در جهت همین تئوری بود که معتقد بودیم به دیکتاتورهای

هم باید فرصت داد که این مسیر را به آرامی طی کنند. از این رو دولت کلینتون اعتقادی به ایجاد آلترناتیو برای جمهوری اسلامی نداشت و لذا هیچ وقت نیز سراغ آنها نرفت. ما معتقد نبودیم که بایستی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کرد، بلکه معتقد بودیم باید با آن کارکنیم تا بتوانیم به وضعیت مناسبی برسیم.

وی در پایان افزود من فکر نمی کنم دولت بوش نیز به جایگزینی برای جمهوری اسلامی معتقد شده باشد و از این رو جز در مورد افغانستان و عراق، من بعید می دانم آمریکا بخواهد یک رژیم جایگزین پیدا کند. (بنیان - ۸۱، ۲، ۳)

۶- با این همه بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر و به ویژه موضعگیری رئیس جمهور آمریکا علیه رژیم در بهمن ۱۳۸۰، سراسیمگی و وحشت زدگی سردمداران رژیم بر اثر احساس خطر خارجی، درحالی که در داخل هم از مدتها پیش زمین زیر پایشان می لرزید، گاه بروز واکنشهای غریب و مضحکی را به دنبال می آورد.

مثلاً حزب اللهیهای سابقی که امروز تقلید از مراجع دینی را مخالف شان انسان و رفتاری در خور میمون ضربه احتمالی شیطان بزرگ ائتلاف و همکاری با طالبان حاکم بر افغانستان را تجویز می کردند.

هم چنین دین فروشان نابکاری هم که خصومت با آمریکا را دستمایه کاسی خود در صحنه سیاست قرار داده بودند، ضمن جمع کردن بی سرو صدای بخشی از شبکه تروریستی خود از این جا و آن جای جهان، دلایلیشان را برای مذاکره محرمانه با دشمنان اسلام بسیج کردند.

۷- به طور کلی احساس خطر باندهای شریک در حاکمیت در فشارهایی که از خارج وارد می شد، تعادل قوای موجود بین جناحها را به هم زد و در متن شرایط جدید جهانی رابطه دو گانه و متضادی بین آنها به وجود آورد:

این احساس خطر مشترک، از یک سو جناحهای شریک را به طرف همسویی و همبستگی بیشتر و تکیه بر نقاط اشتراک می راند. از جلوه های بارز چنین گرایش می توان از طرح موسوم به وفاق ملی نام برد که تلاشگران و فعالان عمده اش نیروهای حاشیه ای و کم و بیش مغضوب حاکمیت بودند و در مانورهای و حرکات نمایشی آنها برای تحقق این طرح، انگیزه راه یافتن به محفل ممتاز خودیها آشکارا به چشم می خورد.

از سوی دیگر همین احساس مشترک خطر، به رقابت جناحها برای جلب نظر مساعد محافل غربی دامن می زد و در نتیجه تضادشان را تشدید می کرد. از مانورهای که جناحهای حاکم به طور پنهانی نزد طرف حسابهای غربی خود می دادند تا تلاشهای رقیب در همین زمینه را خنثی کنند و نیز از نحوه برخورد طرف حسابهای مربوطه با نمایندگان جناحها، جز خبر ناقص و دست و پا شکسته ای از قیوس گیت، اطلاعات پندانهی به بیرون درز نکرده است. در عوض روشن است که موضع گیری علنی مسئولان غربی به نفع جناح خاتمی، که از سوی آمریکاییان به دریافت لقب بخش منتخب حاکمیت، مفتخر شده به آتش جنگ قدرت جناحها نفت پاشیده است بی آن که توانسته باشد تعادل قوای درون حاکمیت را به سود این بخش منتخب تغییر دهد.

۸- در واقع بی تکی و بی کفایتی جناح مدعی اصلاح طلبی، که ادعای برخورداری از حمایت هشتماد در صد مردم کشور را دارد و در پهنه جهانی هم از طرف همه قدرتها و ابرقدرتها پشتیبانی می شود ولی با این همه قادر نیست بند ناف خود را از نهضت امام خمینی ببرد و به همبستگی آخوندی با جناح رقیبش خاتمه دهد، خود بهترین دلیل و شاهد بر اصلاح

ناپذیری رژیم به جا مانده از خمینی و عقیم بودن بخش منتخب آن است.

در مقابل بخش غیر منتخب با صدور حکم ممنوعیت حرف زدن از مذاکره با آمریکا و با به کار انداختن قوه قضاییه رژیم به عنوان ابزار قانونی سرکوب رقیبان یا مخالفان قانونی، نشان داده است که حتی تحمل حرف زدن رقیبان خودی را ندارد و برای ابزار مخالفت، راهی جز توسل به قهر را باز نگذاشته است. ۹- بی کفایتی بخش منتخب که با برخورداری از امدادهای نه چندان غیبی هم توان قدم برداشتن در راه اصلاحات مورد ادعایش را ندارد، باعث شده است که دو جناح همزیستی خود را بر اساس همکاری در تنها زمینه ای که در موردش توافق کامل دارند، ادامه دهند: جنگ بی امان با جنبش مقاومت به ویژه سازمان مجاهدین خلق که دشمن سازش ناپذیر هر دو جناح رژیم آخوندی و پیش قراول مبارزه با تروریسم دولتی طی دو دهه حاکمیت آخوندها بوده است.

رویارویی رژیم و مقاومت

۱۰- بدین ترتیب بود که سال گذشته در پهنه جهانی شاهد یک جنگ سیاسی تمام عیار بین رژیم خمینی و جنبش مقاومت بودیم. رژیم به اعتراف مکرر بسیاری از سردمدارانش از مدتها پیش با اصرار و دادن وعده امتیازهای کلان اقتصادی به دولتهای غربی فشار می آورد که از فعالیت سیاسی و قانونی هواداران مقاومت در کشورهای مربوطه جلوگیری کنند ولی به علت ضوابط و مقررات دست و پاگیری که در این کشورها وجود دارد و به حاکمان اجازه نمی دهد به سان ولی فقیه در نظام الهی کذایی عمل کنند، دستش به جایی بند نمی شد. فقط دولت انگلیس که روابط دیرینه اش با روحانیت معظم به طور عام و ارادتش به نهضت امام خمینی به طور خاص نیاز به شرح و بسط ندارد، حاضر شده بود به تقلید از مراجع عظام ایران گیتی، طی یک اقدام سیاسی نام سازمان مجاهدین خلق را در فهرست سازمانهای تروریستی جای دهد. به خصوص که برای آخوندها به گفته وزیر اطلاعاتشان (یونسی) مناقفین مهمترین گروه ضد انقلاب هستند که ضمن حمایت خارجی به چیزی جز نابودی جمهوری اسلامی فکر نمی کنند. (جمهوری اسلامی - ۷ تیر ۱۳۸۰)

اما به دنبال طرح ضرورت مبارزه جهانی با تروریسم پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، رژیم آخوندی که از زمان غصب قدرت تا کنون تروریسم دولتی را به عنوان شیوه حکومت برگزیده است، به فکر برگرداندن این موج علیه مقاومت افتاد و با به کارگیری تمام امکانات دولتی، شبکه های دلالی و کار چاق کنی، لشکر مزدوران اطلاعاتی و جاسوسی و استفاده از قدرت تبلیغاتی حامیان خارجیش، وارد میدان شد و فشار به کشورهای اروپایی را افزایش داد. سرانجام اتحادیه اروپا به بهانه هماهنگ کردن لیست خود با لیست سازمانهای تروریستی منتشره از طرف آمریکا ولی در واقع به دنبال یک معامله ننگین و خفت بار با رژیم آخوندی، نام سازمان مجاهدین را در لیست خود جای داد.

۱۱- تهیه لیستی از سازمانهای تروریستی که در آن بعضی گروههای سیاسی یا جنبشهای آزادی بخش با مشی مسلحانه به طور فله ای در کنار پاره ای از شبکه های مافیایی و شبه مافیایی آدم ربا یا گروگانگیر و تروریست قرار داده شده اند، ظاهراً حکمتی ندارد جز خواست کنترل بر همه حرکاتی که خارج از اراده یا صلاحدید مدعیان صاحب اختیاری جهان صورت می گیرد.

توقع تن دادن جنبش مقاومت ما به این گونه شاتنازهای قلدرمآبانه البته توقعی بی جا و احمقانه است. اما فهم ساخت و پاخت دولتهای لائیک و

بیانیه شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه ۸

غیرمذهبی اروپایی با استبداد دینی عقب مانده و ضدشعری چون رژیم حاکم بر ایران تا حد قربانی کردن جنبش حق طلب و پیشروی که برای جدایی دین از دولت مبارزه می کند، چندان دشوار نیست. زیرا اروپای دو چهره، فقط پرورشگاه دانش و هنر و مهد حقوق و آزادیهای اساسی انسانی نبوده، خاستگاه استعمار و پدیدآورندهٔ دستمگرانه ترین روابط بین انسانها هم بوده است و استعمار امروز اگر صورتش نسبت به گذشته عوض شده، انگیزه و قوه محرکه اش - که بهره کشی از کشورهای پیرامونی است - تغییری نکرده است.

از این رو بند و بست با منفورترین و بی اعتبارترین رژیمها و مانع تزاری در راه جنبشهایی که استیفای حقوق پایمال شده مردمشان را مدنظر دارند، سیاست همیشگی و ثابتش بوده است. در تاریخ معاصر ما کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ سمبل چنین سیاستی شناخته می شود.

۱۲- تقسیم بندی رژیم ایران به دو بخش منتخب و غیرمنتخب و تروریست نامیدن طرف سوم یعنی مردم و مقاومت ایران، حاکی از استمرار همان سیاست استعماری و ضددموکراتیک و از نظر مردم ایران به کلی مردود است. این سیاست در تعارض آشکار با وضعیت کنونی ایران و واقعیات اجتماعی و اقتصادی و تاریخی هم هست.

رسوایی و شکست پروژه خاتمی در همان بخش به اصطلاح منتخب، به رغم آن همه حمایتهای آشکار و پنهان و آنچه لاف و گزاف و جاروچنگال و دستخوش و استمالت گویای همین حقیقت و مبین شکست نهایی این گونه سیاستها است.

سال گذشته آقای کلینتون صریحاً گفت: «الان که من دیگر در موضع ریاست جمهوری نیستم، این حرف را بدون این که ضربه زنده باشد، می توانم بزنم. تصور نمی کنم کسی در غرب باشد که نداند ما وقتی ایران یک رئیس جمهور جدید برگزید، خوشنود و راضی بودیم.»

کلینتون افزود «بهترین راهی که من می توانستم به او کمک کنم این بود که فاصله خود را با او حفظ کنم. موقعی که من رئیس جمهور بودم، اگر حرفی به نفع او می زدم، احتمالاً باعث سرنگونی او می شد. (تلویزیون بی بی سی جهانی - ۱۳، ۳، ۸۰).

بی جهت نیست که خاتمی در موضعگیری اخیر خود درقبال اطلاعیهٔ رئیس جمهور آمریکا پس از تظاهرات دانشجویان و مردم تهران در سالگرد قیام تیر ۷۸ می گوید به نظر من حکومت قبلی آمریکا واقعی تر و منصفانه تر با مسائل برخورد می کرد و بهتر و بیشتر به مصالح آمریکا می اندیشید. (خاتمی - ۲۳ تیر).

۱۳- تقلابهای رژیم برای برگرداندن موج ضد تروریستی که یک قلم انجام ۸ دور گفتگوهای فراگیر تا بهمن ماه سال ۱۳۸۰ را شامل می شود، به راستی لجام گسیخته و دیوانه وار بود و بخش اعظم نامه نگاریها و ملاقاتها و سفرهای مقامهای حکومتی را در بر می گرفت و گاه حیرت مخاطبان آنها را بر می انگیزت.

در همان اوایل، یک روزنامه عربی در این باره نوشت: «رژیم ایران برای استفاده از فرصت دیپلماتیکی که اقدام نظامی محتمل آمریکا علیه افغانستان بعد از تهاجمات ۱۱ سپتامبر برایش فراهم ساخته است، تقلاً می کند و معاون وزیر خارجه، علی آهنی، را برای تأکید بر ضرورت مبارزه با تروریسم در چارچوب سازمان ملل متحد و نیز مقابله با سازمان مجاهدین خلق به آلمان و فرانسه و ایتالیا فرستاده است.» (الحیات - ۱۲ مهر).

سپس یک نمایندهٔ مجلس اعیان انگلستان فاش کرد: «خرازی، وزیر خارجه ایران، به تازگی به یک هیأت جامعه اروپا گفت، که بهای هر حمایتی از جانب ایران این است که جامعهٔ اروپا اعلام کند که مجاهدین تروریست هستند.» (لرد آرچر - ۲۷ آذر ۸۰). اکثریت نمایندگان پارلمان بلژیک هم اعلام کردند: «وزیر خارجهٔ رژیم ایران اخیراً در ملاقاتی با وزیر خارجهٔ کشور ما درخواست کرده است تا مجاهدین خلق ایران در لیست سازمانهای تروریستی قرار داده شوند. ما از وزیر خارجه و دولت می خواهیم تا قاطعانه این درخواست را رد کرده و اجازه ندهند رژیم ایران که خود پدرخواندهٔ تروریسم بین المللی است، از نزاکت دیپلماتیک ما سوء استفاده کرده و خواستار اعمال فشار بر بزرگترین شکل اپوزیسیون شود.

۱۴- جنبش مقاومت، که سرسختی در برابر مشکلات و خستگی ناپذیری در راه مبارزه با زورگویی و ستم از مشخصات بارز آن است با تمام نیرو به مقابله با توطئهٔ استعماری - آخوندی برخاست و طی سال گذشته با طرح دعوا در دادگاههای آمریکا و انگلستان، توانست از دادگاه فدرال ناحیه مرکزی کالیفرنیا و دادگاه عالی انگلستان احکامی مبنی بر غیرقانونی بودن این برچسب زنیهای دولتی و در نتیجه بی اعتباری آنها از نظر حقوقی به دست بیاورد.

دادگاه کالیفرنیا در ماه گذشته نامگذاری تروریستی را مردود و مغایر با قانون اساسی اعلام کرد و تصریح نمود این نامگذاری بی اعتبار بوده و نمی تواند در پیگرد قضایی مورد استناد قرار بگیرد. در این حکم به نقل از نمایندگان مردم آمریکا در کنگره این کشور آمده است: «سازمان مجاهدین خلق درگیر فعالیتهای تروریستی نبوده و بالعکس، دست اندرکار یک مبارزهٔ مشروع برای ایرانی است که در آن دموکراسی، تحمل مذهبی، حقوق بشر و احترام از قهر، حاکم باشد.»

یک روزنامه آمریکایی به نقل از وکیل مدافع نوشت: «ما هرگز نفهمیدیم چرا دولت به پیگرد تنها گروهی اقدام کرده که حاضر به ایستادگی در برابر رژیم کنونی ایران هستند. رژیمی که رئیس جمهور آمریکا آن را به عنوان بخشی از "محور شرارت" توصیف کرده است.» (لس آنجلس تایمز - اول تیر).

دادگاه عالی انگلستان نیز در فروردین گذشته رأی داد که شکایت مجاهدین "مستدل است" و "آنها با ارائه مدارک و شواهد گسترده، دقت و جامعیت ممنوعیت اعلام شده توسط وزیر کشور انگلیس را زیر سوال برده و به چالش کشیدند.

۱۵- حمایت دولتهای خارجی از حکومت منفور آخوندها، موجی بی سابقه از نفرت و انزجار در میان هم میهنان در داخل و خارج کشور به وجود آورد و بسیاری از آنان به اعتراض برخاستند و به دفاع از حق پایمال شده مجاهدین و رزم اوران آزادی پرداختند. تظاهرات بزرگ هموطنانمان در بروکسل و کپنهاگ در اعتراض به جامعه اروپا، امسال شکوه کم سابقه و شور و حال دیگری داشت.

خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران این جبهه همبستگی با مقاومت برای سرنگونی استبداد مذهبی را تریک گفت.

۱۶- همزمان بسیاری از نمایندگان پارلمانها و شخصیتهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی در کشورهای مختلف جهان، نامگذاری تروریستی را محکوم کردند.

اکثریت نمایندگان پارلمان لوکزامبورگ در فراخوان اضطراری برای حقوق بشر در ایران اعلام کردند که برچسب تروریستی اتحادیه اروپا را غیر قابل قبول می دانند. خواستهای مردم ایران برای خاتمه دادن به دیکتاتوری و استقرار دموکراسی را محترم می شمردند و از اهداف شورای ملی مقاومت برای برقراری یک

نظام دموکراتیک و غیرمذهبی حمایت می کنند. (۳۰ خرداد ۱۳۸۱)

هم چنین در ۲۷ تیر، ۴۵۳ تن از اعضای مجلس نمایندگان و مجلس اعیان انگلستان در بیانیه خود خواستار خاتمه حکومت وحشت در ایران شدند و اعلام کردند از زمانی که رئیس جمهور ملایان مجدداً انتخاب شده، هیچ تغییر واقعی وجود نداشته است. در واقع، کسانی که نقض حقوق بشر را دستور می دهند، در گذشته همین کار را کرده اند. در سال ۱۹۸۸ رژیم ترتیب قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی را تنها در عرض یک سال داد. مسئولان این قتل عام از جمله شامل رئیس جمهور خاتمی، رئیس جمهور سابق رفسنجانی و ولی فقیه رژیم آیت الله علی خامنه ای می شدند.

اکثریت پارلمان انگلستان و شمار کثیری از اعضای مجلس اعیان این کشور در بیانیه خود با اشاره به این که در آوریل سال گذشته، ملایان ۷۷ موشک به پایگاههای مقاومت طرفدار دموکراسی ایران شلیک کردند خاطرنشان کردند. ملایان از سال ۱۹۷۹ تحت نام اسلام و تحت نام خدا، تروریسم را احیا نموده اند. بیش از ۹۰ درصد اعمال تروریستی در ۲۳ سال گذشته به طور مستقیم توسط رژیم ملایان و عوامل آنان انجام شده است. مادام که ملایان بر سر کار هستند، تروریسم تحت نام اسلام ادامه خواهد یافت.

در این بیانیه تأکید شده است در حالی که جهان در مخالفت با تروریسم بین المللی متحد می شود، حقوق مردم ایران برای مخالفت با کسانی که آنها را ترور می کنند می بایست به رسمیت شناخته شود. شورای ملی مقاومت ایران، ائتلافی که مبارزه برای یک حکومت دموکراتیک، غیر دینی و کثرت گرا را هدایت می کند، این تروریسم داخلی را به چالش می طلبد.

امضاء کنندگان از مبارزه مردم ایران و سازمان مجاهدین خلق برای دستیابی به دموکراسی و حقوق بشر به عنوان بخش ضروری برای شکست دادن تروریسم ملایان در داخل و خارج ایران حمایت می کنند.

گواهی نمایندگان پارلمان در کشورهای مختلف جهان، دلیل آشکاری بر این حقیقت است که دولت خاتمی و شرکا در روزگاری که مردم ایران از لحاظ معیشتی در وضعیت طاق فرسای به سر می برند، چگونه و تا چه اندازه با شعرهای فریبکارانه تشنج زدایی و گفتگوی تمدنها و با عرضه کردن امتیازات استعماری به طرفهای غربی، برای به دست آوردن دل آنها و برچسب زدن به مقاومت، تقلاً می کند. در همین حال خاتمی و شرکا می خواهند چهره رژیمی را بزرگ کنند که فعالترین دولت حامی تروریسم در دنیای معاصر است، در روند صلح خاورمیانه به غایت اخلاص می کند، بودجه نظامی و خریدهای تسلیحاتی و آزمایش موشکهای دوربرد خود را افزایش داده است.

رفسنجانی در روز ۲۵ تیر با اشاره به آسیب پذیری دشمنان، تهدید کرد ما برای مقابله با تهاجم جدید دشمن آماده شویم و این تهاجم را در قلب سرزمینهای آنان پاسخ دهیم.

۱۷- در اسفند ۱۳۸۰ اکثریت نمایندگان پارلمان ایتالیا، اکثریت نمایندگان پارلمان بلژیک و دهها تن از نمایندگان مجلس ملی فرانسه، در بیانیهٔ ایران تأکید کردند:

«عملکردهای ۴ ساله خاتمی به عنوان رئیس جمهور ایران نشان داده است که او جزئی لاینفک دیکتاتوری حاکم است و راهی برای تغییر این رژیم از درون آن وجود ندارد. متقابلاً مبارزهٔ مجاهدین به مثابهٔ "آنتی تز بنیادگرایی و تروریسم" چشم اندازهای جدیدی از تغییر بنیادین به سمت دموکراسی را در ایران باز می گشاید.

به رسمیت شناختن حق مبارزه علیه سفاک ترین

بقیه در صفحه ۱۰

دیکتاتوری تاریخ معاصر و حمایت از آرمانهای دموکراتیک شورای ملی مقاومت ایران و رئیس جمهور منتخب آن خانم مریم رجوی، راهی است که دستیابی به صلح و حقوق بشر و آرامش در سطح منطقه را ممکن خواهد ساخت.»

۱۸- حکومت آخوندی همراه با تلاشهای خود برای برگرداندن موج علیه مقاومت ایران پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، به یک بسیج گسترده دروغپردازی و جنگ کثیف روانی هم روی آورد.

طراحان و پخش کنندگان این دروغها، هیچ پروایی از تناقض گویبهای تمسخرانگیز خود نداشتند. از یک سو ارتش متعلق به این مقاومت در ردیف قدرتهای بزرگ جهانی دارای زرادخانه های زیرزمینی، شیمیایی و میکروبی و اتمی تصویر می شد که گویا آنها را به نیابت از دولت عراق در غارهای بسیار بزرگ زیرزمینی پنهان کرده است و از سوی دیگر کماکان گروهک تروریستی قلمداد می شد که هیچ پایگاهی در میان مردم ایران ندارد. در عین حال خاتمی ترس و نگرانی خود را از ضربات پی در پی واحدهای عملیاتی به مراکز سرکوب که حمایت گسترده مردم را هم برمی انگیزد، آشکارا ابراز می کرد و می گفت موج سهمگین ترور و تروریسمی که ایران از سر گذرانده است از نظر حجم و شدت در طول تاریخ تروریسم شاید بی نظیر بوده است. (خاتمی در جلسه سران رژیم در نزد خامنه ای ۸۰، ۱۲، ۲۷).

۱۹- اما مقاصد تروریستی و نظامی رژیم و هدف از زمینه سازیهای سیاسی و بسیج حیرت انگیز برای انتشار اخبار دروغ و مجعول، هنگامی روشن گردید که مدیریت ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش ملی گزارش تکان دهنده خود درباره کشف و خنثی کردن طرحهای تروریستی نفوذ را با اسناد مربوطه منتشر نمود و آنچه مافیای جاسوسی و آدمکشی در سر و در استین داشت برملا گردید.

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت در این باره اعلام کرد:

بنا بر تجربه، زمینه سازیهای سیاسی رژیم آخوندی و مزدوران تابعه و وابسته، همیشه تهاجمهای سنگین تروریستی یا هوایی و موشکی را هم به دنبال داشت. این بار اطلاعات آخوندی بیش از پیش به تروریسم و عملکرد مزدوران نفوذی خود می اندیشید. زیرا در این ایام، فضای سیاسی منطقه خاورمیانه برای حملات هوایی و موشکی علیه ارتش آزادیبخش، مناسب نبود.

یک ماه قبل از این، شفيعی قائم مقام وزارت اطلاعات، که روی طرحهای نفوذ و توطئه های تروریستی حساب باز کرده بود، به سردمداران رژیم اطمینان می داد به منافقانی که قصد نفوذ به داخل کشور را دارند ترجم نخواهد شد. وزارت اطلاعات با توجه به سرمایه و بودجه مناسبی که مجلس شورای اسلامی در اختیار این وزارتخانه قرار داده است، تلاش خواهد کرد تا این بودجه صرف کارهای اساسی اطلاعاتی شود.

شورا، به تلاشها و مجاهدتهای فرماندهان و افسران ارتش آزادیبخش ملی در نبرد اطلاعاتی و امنیتی با دشمن ضدبشری و جاسوسان و مزدورانش درود می فرستد و به ویژه از این که در گرماگرم جنگ خونین و تمام عیاری که برای دو دهه از سوی دشمن مردم ایران به مقاومت تحمیل شده است، مسئول شورا و فرمانده کل ارتش آزادیبخش تاکنون حتی یک مورد اعدام مزدوران را هم به رغم جنایتهایشان، در خارج از خاک ایران مجاز نشموده است احساس غرور و افتخار می کند و آنرا به لحاظ انسانی و تاریخی موجب مباهات جنبش مقاومت مردم ایران می داند. این رفتار در هیچ یک از انقلابها و جنبشهای آزادیبخش معاصر نظیر ندارد.

از این پیشتر مسئول شورا درباره خط قرمز عبورناپذیر تلفات غیرنظامی نیز اعلام کرده بود از جانب مقاومت ایران متعهد و ملتزم می شویم اگر کسی از ما، مرز سرخ آسیب رساندن به غیر نظامیان و افراد بی گناه را عمدا یا سهوا نقض کند، برای محاکمه و مجازات در هر دادگاه بین المللی و حتی پرداخت غرامت و جبران مافات آمادگی دارد. زیرا دلیلی ندارد که یک رزمنده آزادی و مجاهدی که جانش را برای آزادی خلق و میهنش کف دست گرفته حتی فکر حمله و هجوم و رساندن کمترین آسیب به هموطنانش را در ذهن و ضمیر داشته باشد، چه رسد به قتل و جرح آنان. (سخنرانی نوروز ۱۳۷۹).

۲۰- ایباد رویایی مقاومت ایران با استبداد مذهبی حاکم بر میهنمان طی یک سال گذشته (از ۳۰ تیر ۱۳۸۰ تا ۳۰ تیر ۱۳۸۱) با بیان رئوس فعالیتهای مقاومت در زمینه های مختلف، باز می شود:

۲۰۲۴ رشته عملیات تهاجمی و انفجاری علیه نیروها و مراکز سرکوب توسط جوانان و رزمندگان آزادی مردم ایران در شهرهای مختلف میهن به ویژه در اثنای تظاهرات و خیزشهای مردمی به هنگام مقابله با یورش مزدوران

سه رشته کارزار سراسری تبلیغی و ترویجی به مناسبت مهرگان و آغاز سال تحصیلی (به مدت یک ماه)، ۱۹، بهمن (به مدت یک هفته) و ۳۰ خرداد (به مدت یک ماه) که ۸۳۰ شهر را فرا گرفت.

۲۶ رشته تظاهرات و اکسیون چشمگیر اعتراضی در خارج کشور شامل ۵ تظاهرات بزرگ در امریکا (نیویورک)، آلمان (کلن)، اتریش (وین)، بلژیک (بروکسل) و دانمارک (کپنهاگ).

۱۳۱ گروههای سیاسی و کنفرانس مطبوعاتی ۳۳۶۴ ملاقات سیاسی ثبت شده

۱۰۱ مورد محکومیت رژیم توسط انجمنها و سازمانها و احزاب و هم چنین مراجع بین المللی از جمله چهل و نهمین محکومیت جهانی در مجمع عمومی ملل متحد

۱۰۷۷ مورد امضای طومارهای محکومیت حکومت آخوندی توسط شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مذهبی در کشورهای مختلف

-حمایت ۲۷۴۹ نماینده پارلمان از مقاومت ایران در کشورهای مختلف اروپایی شامل اکثریت پارلمانی ایتالیا، انگلستان، لوکزامبورگ و بلژیک

-بنیانیه جهانی همبستگی با زنان ایرانی علیه بنیادگرایی اسلامی با امضای بیش از ۲۰ هزار تن از فعالان حقوق زنان و ۱۵۸ انجمن در ۴۸ کشور با تأکید بر نقش رهبری کننده زنان در مقاومت علیه رژیم قرون وسطایی حاکم بر ایران

-طی همین مدت پایگاههای ارتش آزادیبخش ملی ۱۴ بار توسط مزدوران و تروریستهای صدارتی حکومت آخوندی مورد حملات تروریستی و موشکی واقع شده که جزئیات آنها منتشر گردیده است.

صف بندی یکپارچه مردم در برابر هر دو جناح رژیم

۲۱- در یکسال گذشته خیزشهای مردمی و حرکتیهای اعتراضی اقشار مختلف مردم ایران به ویژه کارگران، دانشجویان و معلمان و دانش آموزان در شهرها و مناطق گوناگون، از ورزشگاهها گرفته تا کارخانه ها و دانشگاهها و محله های مختلف شهری، بالا گرفت که طی همین مدت بیش از ۱۱۰۷ مورد از آنها توسط ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور با جزئیات کامل به ثبت رسیده است. رشد کمی حرکات اعتراضی به نسبت سال قبل ۳۵ درصد و به نسبت سال قبل از آن ۳۰ تیر (۷۸) تا ۳۰ تیر (۷۹) ۸۹ درصد است.

خیزش نسل جوان کشور که مهره ها و مقامات رژیم آنرا به بمب ساعتی، بشکه باروت و سیل بنیان

برانداز تشبیه می کنند در سراسر سال گذشته به هر مناسبت و در هر فرصت، از جمله در مسابقات فوتبال در پاییز گذشته، تداوم داشت و پیوسته تعمیق می یافت. امسال پس از تظاهرات ۱۸ تیر، مطبوعات جهان فریاد جوانان ایرانی را از تهران چنین گزارش کردند: نوای به روزی که مسلح شویم (نیویورک تایمز ۱۸ تیر - فینگارو ۲۰ تیر).

به این ترتیب نسلی که اکثریت جامعه ایران را در برمی گیرد، پیوند طبیعی خود را با استراتژی مقاومت انقلابی به نمایش می گذارد و برخلاف نظریات اصلاح طلبان قلابی نشان می دهد که مردم ایران خواهان تغییر بنیادین هستند.

هم چنین خیزش بیش از ۹۰ هزار تن از کارگران تهران در روز ۲۵ تیرماه جاری و حمله آنها به ساختمان تأمین اجتماعی گویای یک تحول چشمگیر در جنبش کارگری ایران می باشد که در رسانه های رژیم هم منعکس گردید. کارگران به جان آمده و به پاخاسته شعار می دادند: «این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است». (کار و کارگر - ۲۶ تیر).

از لحاظ کیفی، دشمنی آشکار مردم با استبداد دینی حاکم و تمام جناحها و دسته بندیهای درونی اش در سومین سالگرد قیام دانشجویان و مردم تهران در ۱۸ تیرماه بار دیگر به نحوی قاطع نمایان شد.

با آن که هر دو جناح شریک در حاکمیت از ترس مردم برگزاری هر نوع تظاهرات، حتی از جانب خودیها را منع کردند و با آن که تمام نیروهای سرکوبگر رژیم در آن روز به خیابانها ریختند و یک حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کردند، حضور جمعیتی اینه از پیر و جوان، به ویژه زنان، که برای گرامیداشت این قیام و اعتراض به رژیم بیرون آمدند، به تظاهرات پرداختند و در موارد متعدد با نیروهای سرکوبگر رژیم درگیر شدند، از هر نظر جالب و چشمگیر بود.

هر بار که حرکتیهای اعتراضی، مردم را در برابر نیروهای حافظ رژیم قرار می دهد، موضع گیریها قاطع تر و صف بندیها مشخص تر از بار پیش، جلوه گر می شوند. در این اثنای، صدای اصلاح طلب قلابی در برابر باند غالب هر چه پائین تر می آید، بیشتر و بیشتر علیه اعتراضات مردم موضع می گیرد و به ولایت فقیه هر چه نزدیکتر می شود.

در سومین سالگرد قیام ۱۸ تیر، دیگر بین صف مردم و صف پاسداران رژیم چهل و جنایت جایی برای اصلاح طلبان قلابی وجود نداشت. آنان به ناچار نقاب از چهره برداشته بودند و نقششان را به عنوان شریکان حاکمیت بازی می کردند و این طلیعه روز خجسته ای است که با حضور ارتش آزادیبخش ملی در صحنه نبرد سرنوشت، رویارویی مردمی که طالب آزادی و دموکراسی اند با رژیمی که می کوشد حکومت دینی را به هر قیمت پایدار نگاهدارد، به فرجام مطلوب خود خواهد رسید.

برای دستیابی به همین هدف، برای سرنگونی رژیم منحوس آخوندی و انتقال حاکمیت به مردم ایران و تشکیل مجلس مؤسسان و قانونگذاری ملی از طریق انتخابات آزاد همگانی طی ۶ ماه به منظور تدوین قانون اساسی و تعیین نظام جمهوری جدید، عموم هموطنان و مردم ایران را به یاری و همبستگی و حمایت مادی و معنوی فرا می خوانیم.

حاکمیت غاصب آخوندی در عمیق ترین و بحرانی ترین ایام حیات خود بسر می برد. دور نیست که مبارزات، رنجها و فداکاری های یکصد ساله مردم ایران برای کسب آزادی و استقلال ملی، در نبرد نهایی به ثمر بنشیند. امید بزرگ پیروزی، فرا روی ملت ایران است.

شورای ملی مقاومت ایران

۳۰ تیر ۱۳۸۱

زنان و مسیر رهایی

-- لیلیا

usalayla@yahoo.com

جدایی دانشجویان زن و مرد در کویت

۱۴ ژوئیه، اسوشیتد پرس - تا سال ۱۹۷۰ زنان کویتی با دامنه‌های کوتاه به دانشگاه می رفتند. آنها به تنهایی برای تحصیل به خارج از کشور سفر کرده و با مردان همکلاس بودند. اکنون در تنها دانشگاهی که در این کشور وجود دارد، سدها زن زیر چادرهای سیاه رفته اند و آنان که لباس سبک غربی به تن دارند فقط می توانند در مواقع کاملاً ضروری با مردان صحبت کنند که این نیز به زودی تغییر خواهد کرد.

۶ سال پیش با پافشاری بنیادگرایان، قانونی به اجرا درآمد که حضور مشترک زن و مرد در کلاس درس، کتابخانه، کافه تریا، آزمایشگاهها و دیگر فعالیتها را منع می کرد. اما توجه دانشجویان به رعایت قانون مزبور چندان جدی نبود. اکنون با تحت فشار گذاشتن وزیر آموزش و پرورش انتظار می رود که تا آخر سال تحصیلی آینده، جدایی کامل برقرار شود.

۷۰ درصد دانشجویان این دانشگاه را زنان تشکیل می دهند زیرا اکثر مردان برای تحصیل از کشور خارج می شوند.

عقب نشینی و ترفندهای شرکت نفتی تگزاکو در برابر زنان نیجریه ای

۱۶ ژوئیه، اسوشیتدپرس - سرانجام پس از ۹ روز تلاش، زنان نیجریه ای که ترمینال شرکت شوران - تگزاکو را محاصره کرده بودند (رجوع کنید به نبرد خلق شماره ۲۰۶، زن در مسیر رهایی) با موافقت کمپانی مزبور با برخی از خواسته هایشان، به حرکت اعتراضی خود پایان دادند. زنان در حالی که برخی از آنان نوزادان خود را بر پشت حمل می کردند، با رقص و آواز این پیروزی را جشن گرفتند. شرکت مزبور پذیرفت که در ساختن مدرسه، تهیه آب آشامیدنی، برق رسانی و کمک به زنان در ایجاد واحد های مرغ داری، ماهیگیری و تهیه غذا برای کافه تریا مشارکت نماید.

در ۱۹ ژوئیه دو زن بدون سلاح نیجریه ای، وابسته به قبیله ای در جنوب شرقی

این کشور، دو کارمند شرکت شوران - تگزاکو را به گروگان گرفتند. زنان این قبیله که شاهد موفقیت همرنجان خود در قبیله دیگر بودند، ۴ تاسیسات نفتی را به محاصره خود در آوردند.

روز ۲۴ ژوئیه اختلاف بین دو قبیله بر سر استخدام تعداد بیشتری از وابستگان خود اوج گرفت. گفته می شود شرکت نفتی یاد شده به این مشاجرات دامن می زند. مذاکره بین شوران - تگزاکو و دولت در این زمینه همچنان ادامه دارد.

نیجریه ششمین صادر کننده نفت در جهان و پنجمین کشور تأمین کننده نفت امریکا می باشد. تولیدات نیجریه بیش از ۲ میلیون بشکه نفت در روز را در بر می گیرد و همزمان یکی از فقیرترین کشورهای افریقایی محسوب می شود.

زنان سیاه پوست، پیشرفت در مشاغل اما همچنان نابرابر

۱۶ ژوئیه، اسوشیتدپرس - بنا به یک بررسی از سال ۱۹۹۹ بیش از ۵۷ درصد زنان سیاه پوست و اقلیتهای دیگر در مشاغل خود ترفیع یافته اند. با این حال "این زنان تا حد ناچیزی می توانند به رتبه های بالا دست یابند و امکان عدم ارتقاء شغلی آنها از ترفیع بیشتر است." این امر به دلیل فقدان ارتباط آنان با افراد سرشناس، مشکل نداشتن کمک از مدارج بالا و موانع قوی برای جلوگیری از دست یافتن این زنان به مناصب عالی می باشد.

سوزانده شدن به اتهام سرقت

۱۷ ژوئیه، اسوشیتدپرس - پلیس تایلند اعلام کرد یک زن کارگر به اتهام زردی توسط رئیس خود سوزانده شد. جسد این زن ۱۸ ساله، ۹ روز پس از سوزانده شدن در کنار خیابانی در شمال بنکاک کشف گردید. به گفته پلیس، این زن خدمتکار در خانه رئیس خود مانند یک زندانی به سر می برده است. گروههای مدافع حقوق بشر گفتند دویست هزار زن از برمه به طور غیرقانونی در تایلند خدمتگزار خانه ها و یا کارگر کارخانه ها هستند. آنها غالباً حقوق اندکی دریافت کرده و تحت استثمار و آزار قرار می گیرند.

مادران مجرد، کارورزان فقیر

۱۸ ژوئیه، رویتر، کاخ سفید - با آنکه آمار سال ۲۰۰۰ در امریکا بیانگر آن بود که سطح فقر مادران مجرد سیر نزولی داشته است، هم اکنون یک سوم خانواده های زنان مجرد زیرخط فقر زندگی می کنند. از سالهای ۱۹۹۰ که مددهای اجتماعی قطع شد، اکثر این زنان به "کارورزان فقیر" تبدیل شدند.

اقدام تازه مخالفان سقط جنین در دولت بوش

۲۲ ژوئیه، رویتر - دولت بوش پرداخت ۳۴ میلیون دلار کمک به سازمان ملل جهت استفاده در مراقبتهای پزشکی از زنان باردار را قطع کرد. این تصمیم حاصل فشار گرایش نیرومند ضد سقط جنین در دستگاه دولت بوش است که ادعا می کند بخشی از این بودجه به چین که از برنامه "تنها یک کودک" پیروی می کند، اختصاص می یابد.

تدابیر جدید علیه تجاوز

۲۲ ژوئیه، اسوشیتدپرس لندن - دولت انگلیس اعلام کرد نزدیک به ۵ درصد از زنان این کشور مورد تجاوز قرار گرفته اند و به منظور مبارزه با این امر، دولت تصمیم به پی گیری طرحهای تازه ای برای دستگیری و مجازات مجرمان گرفته است.

یک مقام دولتی گفت: "تجاوز جنسی جنایتی بزرگ است و عمیقاً بر زندگی زنان تأثیرات منفی برجای می گذارد." او گفت: "دولت مصمم است که با این مسئله به طور جدی مبارزه نموده و از خودداری زنان در معرفی شخص متجاوز جلوگیری کند."

نظم بیشتر فکری نزد زنان

۲۲ ژوئیه، اسوشیتدپرس - یک گروه از روانشناسان آکادمی ملی علوم امریکا در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که حافظه ی عاطفی زنان از مردان بسیار قویتر است. این نتیجه گیری، علل به خاطر نیاوردن سالگرد روزهای ازدواج، آشنایی و از سوی مردان و از یاد نبردن همین روزها نزد زنان را توضیح می دهد. آزمایش مزبور همچنین از طریق استفاده از MRI (ضبط تشعشعات مغزی) صورت گرفته است. به گفته این پژوهشگران، مغز زنان دارای نظم بیشتری از مردان می باشد.

یک زن در رهبری حزب محافظه کار انگلیس

۲۳ ژوئیه، اسوشیتدپرس - حزب محافظه کار انگلیس به منظور ارائه تصویری متعادل تر از خود نسبت به گذشته، برای اولین بار یک زن را به ریاست خویش برگزید. خانم تریسا می (Theresa May)، ۴۵ ساله، به خیرنگاران گفت: "من معتقدم که حزب محافظه کار در حال تغییرات بسیاری است و انتخاب من نشانگر این تغییر است." در گزارشات خبری گفته شده آقای دیوید دیویس، رهبر پیشین حزب، به این دلیل برکنار گردید که از اقدامات لازم برای انجام رفرم و از آن جمله گزینش بیشتر زنان و اعضای اقلیتها جهت کاندیداتوری پارلمان، سرباز می زد.

قتل یک پزشک زن در افغانستان ۲۷ ژوئیه، اسوشیتدپرس - یک پزشک زن افغانی هنگامی که همراه همسرش عازم مطب دوم خود در قندهار بود، توسط چند مرد مسلح به قتل رسید. در جریان این سوء قصد همسر وی نیز به شدت مجروح شد. پلیس در این رابطه تاکنون هیچ کس را دستگیر نکرده و کسی نیز مظنون شناخته نشده است. خانم ملالی که قبلاً در یک بیمارستان در قندهار کار می کرد، پس از به قدرت رسیدن طالبان و ممنوعیت اشتغال زنان، به شهر چمن واقع در پاکستان تغییر مکان داده بود. اما پس از سرنگونی طالبان دومین مطب خود را در قندهار گشود.

"زن کشی" سربازان امریکایی

۲۷ ژوئیه، اسوشیتدپرس - چهار سرباز امریکایی مستقر در یک پایگاه نظامی در ایالت کارولینای شمالی، همسران خود را به قتل رساندند. این چهار سرباز همگی در عملیات نظامی امریکا در افغانستان شرکت داشتند و سه تن از آنان به تازگی پس از شرکت در یک عملیات ویژه نظامی به امریکا بازگشته بودند. نفر چهارم در نیروی هوایی به کار اشتغال داشته است.

زنان پاکستانی در تیم های حفاظت پرواز

۲۸ ژوئیه، رویتر - در یک اقدام جهت مبارزه با تروریسم و حفاظت پرواز، پاکستان ۵۰ مرد و ۸ زن را برای استقرار در هواپیماهای کشور آموزش می دهد. این نخستین بار است که زنان برای تصدی چنین شغلی تحت کارآموزی قرار می گیرند. پیش بینی شده است که این افراد بدون سلاح هواپیماها را همراهی کنند و تنها نیروی فیزیکی و مهارت یافته خود را به کار ببندند.

با این که جامعه پاکستان به روشنی مردسالار است اما به دلیل عدم وجود موانع قانونی برای تصاحب این شغل، به گفته یک مقام دولتی، ۸ زن مزبور اولین کسانی بودند که نام نویسی کردند.

لباس شنای اسلامی

۲۹ ژوئیه، اسوشیتدپرس - زنان پاکستانی برای اولین بار در مسابقات جامعه کشورهای مشترک المنافع در انگلیس شرکت می کنند. دو دختر ۱۲ و ۱۸ ساله شانگر ناچار شدند به خاطر رعایت موازین اسلامی، با لباسی که تمام بدن را می پوشاند ظاهر شوند. یک زن که مدیر تیم پاکستانی بود گفت: "مهم این است که پاکستان توانست حتی با فرهنگ اسلامی در این مسابقات شرکت کند." او گفت: "این تیم شنا در اثر بقیه در صفحه ۱۲

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۱
پافشاری گروه های مدافع زنان تشکیل شده و افزود: "ما اولین بار زنان شناگر را به ایران اسلامی فرستادیم و این پوشش در آنجا رسمیت یافت."

کشف اجساد زنان ویت کنگ

۳۰ ژوئیه، آسوشیتدپرس - بنابه گفته مقامات دولت ویتنام، اجساد ۴۲ سرباز که اکثر آنها داوطلبان زن در ارتش ویت کنگ بوده اند، کشف گردیده است. این اجساد پس از دوروز جستجو در گورستانهای دسته جمعی در ایالت کین جیانگ، در ۳۰ کیلومتری شهر هوشی مین، پیدا شد.

در جنگ ویتنام زنان ویتنامی داوطلب نقش مهمی در ارتش به عهده داشتند. صدها هزار تن از آنها در نقل و انتقال سلاح و مواد خوراکی از شمال به جنوب فعالیت می کردند.

جلوگیری مجلس کمره جنوبی از انتخاب نخست وزیر

۳۱ ژوئیه، رویتر - قانونگذاران کمره جنوبی معرفی یک زن که می توانست برای اولین بار به مقام نخست وزیری این کشور دست یابد را وتو کردند. این اقدام برای رئیس جمهور، کیم دیانگ که با معرفی این زن قصد داشت تصویر بهتری از دولت خود به مردم ارائه دهد، یک شکست بزرگ محسوب شد. دلیل رد این گزینش اتهاماتی بود به خانم چنگ نسبت داده می شد.

تجاوز در زندانهای امریکا

۳۱ ژوئیه، رویتر - بیش از ۲ میلیون نفر در زندانهای امریکا محبوس هستند. طبق یک بررسی از وضع زندانیان، بین ۱۰ تا ۲۲ درصد از زندانیان مرد و نزدیک به همین درصد از زندانیان زن سالانه مورد تجاوز قرار می گیرند. قانونگذاران امریکایی، دموکراتها و جمهور یخواهان، تجاوز به صدها هزار زندانی زن و مرد را یک فاجعه ملی خواند. سناتور کندی وابسته به

دموکراتها گفت: "تجاوز به زندانیان اثرات فاجعه باری چه از لحاظ فیزیکی و چه روانی بر زندانیان برجای گذاشته است." او گفت: "این مسأله به دلیل ازدیاد و شیوع بیماری ایدز به یک تهدید بسیار جدی برای جامعه تبدیل شده است." وی از وزارت دادگستری خواست که تحقیقات وسیعی در این باره به عمل آورد.

رسوم قبیله ای در پاکستان، یک قربانی دیگر

اوت، رویتر - چهار مرد پاکستانی به اتهام تجاوز به یک زن و همچنین ده تن دیگر به عنوان شریک جرم، به محاکمه کشیده شدند. این جنایت تجاوز دسته جمعی در پی اختلافات قبیله ای و به دستور روسای یک قبیله صورت گرفت. هنگامی که این زن از اعمال خشونت افراد یک قبیله سرشناس علیه برادرش که به داشتن رابطه با زنی از آن قبیله متهم شده بود نزد آنان شکایت برد، دستور تجاوز به او داده شد. این زن سپس نیمه عریان و در برابر دیدگان ساکنان محله خود، در مقابل خانه اش رها شد. گفته می شود چنانچه ۱۴ مرد دستگیر شده مقصر شناخته شوند، محکوم به اعدام خواهند شد.

این حادثه نشانگر موقعیت زنان در مناطق دورافتاده این کشور است، جایی که مردان با ایده های "حفظ ناموس" و "انتقام" زنان را به مثابه املاک خود تلقی می کنند. اگر چه به جرائم این گونه، مجازاتهای سنگین تعلق می گیرد اما غالباً رای دادگاه تجدید نظر به زندانی شدن و یا آزادی کامل متهم می انجامد.

تقاضای شدت عمل برای اجرای قوانین اسلامی

۳ اوت، آسوشیتدپرس - بیش از پنج هزار تن از زنان مسلمان اندونزی با پوشش اسلامی و در حالی که بسیاری از آنها کودکان خود را در کالسکه به همراه داشتند، در خیابانهای جاکارتا راهپیمایی کردند. زنان مزبور از قانونگذاران خواستند که در اجرای قوانین اسلامی، مردم را تحت فشار قرار دهند. این راهپیمایی همزمان با اجلاس ۷۰۰ قانونگذار که به منظور بحث و تجدید نظر پیرامون قانون اساسی گردهم آمده اند، صورت می گیرد. سخنگوی حزب آزادی خواه اندونزی گفت: "طی پنجاه سال

دوران استقلال اندونزی ما شاهد نابودی کشور توسط رهبران سکولار بوده ایم."

رفع محدودیت خلبانی برای زنان در برزیل

۳ اوت، رویتر - کشور برزیل برای اولین بار به زنان اجازه خواهد داد که به آکادمی خلبانی این کشور وارد شوند. زنان به زودی قادر خواهند بود خلبان هواپیماهای نظامی و پس از ده سال سابقه کار، پست فرمانده نیروی هوایی را اشغال کنند.

جلوگیری خانواده از تحصیل دختران در افغانستان

۶ اوت، آسوشیتدپرس - با اینکه چند هفته بیشتر به باز شدن مدارس باقی نمانده است، اما تنها ۹ درصد دختران جوان در جنوب افغانستان، جایی که کاملاً زیر سلطه طالبان بود، در مدارس نام نویسی کرده اند. این تعداد در مقایسه با کابل که ۵۰ درصد دختران را در برمی گیرد، بسیار کم است. آقای داوود بارک، مقام رسمی وزارت آموزش و پرورش افغانستان گفت که راضی کردن پدران و مادران برای فرستادن دخترانشان به مدارس و به ویژه در جنوب، یکی از چالشهای بزرگی است که با آن رویرو هستیم. او گفت: "در مورد پسران سختگیری کمتری می شود." یک زن ۷۹ ساله در حالی که کتاب کلاس اول را در دست داشت گفت: "من باید صبر می کردم تا شوهرم بمیرد تا بتوانم به مدرسه بیایم."

مالزی و موفقیت زنان

۶ اوت، آسوشیتدپرس - نخست وزیر مالزی، ماهاتیر محمد که قصد دارد در اکتبر ۲۰۰۳ بازنشسته شود در جمع گروهی از زنان در مقامهای مدیریت تجاری گفت که آنها می توانند به اندازه مردان در این کشور اسلامی موفق باشند. وی در پاسخ به این سؤال که آیا یک زن می تواند معاون نخست وزیر باشد گفت: "البته، من هیچ اشکالی در آن نمی بینم، آنها حتی می توانند نخست وزیر باشند." اندونزی در همسایگی کشور مالزی که ریاست جمهوری آنرا یک زن، خانم مگاواتی سوکارنو پوتری به عهده دارد، قرار گرفته است.

معرفی یک شاعر زن

سعادتالصبح متولد سال ۱۹۴۲ و اهل کویت است. او مدرک لیسانس خود را در رشته اقتصاد در دانشگاه قاهره و دکترایش را در رشته رشد و توسعه و برنامه ریزی در دانشگاه ساری انگلیس به دست آورد. سعادت فعالیت های وسیعی در زمینه ی اقتصاد، سیاست و فرهنگ در جهان عرب دارد. در یکی از مجموعه های شعر او به نام «در آغاز زن بود» به احساسات لطیف شاعرانه و زنانه ی او که به رابطه ی زن و مرد، عشق، خشم، دوستی و به طور کلی زندگی را می توان پی برد. او زنی سرشار از مهر و آزادی بود. در زیر یکی از شعرهای وی را از این مجموعه شعر می آوریم.

زن ۲۰۰۲

من هم می توانستم
مثل تمام زنان
آینه بازی کنم
می توانستم
قهوهم را در گرمای تختخوابم
جرعه جرعه بنوشم
و وراجهیابم را از پشت تلفن پی بگیرم
بی آن که از روزها و ساعتها
خبری داشته باشم
می توانستم
آرایش کنم
سرمه بکشم
دلربایی کنم
و زیر آفتاب برنزه شوم
و بر روی امواج مثل پیریهای دریایی
برقصم
می توانستم
خود را به شکل فیروزه و یاقوت
درآورم
و مثل ملائکه ها بخارم
من می توانستم
کاری نکنم
چیزی نخوانم و ننویسم
و تنها با نورها و لباسها و سفرها سرگرم باشم
من می توانستم
شورش نکنم
خشمگین نشوم
با فاجعه ها مخالفت نکنم
و در برابر رنجها فریاد نزنم
من می توانستم
اشک را ببلعم
سرکوب شدن را ببلعم
و مثل همه ی زندانیها با زندان کنار بیایم
من می توانستم
سؤالات تاریخ را نشنیده بگیرم
و از عذاب وجدان فرار کنم
من می توانستم
آه همه ی غمگینان را
فریاد همه ی سرکوب شدگان را
و انقلاب هزاران مرده را
ندیده بگیرم
اما من به همه ی این قوانین زنانه
خیانت کردم
و راه کلمات را برگزیدم

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۲

زنان ایرانی و اینترنت

ژوئن ۲۰۰۲ - بی بی سی - دسترسی به اینترنت راه را در برابر زنان ایرانی گشوده است تا آزادانه در مورد موضوعات "منوعه"، مانند روابط جنسی و دوست پسر، گفتگو کنند. در خلال چندماه اخیر، بر تعداد صفحات اینترنتی فارسی به سرعت افزوده شده است. ایجاد این صفحات امکان آن را می دهد تا بتوان به درون جامعه ای بسته، نگاهی انداخت. یکی از نخستین زنان ایرانی که صفحه اینترنتی خود را به راه انداخته می گوید: با استفاده از اینترنت می توانم آزادانه تر از هر وسیله دیگر، در مورد موضوعات ممنوعه صحبت کنم".

در سال ۲۰۰۱ تعداد کاربران اینترنت در ایران از حدود ۴۰۰ هزار نفر فراتر نمی رفت اما منابع رسمی پیش بینی می کنند که در خلال سه یا چهار سال آینده این شمار به بیش از ۱۵ میلیون برسد.

اینترنت در روستا

۱۳ تیر - آسوشیتدپرس می نویسد یک روستای دور افتاده در ایران که فاقد دبستان ابتدائی می باشد و در آن تنها از یک دستشویی عمومی استفاده می شود، دارای کامپیوتر است. چند کامپیوتر در مسجد روستای شکوک قرار دارد و تعداد زیادی از جمعیت ۶۰۰۰ نفری این ده، به تدریس یا یادگیری آن مبادرت کرده اند. حدود ۳ درصد مردم در ایران به اینترنت دسترسی دارند اما نزدیک به نیمی از جمعیت را جوانان زیر سن ۲۵ سال تشکیل می دهند که بی صبرانه مشتاق وصل به اینترنت هستند. انقلاب اسلامی نتوانسته است مردم را از تاثیرات دنیای مدرن دور نگاه دارد.

اهدای یک جایزه

۲۳ تیر - روزنامه رسالت - لورا بوش همسر رئیس جمهور آمریکا از سوی یک موسسه آمریکائی به نام موقوفه ملی، جایزه ای به خاطر پیشبرد فمینیسم در ایران به مهرانگیز کار اهدا کرد. همسر سیامک پورزندگفت، به نام شوهرم که نمی دانم دردست که کسانی و در کدام زندان نا شناخته به سر می برد و به نام زنان حق طلب ایرانی که باید برای به دست آوردن ساده ترین حق خود در هر لحظه منتظر خطر باشند این جایزه را دریافت می کنم.

موسیقی غذای روح است

۲۵ تیر - علی اکبر دریانی، در گزارشی برای خبرگزاری آسوشیتد پرس می نویسد. با اینکه رهبران مذهبی ایران موسیقی غیر اسلامی را ممنوع اعلام

کرده اند و پلیس اتوموبیلها را برای پیدا کردن نوار بازرسی کرده و آنها را می شکنند و نیز زنان حق خواندن ترانه و یا رقصیدن در حضور مردان را ندارند، اما موزیک طرفدار زیادی در ایران دارد و دختران و پسران جوان در کنار هم موسیقی اجرا می کنند. اکنون محبوب ترین موسیقی با صدای زنها اجرا می شود. بدین طریق خطر نتیجه معکوس گرفتن از محدودیتها، امروزه بیش از پیش مشاهده می شود. در ماه ژوئن، جناح سخت سران به تحت عنوان مبارزه با "روشهای غیر اخلاقی در جامعه" به جوانان ایرانی حمله کرد. یک رقصنده معروف ایرانی - آمریکائی، محمد خردادیان، از آموزش رقص تاپایان عمر محروم شده و برای مدت ۱۰ سال حق خروج از کشور را از دست می دهد. یک خواننده زن به نام حوروش خلیلی که آلبوم جدید او به وفور فروش رفته است می گوید که برای انتشار آلبوم یک سال و نیم تلاش کرده است. آموزش موسیقی بسیار رواج یافته است. یک دختر جوان نوازنده جاز می گوید "موسیقی غذای روح است، این بسیار غیر منطقی است که از آن محروم باشیم".

حمید وافعی، مدیر مدرسه موسیقی مهر، می گوید خواست مردم، انقلاب موسیقی را غیر قابل توقف کرده است" او می گوید حتی فرزندان روحانیون هم "به موزیک علاقه نشان می دهند و نمی توانند از ابراز این خواست خودداری کنند.

شرق به غرب می رود

۲۹ تیر - خبرگزاری رویتر گزارش می دهد، با اینکه سنت روسری و ازدواج اجباری در ایران رایج است اما زنان مجرد در ایران روش موثرتری را برای ازدواج انتخاب کرده اند. آنها با قرار دادن عکس خود بدون روسری و با آرایش صورت روی سایتهای اینترنتی، به دنبال همسر هستند. یک آموزگار ۳۲ ساله با قرار گرفتن روی سایت Match.com وصف خوبی عنوان یک "دختر دوست داشتنی" که به نقاشی و ورزش و خرید علاقه مند است، تنها یک نمونه از تعداد رو به ازدیاد زنان و مردانی است که سنتهای جامعه را نقض می کنند.

Match.com یک کمپانی در ایالت نگزاس در شهر دالاس است که دارای هزاران نفر عضو در آمریکا و اروپای غربی می باشد. صد ها ایرانی نیز عضو آن می باشند بسیاری از آنان علاقه مند به آشنائی با فردی در آمریکا هستند.

چرا زنان در جایگاه شایسته ای قرار ندارند

روزنامه کیهان ۳۱ تیر - بنا به گفته این روزنامه فاطمه راکعی، نماینده رژیم در تهران و مسئول فراکسیون زنان در

مجلس در باره این که طرحها و لوایحی که از طرف دولت تهیه می شود و پس از بررسی کمیته پژوهش به مجلس ارائه می شود گفت. ما نیز طرحهایی که از سوی دولت ارائه نمی شود پیشنهاد داده و در سطح کشور از زنان نظرخواهی و اولویت بندی می کنیم و سپس در مرکز پژوهش زیر نظر گروههای کاری تخصصی کارشناسی می شود. او هم چنین اشاره می کند که دلیل این که زنان ارزشمند، مدیر، مدبر و عالم و فاضل که در کشور بسیارند اما در جایگاه شایسته قرار نگرفته اند همه مسائل فرهنگی بوده و این که مردان توانمندی زنان را برای حضور در برنامه ریزی و مدیریت کلان قبول ندارند و حتی اصلاح طلبان هم نگرش درستی نسبت به زنان ندارند. (بهرت بود خانم راکعی به جای مردان از لغت آخوند ها استفاده می کرد و برای پیدا کردن الویتها هم بهتر است ایشان به قانون اساسی جمهوری اسلامی رجوع کند تا در یابد که خود ایشان را هم به عنوان یک انسان عاقل قبول ندارند و به همین جهت باز یچه دست خود و برای نمایش تحمل کرده اند.)

حکم قصاص

۲ مرداد - روزنامه ایران - یک زن روستائی به خاطر اسیدپاشی به صورت مرد جوانی به قصاص (پاشیدن اسید به روی صورتش) محکوم شد. با استناد به مواد ۲۶۹ و ۲۷۰ از قانون مجازات اسلامی، متهم به پرداخت ۱۵ درصد دیه کامل بابت نقض عضو و ضایعات حوالی چشمها و به قصاص بینائی هر دو چشم از بین بردن بینائی کامل دو چشم مطابق نظریه هیات پزشکی - به لحاظ عبرت عمومی در ملاء عام محکوم گشت.

در این رابطه و در اعتراض به حکم مزبور کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت بیانیه ای صادر کرده و از مجامع مدافع حقوق بشر و مدافع حقوق زنان خواستار اعتراض فوری به این جنایت وحشیانه شد. در این اطلاعیه آمده است که این زن جوان در دفاع از خود در برابر مردی که با تهدید اسلحه قصد تجاوز به او را داشته به این عمل دست زده است.

ملاقات با هاشمی شاهرودی در باره قانون "زن کشی"

خبرگزاری ایسنا ۹ مرداد - بنا به گزارش این خبرگزاری اعظم ناصری پور، نماینده رژیم در اسلام آباد غرب، پس از دیدار با هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، گفت خانواده هائی که عسر و حرج داشته و توان پرداخت نصف دیه زن مسلمان را نداشته باشند، بیت المال این مبلغ را پرداخت خواهد کرد تا قاتلان قصاص شده و افرادی که انگیزه های قتل دارند و می دانند که

قصاص نمی شوند پدیده زن کشی را رواج ندهند.

زندان اوین و قصر

۱۰ مرداد - روزنامه کیهان از قول مجید انصاری نماینده رژیم از تهران که از دو زندان بازدید کرده است می نویسد که کثرت زندانیها و کمبود جایکی از مشکلات جدی است به طوری که در برخی از بندها چهار برابر ظرفیت زندانی به سر می برند. او علت مشکل فوق را "نارسائی قوانین" و "بی توجهی قضات به پیامدهای منفی صدور احکام بازداشت موقت" ذکر کرد. انصاری می گوید که در بند زنان، زندانیان که بعضیها خاطر جرایم سبکی مثل تصادف و نزاع در زندان به سر می برند در کنار افراد فاسد و مجرمین سنگین قرار دارند و لذا زندان رفتنشان جز رواج بزه در جامعه نتیجه ای ندارد. او همچنین وجود کودکان خردسال در زندانها را "منظره ای رقت بار" توصیف کرد و آن را باعث زینتهای روحی و جسمی این کودکان دانست.

بدون روسری و روپوش در کلاس درس

۱۱ مرداد - آسوشیتدپرس - برای نخستین بار پس از انقلاب ۱۹۷۹، وزارت آموزش و پرورش ایران به دانش آموزان مدارس صد درصد دخترانه اجازه خواهد داد که بدون روسری و روپوش در کلاسهای درس حاضر شوند. این تصمیم که شامل آموزگاران نیز خواهد شد در شهریور امسال در تهران و در مورد یازده هزار دانش آموز در سنین بین ۷ تا ۱۸ سالگی به مورد اجرا در خواهد آمد.

روزنامه جمهوری اسلامی در این باره نوشت تصمیم مزبور "تشویق فرهنگی است". یک دختر دانش آموز ۱۷ ساله می گوید: "بهرت از هیچ است" و اضافه می کند: "مقامات دولتی باید درخواست و نظر نسل جدید را درک کنند".

در تاریخ ۱۰ مرداد - خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن اعلام خبر حضور دانش آموزان دختر در برخی از مدارس تهران بدون پوشش رسمی، می نویسد در این طرح با ایجاد تغییرات فیزیکی در ساختمان مدرسه، پوشش دیوارهای مشرف به ساختمانهای مجاور، استفاده از شیشه های رفleks و ایرایت سفید به صورت مورب و یا صاف و ساخت اطاق انتظار مخصوصا ارباب رجوع مرد، مدرسه برای فعالیت آزادانه دختران مناسب سازی می شود. مشاور مدیر کل ستاد امور بانوان سازمان آموزش و پرورش استان تهران به این خبرگزاری می گوید که هم اکنون این طرح در ۲۰ مرکز آموزشی تحت پوشش شهرستانهای استان تهران به اجرا در می آید.

بحران بیکاری و قانون کار

۳- حبیبی

در حالی که یکی از چالش‌های جدی رژیم در عرصه اجتماعی، مواجهه با بحران حاد بیکاری و تبعات آن در جامعه است، طرح دولت «اصلاح طلب» خاتمی در خصوص ایجاد تغییرات و یا اصلاحات در قانون کار، زمینه‌های لازم را برای هر چه بحرانی‌تر کردن این معضل اجتماعی فراهم خواهد کرد. آن هم در شرایطی که، شکاف طبقاتی عمق بیشتری پیدا کرده و این بحران از سطح جامعه به عمق حاکمیت سرایت کرده و به گفته کارگزاران رژیم، کل حاکمیت با بحران مشروعیت مواجه شده است.

این اولین باری نیست که کارگزاران رژیم با هدف جذب سرمایه‌های خارجی، و چین ویتیرین برای طرف حسابهای خارجی سعی می‌کنند تغییراتی در قانون کار ایجاد کنند. اولین اقدام برای ایجاد چنین تغییراتی در قانون کار، به دوران دولت هاشمی رفسنجانی بر می‌گردد. یعنی بعد از تصویب و تایید قانون کار فعلی از سوی مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۶۹، که در آن زمان در غالب برنامه دوم توسعه اقتصادی، در سال ۱۳۷۲، مجموعه تغییراتی در قانون کار فعلی و در چارچوب لایحه پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه، پیشنهاد شده بود که در نیمه راه متوقف شد. جوهر اصلی این تغییرات در تعدیل نیروی انسانی و تغییراتی در نظام پرداختیها، خلاصه می‌شد. آن هم در زمانی که، فرماسیون کلی رژیم دستخوش این همه تضاد در ساختار کلی حاکمیت نبود و «دوران سازندگی!!» را طی می‌کرد.

طرح مجدد تغییرات در قانون کار، از جانب دولت خاتمی این بار نیز با لاف‌ها و ورود به بازار اقتصاد جهانی و با هدف جذب سرمایه خارجی، بطور کلی تعدیل نیروی انسانی را هدفگذاری کرده است. مدافعان تغییرات در قانون کار و کارشناسان اقتصادی وابسته به رژیم استدلال می‌کنند که، برای ورود به اقتصاد جهانی باید موانع موجود را از میان برداشت. از جمله این موانع کاهش نقش دولت در اقتصاد و فعال کردن بخش خصوصی، و باز بودن دست این بخش در تعدیل نیروی انسانی واحدهای واگذار شده است. همین کارشناسان عنوان می‌کنند که قانون کار فعلی، تحت تاثیر فضای سالهای شصت و با مختصات ویژه آن سالها تدوین شده، در

حالیکه در شرایط حاضر، روابط کارگر و کارفرما تعریف جدیدی پیدا کرده است، و دیگر در چارچوب ساز و کار تبیین قبلی، نمی‌توان با اختلافات جامعه کارگری مواجه شد و از حقوق کارگر و کارفرما، دفاع کرد!!!

طبعاً در اینجا هدف، مشروعیت دادن به قانون کار نیست. چرا که در چارچوب ساختار اقتصادی حاکم بر ایران تحت حاکمیت آخوندی، مشکل اصلی، فقدان مکانیسم‌های قانونی و کمبود اهرم‌های بوروکراتیک برای پیشبرد سیاست‌های ضد مردمی نیست. مشکل اصلی در ساختار اقتصاد دلالی، هرج و مرج افسارگسیخته، ناشی از رانت خواری و قاچاق سازمانیافته و هدایت شده کالا و تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکاری روزافزون کارگران است. در چارچوب همین قانون کار موجود، کم به حقوق اولیه کارگران تجاوز نشده است. مواردی نظیر: حذف کارگاههای کمتر از پنج نفر کارگر، از شمول قانون کار، محرومیت کارگران قالیباف از حقوق قانونی خود در خصوص بیمه تامین اجتماعی، عدم پرداخت ماهها حقوق معوقه کارگران، رواج بی سابقه قرارداد های موقت کار به طوری که از زمان اجرای قانون قرارداد موقت کار، یعنی از سال ۱۳۷۴ امنیت شغلی کارگران به جد مورد تهدید قرار گرفته است و خلاصه این که، عدم تعلق حق عائله مندی به خانوارهای زن سرپرست، و سایر موارد دیگر، در زمان جاری بودن همین قانون، و در چارچوب همین قانون کار اتفاق افتاده است. همانطور که قبلاً هم به آن اشاره رفت، مشکل نه در فقدان اهرم قانونی بلکه در اقتصاد رانتی و ضعف مفرط مدیریتی، در ساختار تولید کشور است.

در شرایطی که واحدهای تولیدی، در اثر مشکلات گوناگون ناظر بر سازمان کار این واحدها و همچنین در اثر انباشته شدن محصولات این واحدها در انبارهای کارخانجات به دلیل فروش نرفتن در بازار، یکی پس از دیگری از گردونه فعالیت خارج می‌شوند و انبوهی کارگر بیکار را وارد بازار بیکاران می‌شوند، بازار رانت خواری و قاچاق در عرصه ای اقتصاد ایران به شدت فعال است. اقتصاد زیر زمینی در حاکمیت آخوندی، میدان وسیعی برای مانور دارد. این میدان مانور آنقدر وسیع است که می‌توان غیر قانونی ترین معاملات را با اهرم قانون برایش مجوز ساخت. به گفته مدیرکل روابط عمومی وزارت بازرگانی، هزینه قاچاق آن قدر پایین آمده که کمتر وارد کننده‌های حاضر

می‌شود از طریق قانونی یعنی ثبت سفارش اقدام به وارد کردن اجناس بکنند، چرا که با این عمل علاوه بر اینکه سود و عوارض بازرگانی پرداخت نمی‌کنند بلکه بدون بر جای گذاشتن سرنخی، از پرداخت مالیات نیز خود معاف می‌کنند. بنیادهای و ارگانهای گوناگون دولتی به دلایل مختلف مجازند در امور اقتصادی وارد عمل شوند در سال هشتاد، افزایش گردش مالی حاصل از رانت خواری و قاچاق، آنطور که کارشناسان اقتصادی رژیم تخمین می‌زنند بیش از ده میلیارد دلار است. و زیان ناشی از خرید و فروش اجناس قاچاق را حدود سی درصد تولید ناخالص داخلی کشور ارزیابی می‌کنند. البته وزیر بازرگانی رژیم معتقد است که اگر فقط ارزش ده درصد کالای کشف شده توسط نیروی انتظامی محاسبه شود، سالانه بیش از دو نیم میلیارد دلار، کالای قاچاق وارد می‌شود. ظاهراً وزیر نامبرده اقدامات نهادهای مختلف دولتی در امر قاچاق را وارد این محاسبه نمی‌کند، برخی از این گونه اقدامات که در روزنامه‌های رژیم نیز منعکس شده به این شرح است:

واردات چای - به گفته رییس سازمان چای کشور، بعد از قیام بهمن ۱۳۵۷ برخی از نهادهای و ارگانها و حتی وزارتخانه‌ها برای رفع مشکلات مادی خودشان وارد کار واردات چای از خارج شدند، و از مجاری مختلف اقدام به دریافت مجوز واردات چای کردند. این کار در پنج سال اخیر خیلی گسترده بوده است، به طوری که سهم قابل توجهی از چای موجود در بازار داخلی توسط این مجوزهای خاص وارد و توزیع می‌شود. به گفته رییس سازمان چای کشور، این مجوزهای خاص باعث می‌شود که نظم و قانونمندی واردات چای و تنظیم بازار چای در داخل، از دست نهادهای دست اندر کار خارج شود. در سال گذشته سازمان چای، مجوز ورود ۱۲ هزار تن چای خارجی را صادر کرد، این در حالی بود که بر اساس تخمینهای اولیه میزان چای وارد شده بالغ بر ۲۵ هزار تن بوده است. تحت چنین شرایطی، ۷۰ درصد چای مصرفی در کشور وارداتی است، آن هم در شرایطی که کشاورزان چایکار ایرانی جهت فروش محصولات خود با مشکلات جدی روبرو هستند.

واردات خودرو - شرکت تعاونی پسته رفسنجان، برای واردات خودرو از وزارت بازرگانی مجوز ورود دریافت می‌کند. که حاصل آن یک سود ۲۰ میلیارد تومانی فقط در یک نوبت بوده است.

واردات سیگار خارجی - انحصار فروش سیگار به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تعلق دارد که از قبل این معاملات، ۸۰۰ میلیارد تومان درآمد داشته است.

واردات محصولات فولادی - به گفته مدیر عامل شرکت فولاد آلیاژی ایران، طبق توافقات صورت گرفته با وزارت بازرگانی قرار بر این بود که برای سال ۷۹ واردات یک میلیون و ۶۵۰ هزار تن محصولات فولادی در نظر گرفته شود، ولی در عمل فقط طی ده ماهه سال ۷۹ میزان واردات به دو نیم میلیون تن رسید. در این ارتباط مدیرکل صنایع و معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی می‌گوید: واردات فولاد و میلگرد و ورق در دو سال گذشته رشد چشمگیری داشته است، و پیش بینی می‌شود که این روند در سال ۸۰ به بیش از سه میلیون تن برسد. روزنامه نوروز به نقل از منابع آگاه اعلام می‌کند که تعداد وارد کنندگان آهن کمتر از پنج نفر هستند که در سال گذشته حدود ۶۰۰ میلیارد تومان گردش مالی داشته‌اند. این حجم بالا گردش مالی رانت خواران در حالی به دست می‌آید که این محصولات در داخل نیز تولید می‌شود. و بعضی از کارخانجات به دلیل نداشتن مشتری در داخل، آن را در خارج کشور به قیمت بسیار ارزان می‌فروشند. وارد کنندگان محصولات فولادی آن قدر نفوذ دارند که حتی باعث حذف تعرفه های قانونی جهت واردات محصولات فولادی نیز می‌شوند. به طوری که در سال ۷۹ به یکباره کلیه تعرفه‌های گمرکی برای واردات آهن از بین می‌رود و واردات آن آزاد می‌شود.

واردات شکر و برنج - بنیاد مستضعفان انحصار واردات این دو قلم را به طور کامل در اختیار دارد. در ارتباط با واردات پارچه رییس اتحادیه سراسری تعاونیهای نساجی می‌گوید: وزارت صنایع در امر واردات پارچه مشکی چادری دخالت دارد. آستان قدس رضوی نیز انحصار واردات پارچه سیاه چادری در اختیار دارد. در ارتباط با این گروه که با استفاده از موقعیت و روابط اقدام به واردات کالا می‌کنند، باید گفت که، حوزه و میدان کاری آنها آن قدر وسیع است که حتی سفارش واردات از هر نوع جنس را قبول می‌کنند. یک نمونه‌ی آن نیروی انتظامی است. این نیرو نیز اقدام به وارد کردن کالاهای خارجی می‌کنند، یکی از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی در توجیه این گونه واردات، هزینه بالای بقیه در صفحه ۱۹

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی

(۳۰)

-- اسماعیل وفا یغمایی

در باره خوارزمشاهیان

خوارزمشاهیان از غلامان ترک نژاد دربار سلجوقیان بودند. این سلسله در حقیقت از زمان اتسز (۵۲۱ هجری) قدرت یافت و با حمله چنگیز خان از بین رفت. خوارزمشاهیان معاصران خلفای بیست و ششم تا سی و پنجم عباسی بودند. در زمان سلطان محمد خوارزمشاه، پس از دوران سلجوقیان، مرزهای ایران به نهایت وسعت خود رسید. سلطان محمد خوارزمشاه با سرپیچی از فرمان خلیفه قصد انقراض عباسیان را داشت که با حمله مغول مواجه گردید.

دوران خوارزمشاهیان دوران نفوذ فوق العاده صدرها و روحانیون و فقها بود و سیستم روحانیت به کمک دربار چنان به غارت مردم می‌پرداخت که یکی از قیام‌های بزرگ این دوران علیه روحانیون به رهبری پیشه‌وری به نام سنجریه وقوع پیوست و موجب قلع و قمع فنودالها و روحانیون و سقوط شهر بخارا به دست شورشیان گردید.

چنگیز خان در آغاز قصد حمله به ایران را نداشت و تنها می‌خواست با دولت قدرتمند خوارزمشاهیان روابط بازرگانی برقرار کند به ویژه که شمار ارتش خوارزمشاه بسیار بیش از مغولان بود، بولی سوء سیاست خوارزمشاه، غرور بی اندازه او و به خصوص دخالت‌های ترکان خاتون که برای خود حکومتی در دل حکومت داشت و بسیاری عوامل دیگر از جمله دسیسه‌های دربار خلافت که از قدرت خوارزمشاه نگران بود، سیل بنیان کن مغولان را روانه ایران کرد و یکی از بزرگترین و غم‌انگیزترین تراژدی‌های تاریخ ایران که سیر طبیعی تاریخ ایران را بازهم به کندی هر چه بیشتر دچار کرد به وقوع پیوست.

سلسله چنگیزیان و ایلخانیان (مغولها) ۶۱۷ - ۷۵۶ هجری، ۱۲۲۰ - ۱۳۵۵ میلادی

الف: پادشاهان اصلی و بزرگ مغول
۱ - چنگیزخان، ۵۴۹ - ۶۲۴ هجری .
چنگیز خان یا تموچین، فرزند یسوکای بهادر، خان و رئیس قبیله قیات از قبایل مغول بود. او در سن سیزده سالگی به جای پدر بر مسند خانی قبیله نشست .
چنگیز خان پس از شکست و مجازات مدعیان و دشمنان، طوایف مختلف مغول را با هم متحد کرد و سرانجام با فتوحات پی در پی، مرزهای سرزمین

تحت تسلط او با مرزهای دولت خوارزمشاه در مجاورت هم قرار گرفت . در ابتدا مغولان با خوارزمشاهیان قرار داد بازرگانی امضا کردند و مقرر شد که دو کشور به مبادلات تجارتي بپردازند و منافع یکدیگر را نگاهبان باشند اما کشتار بازرگانان مغول به دست غایر خان از نزدیکان ترکان خاتون ویسی توجهی خوارزمشاه در رسیدگی به این موضوع خشم چنگیز را برانگیخت و سپاه دو بیست هزار نفری مغولان در پاییز سال ۶۱۶ هجری، ۱۲۱۹ میلادی از دره سفالی جیحون و دریاچه آرال روانه ایران شدند .

در هجوم مغولان و هراس سلطان محمد خوارزمشاه و علیرغم دلیریهای فراوان ساکنان شهرها، مغولان در حالی که شهرهای سوخته و غرق در خون و جسد را پشت سر خود به جا می‌نهادند ایران خوارزمشاهی را تسخیر کردند .

چنگیز خان در سال ۶۲۴ هجری - ۱۲۲۷ میلادی - در هفتاد و دو سالگی در گذشت . اواز نظر جسمی فردی نیرومند، هوشیار و با اراده، خونسرد، بیرحم و با تدبیر بود و از مشکلات و جنگ و پیکار هراسی به دل راه نمی‌داد. چنگیز خان تا پایان عمر سادگی زیستی و شیوه زندگی صحرا نشینان را حفظ کرد. از آنجا که رسم مغولان این بود که زنان و دختران و خواهان و مادران امیران مغلوب را به حرم خود روانه کنند تعداد زنان و کسانی که در زمره همخوابگان او قرار گرفتند تا پانصد تن نوشته شده.

فرمان چنگیزخان برای مغولان جنبه آسمانی داشت و حتی بعدها برای تولد و ظهور او افسانه‌ای خلق شده است که نشان می‌دهد نطفه او نیز مانند مسیح توسط نیروهای غیبی در بطن مادرش قرار داده شده است. چنگیز خان به دانشمندان و علما و صنعتگران و صاحبان حرفه‌ها احترام می‌گذاشت و از آنان برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کرد .

نزدیکترین مشاور چنگیز محمود یلواج بود که مسلمان بود و در دولت چنگیز مقامی بسیار معتبر داشت. محمود یلواج حکومت چین شمالی را داشت و پسر او مسعود بیک بر ممالک اوغور و ختن و کاشغر و ماوراءالنهر حکومت می‌کرد. پس از مرگ چنگیز خان چهل تن از زنان و دختران زیبا از نسل امیران و بزرگان با آرایش تمام و شماری از اسبان گرانبها را قربانی کردند تا روح او تنها نباشد. بر اساس برخی روایات برای این که محل گور چنگیز خان مخفی بماند تمام کارگرانی را که در کار ساختن گور و دفن او حضور داشتند پس از اتمام کار کشتند و نگهبانانی را که مسئول این کشتار بودند در راه بازگشت کشتار کردند و محل گور چنگیز خان ناشناس باقی ماند .

یاسای چنگیزی

یاسای چنگیزی، مجموعه قوانین چنگیز خان در امور کشوری، لشکری، اجتماعی، فلسفی و شخصی بود که مانند کتابی آسمانی در میان مغولان مقدس بود و هر نوع خطی از آن حرام بود و مجازاتی هولناک در پی داشت.

اولین بند یاسای چنگیزی آزادی عقیده و مذهب به شرط اعتقاد به خدای واحد «بیرتنگری» بود. مجازات دزدی بر اساس قوانین یاسا هفت تا هفتصد ضربه چوب و گاه اعدام بود. مجازات زنا در یاسای چنگیزی اعدام و هرکس زن و مرد زناکاری را در هنگام ارتکاب زنا مشاهده می‌کرد می‌توانست آنان را بکشد. مجازات همجنس‌بازی، جادوگری، شهادت دروغ و جاسوسی مرگ بود .

شماری از احکام یاسای چنگیزی با احکام وقفه آخوندها مشابهت دارد. بر اساس یاسای چنگیزی، بزرگان مغول - ترخانها - می‌توانستند تا هشت بار مرتکب جرم شده و مجازات نشوند. فرازی از گفته‌های چنگیزخان ساختمان روحی او را به خوبی نشان می‌دهد. او می‌گوید:

بالاترین خوشبها و لذتها همانا فتح و غلبه بر دشمنان، تعقیب کردن و گرفتن آنها، کشتن آنها، گرفتن داراییها و اموال آنها، نظاره چشمان پر اشک خانواده و تملک و تصرف زنان و دختران اسپراست .

۲ - اکتای قان، ۶۲۶ - ۶۳۹ هجری. پس از چنگیز خان اکتای قان بر مسند چنگیز خان نشست. در دوران او پس از اندک وقفه‌ای ادامه کار برای فتوحات بیشتر پی گرفته شد. در هجوم دوم مغولان به سرزمینهای اسلامی، ارمنستان، اربل، نینوا، سامره، سیستان، کابل، سند، سیواس، قیصریه، و نقاط بسیار دیگر فتح گردید و به آتش و خون کشیده شد.

در زمان اوکتای قان هم چنین روس و چرکس و بلغار و اروپای شمالی مورد هجوم لشکریان مغول قرار گرفت و روسیه تا دو قرن و نیم بعد از آن تحت حکومت مغولان بود. فتوحات مغولان ادامه داشت که خبر در گذشت اوکتای قان رسید و بخشهایی از اروپا از آسیب مغولان مصون ماند. اوکتای قان در سال ۶۳۹ هجری در گذشت. او بر خلاف پدرش در تمام مدت لشکر کشیها در مغولستان به شکار و تفریح و عیش و نوش و مجالست با زیبارویان مشغول بود. افراط در نوشیدن شراب سرانجام باعث مرگ او شد.

۳ - تورکینا خاتون، ۶۲۹ - ۶۴۴ هجری. بعد از مرگ اوکتای قان، از آنجا که پسرش گیوک خان در مغولستان نبود در میان مغولان بر سر جانشینی اختلاف

پیدا شد. در چنین شرایطی تورکینا خاتون همسر اوکتای و مادر گیوک خان که زنی با تدبیر بود و در میان مغولان به رسم مغولان نفوذ فوق العاده ای داشت زمام حکومت را در دست گرفت. او سرانجام پس از چهار سال و نیم موفق شد تاج و تخت مغول را به گیوک خان بسپارد. تورکینا خاتون مسیحی بود و در روزگار او مسیحیان در میان مغولان نفوذ زیادی پیدا کردند.

۴ - گیوک خان، ۶۴۴ - ۶۶۸ هجری . اوفردی جنگجو بود و در صدد بود روش چنگیز خان را دنبال کند. دوران او آغاز دوران اختلاف بین بزرگان مغول است. مشاوران اصلی او قداق و چینقای، دوتن از عیسویان بودند که گیوک خان را برای حمله مجدد به سرزمینهای اسلامی و ایران برانگیختند ولی مرگ گیوک خان که بر اثر افراط در نوشیدن شراب رخ داد این برنامه را ناتمام گذاشت .

۵ - منکوقان، ۶۴۸ - ۶۵۷ هجری . پس از مرگ گیوک خان بر سر انتخاب قان جدید اختلاف شروع شد و زوجه گیوک خان بنا بر رسم مغولها نیابت سلطنت را به عهده گرفت. سرانجام مجمع بزرگ مغولان در دشت قبچاق، منگو فرزند سرقوبتی خاتون بزرگ و نامدار مغول را به قان انتخاب کردند و سلطنت از میان اولاد اوکتای قان خارج گردید و به دست شعبه دیگری از مغولان یعنی فرزندان تو لوی افتاد. منکو قان ابتدا مخالفین و توطئه‌گران را سرکوب کرد.

او از پادشاهان نسبتا خوشنام مغول است. در دوران او شماری از فضالی ایرانی به مغولستان اعزام شدند تا در ادارات و دیوانهای مغولی به کار بپردازند و از این زاویه بسیاری از لغات فارسی در میان مغولها رایج گردید. او تمام ادیان را در سرزمینهای تحت حاکمیت خود آزاد گذاشته بود. دوران او دوران شروع مجدد جنگهای صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان است. در همین دوران منگو، برادرش هلاکو را مامور فتح دژهای اسماعیلیان و فتح بغداد کرد. منگو در سال ۶۵۷ هجری هنگام فتح چین جنوبی در گذشت .

۶ - قوبیلای قان، ۶۵۷ - هجری . پس از مرگ منگو برادرش قوبیلای زمام حکومت را در دست گرفت. او تمام چین جنوبی و هندو چین و جاوه و ژاپن را تسخیر نمود. پایتخت او شهر پکینگ بود که خان بالغ نامیده می‌شد . در دوران قوبیلای ایران تحت حاکمیت هلاکو خان و برادر زاده اش اباقا خان بود. دوران قوبیلای دوران بنای عمارات و کاروانسراها و بیمارستانها و رسیدگی به اوضاع ارباب صنایع و حرفه هاست.

بقیه در صفحه ۱۹

مروری بر جنبش کارگران بیکار در آرژانتین (قسمت پایانی)

نویسنده: جیمز پتراز

منبع: ماهنامه ماننتی ریو، ژانویه ۲۰۰۲

ترجمه: ب. محله

موقعیت جنبش کارگران بیکاران

در تشریح جنبش بیکاران در آرژانتین پیش از هر چیزی باید آن را در متن پروژه نولیبرال قرار داد، که در کنار کارگران و دهقانان را در سرتاسر آمریکای لاتین به غارت برده است. دولت آرژانتین با پذیرفتن خطوطی که توسط کارشناسان بازار آزاد ترسیم شده بود، سیاستهایی را به کار بست که نتایج آن پیشاپیش مشخص بود. به بنگاههای دولتی چوب حراج زده شد، و صاحبان جدید این بنگاهها هزاران کارگر و کارمند را از کار بیکار نمودند. فعالیتهای اقتصادی به اصطلاح ناسودآور تعطیل شد و عملاً با ایجاد شهرهای ارواح پیرامون مراکز صنعتی تقریباً بر همه بخشهای اجتماعی تأثیر مخربی گذاشته شد. در بخش دولتی دستمزد کارکنان کاهش یافته، شرایط کاری سختتر شده و بسیاری از کار اخراج گشتند. هزاران نفر از کارمندان دولتی برای ماهها بدون دریافت حقوق به حال خود رها شدند. اتحادیههای کارگری زیر ضرب قرار گرفته و از تعداد اعضایشان کاسته شد. خدمات اجتماعی به طور وسیعی قطع گشت، و از این رهگذر، به ویژه، بازنشستهها و انهایی که توانایی مالی لازم برای استفاده از بهداشت و آموزش خصوصی را نداشتند آسیب دیدند. هجوم سرمایه خارجی موجب رشد بورس بازی شد که بخش مالی را به ورطه سقوط کشانید و موجب خروج ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه (معادل کل بدهی ملی) توسط بورژوازی آرژانتین شد. رکود اقتصادی که در سال ۱۹۹۷ آغاز شده بود هر چه بیشتر عمیق یافت، که در سال ۲۰۰۱ به یک بحران تمام عیار اقتصادی بدل گشت. در حال حاضر تعداد بیکاران و یا نیمه بیکاران در مناطق مختلف بین سی تا هشتاد درصد در نوسان است. در طی همین مدت تعداد رسمی بیکاران در بویونس آیرس بزرگ از ۱۶ تا ۱۸ درصد به دو برابر افزایش یافته است. بسیاری از شاغلان نیز میباید با بخور و نمیر اشتغال موقت و تحت شرایط بسیار دشوار سر کنند. در نواحی عمده کارگری نسبت بیکاران به ۳۰ تا ۵۰ درصد بالغ شده است. اکثریت بزرگی از خانوادهها در سراسر کشور به زیر خط مطلق فقر رانده شدهاند.

از سوی دیگر، شرایط سیاسی نیز بر وخامت مشکلات اقتصادی افزوده است. راتول آلفونسین، کارلوس منم، و فرناندو دلاروا، آخرین روسای جمهور آرژانتین نه تنها در زمینه اقتصادی مهمترین بخشهای اقتصاد کشور را به نازلترین قیمت به سوداگران آرژانتینی و خارجی فروختند، و تمامی قوانین بیمههای اجتماعی موجود را نابود کردند، بلکه در زمینه سیاسی نیز فرماندهان و مقامهای ارتشی را که مسئول کشته و مفقود شدن بیش از سی هزار تن بودند به سادگی تبرئه کردند. در این میان دو حزب عمده آرژانتین، یعنی رادیکالها و پرونیستها، برای منافع کردن تهیدستان و زحمتکشان، هر از گاهی به پخش مواد غذایی پرداخته و یا سعی

میکنند تا در مواردی برای هوادارانشان کار پیدا کنند، که البته این تاکتیکها تاکنون کاملاً بی تأثیر بوده است. مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود زمینه بسیار مناسبی را برای رشد سازماندهی توده‌ای فراهم ساخته است. در این جا لازم است که میان شرایط عینی و ذهنی تمیز قائل شد. از میان این فاکتورهای مساعد از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) اکثریت جمعیت شهرکها را کارگران صنعتی بیکار، جوانانی که هیچ گاه شغلی نداشته‌اند، و خانواده‌های زن سرپرست تشکیل می‌دهند. این امر باعث می‌شود که تأثیر طبقات میانی بر این جوامع، که تقریباً نیمه مستقل و همگن‌اند، به حداقل ممکن برسد.

ب) وجود کارگران صنعتی بیکار که دارای تجربه اتحادیه‌های بوده و با راه و رسم مبارزه جمعی آشنایند.

ج) ویژگی طولانی مدت بحران که موجب فعال شدن بخش بزرگی از زنان در میدان مبارزه شده است. (امری که در مورد جوانان هم به علت محدودیت زمینه‌های شغلی صدق می‌کند).

د) و سرانجام، موقعیت مکانی شهرکهاست که در کنار راههای اصلی واقع شده‌اند.

تردید در این نیست که تنها وجود شرایط مناسب کافی نیست، بلکه هر تشکیلاتی به استراتژی و تاکتیک درستی نیز نیازمند است. یکی از دلایل عمده موفقیت جنبش کارگران بیکار در آرژانتین درسگیری از تجارب پیشین برای اجتناب از افتادن به همان دامی است که در گذشته جنبشهای گوناگون در آن افتادند.

این جنبش با درسگیری از تجارب گذشته به یک سازماندهی مستقل در شهرکها و به دور از نفوذ و کنترل بوروکراسی اتحادیه‌های کارگری، احزاب پارلمانی، و یا دستگاههای دولتی اقدام نمود. اتحادیه‌های کارگری آرژانتین، به ویژه کنفدراسیون سراسری کارگران به توسط مشتی از رؤسای پست و رشوه خوار و خودکامه با حقوقهای کلان اداره می‌شود که به طور درجست به رژیم منم (Menem) وابسته بوده و به هیچ روی قصد رویارویی با دولت دلاروا و سیاستهای ارتجاعی‌اش را ندارند. هم کارگران و هم دولت به خوبی می‌دانند که محکوم کردنیهای گاه و بی‌گاه و حتا اعتصابات عمومی، چیزی جز مراسم پوچ ظاهرسانانه نیست که به منزله سوپاپ اطمینانی به کار گرفته می‌شود که تا جلو انفجار گرفته شود. تلاشهای

نصفه نیمه اتحادیه‌های کارگری برای سازمان دادن بیکاران، حتا توسط به اصطلاح اتحادیه‌های مبارز نیز بیشتر از این به شکست کامل انجامیده بود. بر رغم تقاضاهای برنامه‌مند در جهت سازماندهی بیکاران، اتحادیه‌های کارگری کل تلاششان را صرف اعضای ماهیانه پردازشان نمودند. هر آن جایی هم که بیکاران توسط این اتحادیه‌ها سازماندهی شدند، تنها نقش «کمکی» را در تظاهرات یک روزه اتحادیه‌ها داشته و از هر گونه تأثیرگذاری بر روند اقتصاد کشور و تامین هر گونه بهبودی در شرایط زندگی خویش عاجز ماندند. در مورد احزاب سیاسی نیز که علاوه بر دست داشتن در سرکوب مستقیم، با دادن رشوه و وعده وعید، رهبران کارگری را به زواید خود تبدیل ساخته بودند، چیزی بیشتر از این نمی‌توان گفت.

از این رو، طرد سیاستهای کاسبکارانه رهبران احزاب پارلمانی و بوروکراتهای اتحادیه‌های کارگری و اتکاء به خود سازماندهی و اقدام مستقیم نقش کلیدی را در موفقیت تشکیلات نوین بیکاران داشته است. جنبش کارگران بیکار آرژانتینی (ام تی دی) جنبش توده‌ای مستقلی است که به طور درون جوش سازماندهی شده

و تداوم کارش نیز به همین منوال بوده است. ام تی دی دارای ساختاری نامتمرکز بوده که در آن هر ناحیه‌ای صاحب تشکیلات مستقل خویش است که از ساکنان شهرکهای که در محدوده جغرافیایی آن قرار دارند تشکیل می‌شود. در هر شهرک و یا محله‌ای نیز هر چند بلوک مسکونی به طور غیر رسمی رهبران و فعالان خودشان را دارند. هر ناحیه زیر چتر مجمع عمومی‌اش قرار می‌گیرد که تمامی اعضاء فعال در آن شرکت می‌کنند. خواسته‌ها، برنامه عمل و سازماندهی راهبندانها همگی در مجمع تصمیم‌گیری می‌شود. به مجرد آن که بزرگراه و یا شریان ارتباطی عمده‌ای مشخص می‌گردد، مجمع عمومی بلافاصله دست به تهیه و تدارک عملیات می‌زند. صدها و در بسیاری موارد هزاران نفر مرد، زن و کودک با بر پا کردن چادر و آشپزخانه‌های سیار در کنار جاده‌ها در عملیات راه‌بندان فعالانه شرکت می‌کنند. هنگامی که پلیس دست به تهدید و مداخله می‌زند، صدها نفر از حلیه‌های مجاور به کمک می‌شتابند. موضع جنبش در مقابل پیشنهاد مذاکره از سوی دولت، مذاکره در محل اعتصاب و راه‌بندان و با تمامی اعضاء اعتصابی است. همه تصمیم‌گیریها جمعی بوده و در همان محل راه‌بندان صورت می‌گیرد.

بر پایه تجارب فراوان گذشته، اعتصابیها به فرستادن نماینده به اتاقهای درسته دولتی اعتماد نمی‌کنند، زیرا این احتمال همیشه وجود دارد که دولت با پیشنهاد مثلاً شغلی بتواند آنها را بخرد. هنگامی هم که درخواستهای اعتصابیها پذیرفته می‌شود، توزیع مشاغل و امکانات به دست آمده نیز بر اساس فامیل بازی و رفیق بازی انجام می‌پذیرد، که آنها را به رهبران شخصی تبدیل کرده و ماشین مشتری پروری که از این رهگذر ایجاد می‌شود نهضت را به انحطاط می‌کشاند.

تاکتیک قطع نمودن بزرگراهها در موفقیت ام تی دی نقش اساسی ایفاء می‌کند. کارکرد این تاکتیکها دقیقاً به منزله زمین گذاشتن ابزار کار و خواباندن چرخ تولید از سوی کارگران است. این شیوه مبارزه روند گردش کالا را، خواه این کالا بخواهد به مصرف تولید برسد و یا محصول تمام شده به مقصد بازارهای داخلی و خارجی باشد، فلج می‌کند. هم چنین، توقف رفت و آمد یک اقدام تهیه‌چی در مجاورت شهرکها به شمار می‌رود. تردیدی نیست که سازماندهندگان این راهبندانها اغلب آنها را باشند که از جسارت عمل بیشتری برخوردارند. دیگر اهالی اگر چه از ابراز نظر و هواداری علنی از این گونه اقدامها بیمناکند، اما غالباً از آن حمایت نموده و به طور وسیعی در کمک رسانی به اعتصابیها شرکت کرده و از جمله مانع دستگیری رهبرانشان توسط ژاندارمها می‌شوند. بدین ترتیب این بخش از توده مردم از محرومینی منفعل و پراکنده به فعالان جنبش قدرتمند همبستگی تبدیل شده و در پروسه سازمانیابی مستقل توده‌ای درگیر می‌شوند.

تقاضای فوری کار از سوی جنبش بیکاران همواره با درخواستهای دیگری از قبیل توزیع مواد غذایی، آزاد نمودن فعالان زندانی شده جنبش، و هم چنین درخواست اختصاص هزینه‌های دولتی برای تامین آب آشامیدنی سالم، راه سازی و مراکز بهداشتی همراه است. خواسته‌های بیکاران در مورد اشتغال از محدوده مشاغل موقت با مزد بخور و نمیر فراتر رفته و مشاغل پایدار با کارمزد در خور را در بر می‌گیرد. در شهر هونرال ماسکونی رهبران جنبش توانسته‌اند بیش از ۳۰۰ پروژه را که برخی از آنها با موفقیت به کار افتاده‌اند، برای ایجاد اشتغال و تامین مواد غذایی لازم بقیه در صفحه ۱۷

نام برد. رهبران جنبش در این منطقه از حضور در دو کنفرانس ملی یاد شده در سپتامبر ۲۰۰۱ خودداری کردند.

۲- گروه‌های رقیب: منشأ غیر متمرکز جنبش عنصر مهم و ضروری در حفظ استقلال و تشویق و ترغیب در احراز پیشگامی و داشتن نقش خلاق بوده است. اما در مواردی هم شاهد بروز اختلاف‌های شخصی و سیاسی بوده‌ایم که چه بسا وحدت عمل را در آینده به زیر سؤال ببرد. به رغم آن که عمده تشکلهای بیکاران مبارزات پارلمانی را رد می‌کنند، اما به برخی از رهبران جنبش از سوی احزاب چپ، و به ویژه از سوی فراماسیون جدید موسوم به «قطب اجتماعی» پیشنهاد شده است تا اسمشان در لیست نامزدهای انتخاباتی گنجانده شود. نحوه ارتباط با اتحادیه‌های کارگری مبارز نیز از دیگر موارد اختلاف می‌باشد. اگر چه شاید تنها تعداد انگشت‌شماری از رهبران به همکاری‌های تاکتیکی با اتحادیه‌های کارگری اعتراضی داشته باشند، اما بسیاری از آن بی‌مناکند که CTA و ATE

سرانجام بر جنبش مستولی شده و از آن در جهت سیستمی میانه روانه رهبرانشان سود جویند. برای مثال، در یکی از روزهای ملی مقاومت در ماه اوت، اعتصابگران، تحت تأثیر ATE تنها در مسیر راه‌های اصلی راهنمادان ایجاد کرده و تحت این عنوان که نباید حمایت اقشار میانی را از دست داد، و هم چنین برای نشان دادن حسن نیتشان به وزیر کار، از بستن راه‌های فرعی خودداری نمودند. بسیاری از فعالان جنبش با این عمل به این دلیل که عملاً ایجاد راهنمادان را بی معنا و خالی از اثر ساخته و باعث روحیه باختگی بیکاران شده به شدت مخالفت نموده و معتقدند که این گونه اعمال به سقوط جنبش به نفع بند و بستهای همیشگی اتحادیه‌های کارگری خواهد انجامید.

۳- نفوذ سیاستمداران حرفه‌ای: نیروی پیش برنده عمده جنبش استقلال عمل آن است. به موازات پیشرفت موفقیت آمیز بسیج توده‌های سیاست پیشگان فرصت طلب به اصطلاح «پوزسیون» (از جمله پرونیستها) تلاش نموده‌اند تا با تکرار برخی از خواسته‌های جنبش، یا با پیشنهاد همکاری با آن به عنوان «میانجی» و پیشنهاد تامین اشتغال سعی کرده‌اند تا در جنبش شکاف ایجاد نموده و بدین طریق بتوانند بخشی از آن را در جهت مطامع فرصت طلبانه‌شان به انقیاد بکشانند. جنبش تا کنون توانسته است که در مقابل چالپوشیهای این عناصر فرصت طلب و عوام فریب مقاومت کند. در حالی که اگر سرکوب دولتی خشنتر شده و خواسته‌های حداقل جنبش برآورده نگردد، تنها دو راه در پیش پای آن باقی خواهد ماند؛ یا باید از نظر سیاسی باز هم بیشتر رادیکالیزه شود، و یا آن که به وسوسه «واسطه‌گری» پیر و پاتالهای سیاست پیشه گردن نهد.

۴- دانشجویان: دوست و خطر آفرین گرچه فراخوان ۷-۸ سپتامبر را کارگران داده بودند، اما حضور تعداد زیادی از دانشجویان، گروه‌های فرهنگی و حتی گروه‌های خودیاری عملاً ترکیب اجتماعی کنفرانس را به هم ریخته بود. سخنرانیهای طولانی و در بسیاری موارد خسته کننده دانشجویان بر روشن شدن آینده جنبش چندان کمکی نمود. اگر چه برگزار کنندگان کنفرانس از حضور دانشجویان و دیگر گروه‌ها استقبال نمودند، اما این نگرانی نیز وجود داشت که حضور آنها باعث بروز اختلاف‌های معمول ایدئولوژیک شود که کار جنبش را به فلج خواهد کشانید.

بقیه در صفحه ۱۸

آینده جنبش

جنبش کارگران بیکار به نیروی بزرگی در آرژانتین تبدیل شده است. این نیرو به سرعت در همه جا گسترش یافته و تشکلهای محلی توانسته‌اند فدراسیون سراسری ایجاد کنند. رمز موفقیت جنبش کارگران بیکار در بسیج دهها هزار تن از بیکاران، در تهییج و تشویق هزاران فعال اتحادیه‌های کارگری، دخالت دادن عملی زنان و جوانان در امور جنبش و سرانجام در تحکیم عقب‌نشینیهای رژیم (اگر چه به طور محدود) نهفته است. با این حال، قدرت جنبش کماکان و به طور عمده در سطح محلی است که وابستگیهای محلی، اعتماد دوجانبه و خواسته‌های مشخص وجود دارد. مهم‌ترین جاذبه این جنبش در این واقعیت جلوه می‌کند که در کشوری که بر اثر سیاستهای بی پایان تعدیل ساختاری، حذف مستمر بودجه‌های عمرانی و خدماتی، اشتغال چند گانه توده‌های مردم با دستمزدهای پایین، و وجود کنگره‌های عقیم که در دریایی از فساد و رشوه‌خواری دست و پا می‌زند و در زیر فشار قوه اجراییه‌ای متشکل از مشتکی نخبگان مستبد و فاسد از پای درآمده است، جنبش کارگران بیکار مشوق اقدام مستقیم از سوی توده‌های مردم است. جنبش کارگران بیکار تنها قطبی است که با همه این عوارض مخالف است، و ام دی تی صاحب تنها تاکتیک مؤثر اقدام مستقیم است؛ یعنی ادامه راهبندان تا زمانی که خواسته‌های حداقلشان به کرسی بنشیند.

جنبش بیکاران به موازات رشد کمی و کیفی‌شان توانسته است که با دانشجویان، اتحادیه‌های کارگری مبارز، گروه‌های حقوق بشر و احزاب کوچک چپ وارد ائتلاف شود. از مهمترین ائتلاف‌های تاکتیکی این جنبش باید از ائتلاف با اتحادیه کارکنان دولت و اتحادیه‌های محلی معلمان نام برد. در عین حال این جنبش پیوسته از حمایت برخی از سازمانهای دانشجویی چپ نیز برخوردار بوده است. اما، در تمام طول فعالیت‌های مشترک، به ویژه با اتحادیه‌های کارگری، جنبش به شدت از استقلال و آزادی عملش که به دشواری به دست آمده، پایداری نموده است. جنبش هر گونه دخالت مزورانه سیاستمداران سنتی را که سعی داشته‌اند تا از این نمذ کلاهی برای خود بدونزد رد کرده است.

رشد دینامیک و غیر قابل پیش بینی جنبش بیکاران و پیروزیهایشان در فلج نمودن گردش کالا در کشور از طریق ایجاد راهنمادان مدیون بحث و تبادل نظر همه جانبه بر سر چگونگی انجام کار است. برخی از مسایل مشخصی که در بحثهای داخلی جنبش مطرح شده عبارتند از:

۱- محلی‌گری؛ از نقاط قوت عمده این جنبش از همان ابتدای کار، ارتباط تنگاتنگش با شهرکها و محلات مسکونی کارگران است. البته، هنگامی که پاسخ دولت به جنبش اعتراضی بیکاران سرکوب خشن (قتل، دستگیریهای دسته جمعی و اشغال نظامی) است؛ و هنگامی که برنامه‌های ریاضت اقتصادی کماکان ادامه دارد، برای بسیاری از فعالان این جنبش مثل روز روشن است که تنها در سایه حرکت متحد در سطح ملی می‌توان سرکوب دولتی را خنثی نموده و رژیم را به عقب‌نشینی وادار کرد. با این وجود، هستند رهبرانی که به رغم موفقیت‌های بزرگی که در امر مقاومت مردمی به دست آورده‌اند اما نسبت به تشکیلات و میتینگهای ملی به دیده بدبینی می‌نگرند. در این مورد به عنوان نمونه می‌توان از جنبش در هونرال ماسکونی

بقیه از صفحه ۱۶

راه‌اندازی کنند. کمیته محلی بیکاران کنترل شهر را به جای مقامهای برکنار شده محلی به عهده دارد. جنبش بیکاران در برخی از نواحی کارگرنشین به سبب قدرت بسیج توده‌ای، توانسته است مقامات محلی را خلع ید نموده و حتی رژیمهای ایالتی و یا فدرال را بر سر موضوعات معینی به عقب نشینی وادارد و بدین ترتیب عملاً مناطق نیمه آزاد ایجاد کند. ظهور «اقتصاد موازی» در هونرال ماسکونی در ابعاد محدود باعث حفظ حمایت‌های مردمی در دوران مبارزه شده و به بیکاران این امید را می‌دهد که کنترل زندگی، محله و امرار معاششان را به دست بگیرند.

فراتر از خواسته‌های محلی و فوری، جنبش خواهان پایان بخشیدن به برنامه‌های ریاضت کشانه و توقف بازپرداخت بدهیهای خارجی بوده، و می‌خواهد که از مدل اقتصاد نولیبرال دست برداشته شود؛ و در عوض برنامه‌های توسعه اقتصادی دولتی دوباره احیاء گردد. در اوائل سپتامبر سال ۲۰۰۱ گروه‌های بیکاران دست به تشکیل دو مجمع عمومی در شهرهای ماتانزا و لاپلاتا زدند. این نشستها بیش از دو هزار تن را از دهها گروه بیکاران، اتحادیه‌های کارگری، دانشجویان، و گروه‌های فرهنگی و غیر دولتی از سراسر کشور به دور هم گرد آورد. هدف این نشستها هماهنگ ساختن فعالیت‌های سراسری، رایزنی و تدوین برنامه و پلانفوری برای مبارزه بود. نشست لاپلاتا بر خواسته‌های فوری زیر توافق نمود:

- ۱- پایان بخشیدن به سیاستهای تعدیل ساختاری؛
- ۲- پایان بخشیدن فوری بودجه‌های ریاضتی؛
- ۳- توسعه و حفظ برنامه‌های اشتغال‌زایی دولتی و اختصاص جیره‌های غذایی برای تمامی بیکاران بالای شانزده سال، ثبت نام همگانی بیکاران تحت نظارت سازمانهای بیکاران حاضر در نشست؛
- ۴- پرداخت مساعده‌ای معادل یک صد پزو (یک پزو معادل یک دلار آمریکا) در هر هکتار زمین به دهقانان کوچک و میانه‌حال برای کاشت زمینهایشان؛
- ۵- رعایت حقوق قانونی و طی روندهای عادلانه قضایی در مورد همه فعالان دستگیر شده؛
- ۶- ممنوعیت اخراج کارگران شاغل؛
- ۷- خروج بلادرنگ زندانرها از شهر هونرال ماسکونی.

مجمع عمومی مزبور برای تاکید بر خواسته‌هایش خواستار ایجاد دو راهنمادان سراسری در ماه سپتامبر شد. به علاوه، این مجمع ۵ هدف استراتژیک زیر را نیز تصویب نمود:

- ۱- عدم بازپرداخت بدهیهای خارجی نامشروع و کلاهبردانه؛
- ۲- کنترل دولتی بر صندوق بازنشستگی؛
- ۳- ملی کردن بانکها و مؤسسات استراتژیک؛
- ۴- بخشش بدهیهای دهقانان فقیر و قیمت گذاری عادلانه بر محصولاتشان؛
- ۵- برکناری رژیمهای فقر آفرین و سیاستمداران فاسد. مجمع عمومی با فراخوان به یک اعتصاب ۳۶ ساعته سراسری فعال و ایجاد یک کمیته ملی در هماهنگ نمودن فعالیتها با کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری (۴) به کار خود خاتمه داد.

مروری بر جنبش کارگران بیکار در آرژانتین

بقیه از صفحه ۱۷

در مجموع، این تناقضات حاکی از چالشهای نوینی است که جنبش با آن روبروست. به هر حال، وجود این چنین مشکلاتی چندان مسأله مهمی نیست، بلکه مهمترین مسأله این است که چه در سطح محلی، و یا منطقه‌ای و ملی، مجامعی وجود داشته باشد که بیکاران بتوانند در آن جا به بحث پیرامون این مشکلات نشستند و به چاره‌جویی بپردازند.

نتیجه گیری

در بحث پیرامون نزول قدرت جنبشهای کارگری به دلایل مختلف و از جمله بر ازدیاد کارهای مشروط، رشد کار غیر رسمی، و تعداد روزافزون بیکاران انگشت گذاشته می‌شود. رهبران اتحادیه‌های کارگری در پاسخ به این پرسش که چرا سازماندهی کارگران بیکار پشت گوش انداخته می‌شود، دایما به مشکل بودن سازماندهی کارگران بیکار، فقدان اهرمهای لازم در تأثیرگذاری بر کل سیستم اقتصادی از سوی هر گونه سازمان متشکل از بیکاران و عدم علاقه بیکاران به سازمان یافتن و اقدام جمعی اشاره می‌کنند. سازمان یابی وسیع کارگران بیکار در آرژانتین، البته، همه این فلسفه‌بافیهای صد تا یک غاز را به دور ریخته و در عوض سؤالیهای جدیدی را در پیش رو گذاشته است. تجربه آرژانتین به روشنی نشان داده است که کارگران بیکار می‌توانند متشکل شوند، دست به عمل دسته جمعی بزنند، صاحب اهرمهای لازم برای به زانو درآوردن سیستم اقتصادی هستند، و قادرند تا بر سر خواسته‌هایشان و به کرسی نشاندنش مذاکره کنند، آن هم به شیوه‌ای که اتحادیه‌های کارگری حداقل در سالهای اخیر از دست یافتن به آن عاجز بوده‌اند.

این تجربه نشان می‌دهد که زوال قدرت جنبش کارگری ربط چندان به طبیعت بیکاران و وجود کارهای نارسمی نداشته، بلکه بیشتر ریشه در ساختار اتحادیه‌های کارگری، رویکردهای عمومی این اتحادیه‌ها و شکل و نوع رهبری آن دارد. جنبش کارگران بیکار از پایین به بالا سازمان یافته و عضوگیری به طور رو در رو در شهرکها و محلات صورت می‌گیرد. در حالی که بوروکراتهای اتحادیه به آنهایی که حق عضویت

نمی‌پردازند کاری ندارد، و اگر هم زمانی تصمیم به سازماندهی‌شان بگیرند، «حرف‌های»‌ها را به سراغشان می‌فرستند. به همین سبب در بسیاری موارد نمی‌توانند اعتماد آنها را جلب کنند چه رسد به آن که بتوانند سازماندهی‌شان کنند. به علاوه، جنبش بیکاران دارای ساختمان افقی است که در آن رهبران و اعضاء همگی خاستگاه یکسان داشته و در نشستها با حقوق برابر به بحث می‌نشینند. در حالی که اتحادیه‌ها دارای ساختاری از بالا به پایین هستند که معمولاً پیرامون وفاداریهای شخصی به بوروکراتهای اعظم، که حقوق بعضی از آنها با حقوق مدیران کل برابری می‌کند، سازماندهی شده است. جنبش بیکاران دست به عمل مستقیم پایدار زده و بر سر خواسته‌هایش در صورت لزوم به طور علنی و دسته جمعی به مذاکره می‌نشیند. در حالی که نخبگان اتحادیه‌های کارگری تنها دست به اعتراضات سمبلیک می‌زنند، و آن گاه که در پشت درهای بسته به مذاکره می‌نشینند، بی‌اعتنا به خواسته‌های کلیدی کارگران با دولت و یا کارفرمایان به توافق رسیده و سپس توافقنامه‌شان را به اعضاء «می‌فروشدند»، و یا در برخی موارد صرفاً به آنها تحمیل می‌کنند. در نتیجه، رهبران بیکاران اعتماد و حمایت اعضاء را با خود دارند، در حالی که رؤسای اتحادیه‌ها اگر به عنوان همکاران رسمی دولت و کارفرمایان شناخته شوند، لاقط به دیده بی‌اعتمادی از سوی اعضاء نگریسته می‌شوند.

بازار کار و جمعیت انبوه بیکاران شیوه متداول سازماندهی از بالا به پایین، پرداخت اتوماتیک حق عضویت و سازماندهی فرمال را به چالش می‌طلبد. هیچ رئیس اتحادیه‌ای را نمی‌توان یافت که حاضر باشد میان لای و لجن برهوت حللی‌آبادها برای سازماندهی بیکاران پای پیاده به راه افتد؛ در امکانی برای جلسات حضور یابد که در آن یا از سرما باید لرزد و یا از گرما غرق عرق شد؛ در جلساتی شرکت کند که در میان داد و فریاد بچه‌ها و زنان مبارزی که درخواست فوریشان غذا برای کودکانشان است تشکیل می‌شود، و یا در میان جوانان بیکاری حضور یابد که هیچ رغبتی به شنیدن سخنرانیهای ملالت‌آور پیرامون ارتباط میان پدیده جهانی شدن و بیکاری را ندارند.

هیچ رهبر اتحادیه‌ای را نمی‌توان یافت که آماده باشد تا مبارزه را در خط مقدم و در پناه لاستیکهای به آتش کشیده شده ادامه دهد و حاضر باشد که جانش را به خطر افکند. رهبران اتحادیه‌ها ترجیح می‌دهند که با جناب وزیر قرار ملاقات نیم ساعته‌ای بگذارند و بر سر تشکیل کمیته سه جانبه و چگونگی تربیین کردن برنامه‌های ریاضت کشانه با جناب

ایشان به مذاکره بنشینند. حقیقت این است که تقریباً تمامی اتحادیه‌های کارگری، به دلیل نوع سازماندهی‌شان، تمام فکر و ذکرشان حفظ ارتباطشان با احزاب رسمی در مبارزات پارلمانی است، و اگر سد عمده‌ای بر سر راه سازمانیابی بیکاران نباشند، بی‌تردید می‌توان گفت که هیچ کمکی نیستند.

بیکاران با تکیه بر ابتکارات اجتماعی و با آزمایش و خطا، توانسته‌اند اهرم مناسبی را برای اعمال فشار بر سیستم اقتصادی از طریق بستن شریانهایی که بازار را به مراکز تولید وصل می‌کند پیدا کنند. اولین راه بندانهای موفق که از سوی کارگران نفت در شهرهای ارواح ایالت نیوکوان در سال ۱۹۹۶ ایجاد شد به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت. در سراسر آمریکای لاتین، ایجاد راه بندان از سوی توده‌های فقیر و گروههای حاشیه‌ای به یک تاکتیک عمده بدل شده است. در بولیوی دهها هزار تن از دهقانان و سرخپوستان با بستن بزرگراهها خواهان دریافت اعتبار و افزایش بودجه‌های بهداشتی و آموزشی و امور زیربنایی شدند. در اکوادور، راه بندانهای بزرگ خیابانی در اعتراض به دلاریزه شدن اقتصاد و فقدان سرمایه‌گذاریهای دولتی در مناطق کوهستانی بر پا شد. در دیگر کشورها، از جمله کلمبیا، برزیل و پاراگوئه، نیز تظاهرات، راه بندان و اشغال زمین برای دستیابی به خواسته‌های فوری و هم چنین برای درخواست پایان یافتن برنامه‌های نولیبرال و ریاضت کشانه تحمیلی از سوی دولت صورت گرفت.

وجه مشترک همه این گروهها این است که فاقد یک جایگاه استراتژیک در اقتصاد کشورهای مربوطه می‌باشند، اما عملشان دقیقاً زمینه‌های استراتژیک اقتصاد را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی بخش صادرات، بانکها، صنعت نفت و معادن، و بخشهای معینی از تولیدات صنعتی که تامین کننده عمده درآمدهای ارزی (مورد نیاز برای بازپرداخت دیون خارجی) بوده، و در عین حال درآمد و سودهای کلان را به حساب نخبگان جامعه می‌ریزند. غذا، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه برای تولیدات صنعتی عمدتاً از خارج وارد می‌شوند. از نظر نخبگانی که روند انباشت سرمایه را تحت کنترل خویش دارند، فعالیت‌های اقتصادی دهقانان، سرخپوستان، کسبه خرد و تولید کنندگان کوچک زائد و قابل چشم پوشی است و هیچ ربطی به فعالیت‌های اصلی، که از نظرشان عبارت از صادرات، روابط مالی و واردات کالاهای لوکس است، ندارد. اما سرمایه و کالا برای آن که به موقع به بازارهای مربوطه برسد نیازمند راههایی است که عاری از موانع باشد. در این جاست که

«گروههای حاشیه‌ای» مردم نقش استراتژیک می‌یابند، و می‌توانند با عمل مستقیم خود در شبکه نخبگان مداخله کرده و در روند انباشت سرمایه اختلال ایجاد کنند. ایجاد راه بندان از سوی بیکاران مشابه عمل کارگران صنعتی در ایستادن چرخ تولید است؛ اولی به دست آوردن سود را متوقف می‌سازد، در حالی که دومی از تولید ارزش جلوگیری می‌کند. سازماندهی توده‌ای در خارج از سیستم تولید امکان موفقیت چنین استراتژی را، البته خارج از حوزه عمل احزاب پارلمانی و اتحادیه‌های کارگری بوروکراتیک، به نمایش می‌گذارد. سازمان مستقل توده‌ای در آرژانتین و دیگر نقاط آمریکای لاتین به یک مسأله کلیدی تبدیل شده است. تجربه نشان می‌دهد که جنبشهای توده‌ای نوین توان آن را دارند که به مبارزات پایدار دست زده، در مقابل سرکوب خشن دولتی مقاومت کنند و دست کم به خواسته‌های حداقلشان دست یابند.

تشکیل کمیته ملی هماهنگ کننده جنبش بیکاران در آرژانتین، و سازمانهای ملی مشابه آن در سراسر آمریکای لاتین، ثابت نموده است که اعتراضها و جنبشهای محلی می‌توانند شکل سراسری به خود گرفته و به طور یک پارچه در مقابل دولت بایستند.

با این حال، سؤالیهای بسیاری نیز تا کنون بی پاسخ مانده است. آیا برای این جنبشهای نوین امکان تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی ملی و از آن طریق تصرف قدرت دولتی میسر است؟ آیا اتحاد با طبقه کارگر شهری و یا کارمندان و اقشار پایین طبقه متوسط جامعه برای در هم ریختن بساط سیستم غارتگر سرمایه‌داری تا چه اندازه امکان پذیر است؟ آیا شوراهای محلی می‌توانند مبنایی برای یک سوسیالیسم شورایی نوین باشند؟ و سؤالیهای بسیار دیگری از این دست که باید بدانها پرداخته شود.

در آرژانتین، موفقیت‌های جنبش کارگران بیکار افق جدیدی را برای پیشبرد امر مبارزه در شرایط بحران طولانی مدت و رکود عمیق اقتصادی گشوده است. با پیشرفت جنبشهای رو به رشد مشابه در سراسر آمریکای لاتین، این که طبقات حاشیه‌ای به نیروی بزرگی در مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا و مزدوران محلی‌اش بدل شوند چندان دور از انتظار نیست.

زیرنویس:

۴- Central de trabajadores Argentinos

مصاحبه

نشانه‌های ناقوس مرگ رژیم ولایت فقیه

- هوشنگ دانیالی

آنان که نمی‌اندیشند و یا اندیشه‌های ارزشمند دیگران را به چالش می‌گیرند، آنان که نمی‌فهمند و تفکرات یک جامعه را به مرگ می‌گیرند، از خود هیچ ندارند و با تحمیل مرگ و بدبختی و ستم به مردم، مانع رشد و توسعه جامعه می‌شوند. البته این را باید در ضعف عقیده و اندیشه آنان جستجو کرد چرا که عدم پذیرش دیگران و نداشتن دید درست و عدم تحمل، عواملی است که به این اندیشه‌های غیر اصولی و غیر انسانی، امکان حذف و نابودی دیگران را می‌دهد. این اندیشه‌های مرگ زمانی به ناکاه به نقطه‌ای می‌رسند که دیگر هر آن چه باید نمی‌کردند را با کمال پستی از سر گذرانند و در دایره اجرای روشهای ضد دموکراتیک چنان سرگردمند که گویی برای رسیدن به اوج جنایت پیشگی گوی سبقت از هم گذاشته‌اند. آنان با تکیه بر مذهب تمام ارزشهای انسانی را مورد هجوم قرار می‌دهند و تمام مرزهای ضد بشری را پشت سر می‌گذارند. و زمانی که به پایان خط می‌رسند یکشنبه رنگ عوض می‌کنند و مدعی اصلاحات می‌شوند. از جمله این جانان شیخ خلخالی است که آوازه‌ی جنایاتش شهره عالم است و این که در شقاوت و سنگدلی دست تمام جانان تاریخ را بسته است. وی به تازگی در یک نامه خطاب به هم پرونده‌ی خودش آیت الله طاهری چنان اظهار تمجید کرده که آری «وعده‌های ما برای عدل و عدالت اجرا نشد. کوشیدیم اهداف اساسی و مقدس اسلام و اجرای قسط و احقاق حقوق ملت و حاکمیت آنان بر سر نوشت خویش که حق خدا دادی آنهاست عملی شود». او سوز و گدازش از آنجاست که می‌گوید «عزت و جبروت حوزه‌ها که مروهون تدبیر مرجعیت با عظمت شیعه بود در هم ریخته». آری ای جلال، مردم به درستی فهمیده‌اند که اصلی‌ترین هدف را نشان گرفته‌اند. در جایی که این آخوند در متجالب فساد غرق شده دم زدن از اصلاح آنها از زبان یک جانی، حرف پوچی و فریب است. مردم ایران چیزی جز سرنگونی کل این نظام جهنمی و انهدام کل بساط آن در تمامیتش فکر دیگر در سر ندارند. این جلال در جایی می‌گوید درینا که به خیرخواهی خیرخواهان توجه نشد. معلوم نیست این دیوانه زنجیری این اراجیف را برای چه سرهم‌بندی کرده و خریدار حرف او چه کسی است این حرف جز پیش هم کیشان خودش خریداری ندارد. باید گفت بدانید و آگاه باشید که روز به زیر کشیدنتان دور نیست. البته معلوم است که اینان تمام نگرانشان از کجاست. به راستی اینان به هر آنچه که از دستشان برآمد در سرکوب مردم دریغ نکردند و تمام اصول و قواعد قانون اساسی و جزایی و مدنی اسلامیشان را مو به مو اجرا کردند. در قتل غارت و اعدام هزاران انسان بی‌گناه در یک شب و سنگسار و درآوردن چشم، قطع دست و پا و اجرای انواع گوناگون شکنجه و ایجاد فضایی آکنده از رعب و وحشت و مرگ هیچ کوتاهی نکردند. اگر چه این دوره برای مردم ایران بهای سنگینی در پی داشته است اما مردم ایران به یک چیز با ارزش رسیده‌اند همانا تلاش برای رهایی از خرافات و مسجد و ملا و تمام قوانین ضد انسانی و برقراری یک حکومت غیر مذهبی. و این امر برای ملاهای جلال از ریز و درشت مثل آفتاب روشن شده است. از مواضع حزب مشارکت گرفته تا جمعیت مؤتلفه و ایادی دیگر داخلی و خارجی این رژیم، به خوبی بوی تفتن و گندیدگی و نابودی به مشام می‌رسد. بنابراین این حرکت‌های اعتراضی و خیزش‌های اخیر مطمئناً طوفانهای عظیمی را به دنبال خواهد داشت. باشد تا در فردای آزادی ایران یاد همه هزاران هزار انسانهای ارزشمندی که جان خود را در مبارزه با این رژیم استبدادی مذهبی فدا کردند، در تمامی میادین بزرگ شهرها آن طور که شایسته است گرامی داریم.

بقیه از صفحه ۶

وسعت یافته و تضادهای موجود در جامعه آن چنان حدت و شدت یافته که چیزی کمتر از سرنگونی استبداد حاکم نمی‌تواند هیچ گشایشی در زندگی مردم به وجود آورد بنابراین تا وقتی این مبارزه با چنین شدت و حدتی وجود دارد و تا وقتی ولی فقیه در مانده‌های مثل خامنه‌ای وجود دارد و تا وقتی چنین قانون اساسی و ارگانهای حکومتی تحت امر ولی فقیه وجود دارند، و تا وقتی تضادهای درونی رژیم چنین شدت و حدت می‌یابد، می‌توان گفت بدون ۱۱ سپتامبر هم تمامی عوامل داخلی به سود مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آن بوده و هست. در مورد رویدادهای پس از ۱۱ سپتامبر هم نظر من این است که اگر اراده واقعی در جهان برای مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی وجود داشته باشد، رژیم از هر نظر تحت فشار قرار گرفته و بنابراین نمی‌تواند به سود خود از آن بهره برداری کند. اما اگر نیروهای تأثیرگذار بر سیاست آمریکا برای حل بحرانهای داخلی خود و تثبیت هژمونی جهانی خود در جهت ایجاد بحران و جنگ افروزی باشند، مسلماً به طور مقطعی و کوتاه مدت رژیم از بعضی عوامل خارجی می‌تواند بهره برداری کند. با این حال در چنین حالتی نیز عوامل داخلی آن چنان نیرومند عمل می‌کنند که رژیم هرگز قادر نخواهد شد مثل رویدادهای مربوط به اشغال کویت هم از توبره، بخورد و هم از آخور.

پایان

بحران بیکاری و قانون کار

بقیه از صفحه ۱۴

نیروهای تحت امرش را دلیل این امر ذکر می‌کند. در چنین چارچوبی است که هر چند یکبار، پرونده خصوصی سازی، بنا به مقتضیات زمان به روی میز کارگزاران رژیم می‌آید. طی این سالها چندین بار پروژه خصوصی سازی فعال شده است، ولی این پروژه به دلیل مشکلات موجود بر سر راه این طرح همچنان در نقطه اول خود در جا می‌زند. از جمله این دشواریها تسلط دولت بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی است. با نگاهی به آمار و سهم بودجه شرکتهای دولتی از بودجه کل کشور، درمی‌یابیم که این تسلط نه تنها طی سالهای اخیر کاهش نیافته بلکه بیش از پیش افزایش نیز یافته است. به طوری که شرکتهای دولتی ۶۷ درصد بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده است. در این میان اما، آن گونه که مسئول تحقیق و تفحص سازمان خصوصی سازی گزارش می‌دهد، با وجود تمام تأکیدیاتی که در مورد خصوصی سازی صورت گرفته است، طی ده سال اخیر، تنها دو درصد از داراییهای بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل شده، و ۹۸ درصد از این داراییها همچنان در تصدی دولت باقی مانده است. حاصل کلام این که، کلاف سر در گم مشکلات موجود در ساختار تولیدی کشور را نه در افزودن به لایحه‌های مختلف، بلکه باید با پاکسازی این ساختار فاسد به جستجوی علل عمدهای آن پرداخت.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق، ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می‌شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۱۷ یورو	اروپا معادل
۲۴ دلار	آمریکا و کانادا و سوئد
۴۰ دلار	استرالیا
۵۱ دلار	تک شماره
۱۱ یورو	فرانسه

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۵

در دوران او بخش‌هایی از قرآن و انجیل و تورات و کتابهای بودایی به مغولی ترجمه شد. مارکوپولو که سفر نامه او از آثار فراموش نشدنی ست در دوران این امیر مغول به مدت بیست سال مشاغل بسیار مهمی را به عهده داشت. دوران قویلیای عصر اوج دوران انتشار زبان فارسی در چین است زیرا رفت و آمد ایرانیان به چین و وجود ایرانیان ماوراءالنهر و مهندسان ایرانی در ارتش مغول آن قدر زیاد بود که در برخی نقاط چین شهرهایی به سبک شهرهای خود در ایران ساخته بودند.

یکی از نزدیکترین مشاوران و وزیران قویلیای شخصی به نام سید اجل از ایرانیان مقیم چین بود که به مدت بیست و پنج سال ۶۵۸ - ۶۸۳ هجری در مقام وزارت بود. قویلیای قا آن علاقه بسیار به زنان داشت و به نقل از «سفر نامه مارکوپولو» هر دو سال یک بار سفیران مخصوص او به سر زمینهای مختلف روانه می‌شدند تا زیباترین زنان و دختران را انتخاب کرده و به حضور خان روانه سازند. دوران قویلیای دوران حشمت و عظمت دربار مغولها بود.

(ادامه دارد)

NABARD - E - KHALGH

No : 207 23. August . 2002 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 9458 / 1006 Amsterdam / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank.... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادت فدایی شهريور ماه



رفیق فدایی اعظم روحی آهنگران

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود پایاعلی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار و احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کلبلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینسی - قاسم سیدباقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزال ایباق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضایی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسونند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

اطلاعیه

**نظام استبدادی - مذهبی و ولایت فقیه
غیر قابل اصلاح است
حکم بی دادگاه انقلاب اسلامی فاقد
ارزش و اعتبار است و ما آن را به
شدت محکوم می کنیم**

دیروز بی دادگاه انقلاب اسلامی طی صدور یک حکم به اصطلاح قضایی «نهضت آزادی و تشکلهای وابسته و همسو» با آن را غیر قانونی و ۳۳ تن از اعضای آن را به حبس و جریمه های مختلف محکوم نمود. بدین ترتیب مجموعه نیروهای موسوم به ملی - مذهبی و منجمله «نهضت آزادی» که بارها التزام و سرسپردگی خود را به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه و نهضت «امام خمینی» اعلام کرده اند، توسط نهادی که همین قانون اساسی ارتجاعی آن را به رسمیت شناخته، غیر قانونی اعلام می شود. نهضت آزادی هیچ گاه به طور قاطع سیاست سرکوبگرانه رژیم حاکم بر ایران در مورد نیروهای انقلابی و دگراندیشان سیاسی را محکوم نکرده و همواره در تضاد بین جنبش ترقیخواهانه مردم ایران و رژیم مذهبی حاکم، جانب حاکمان سرکوبگر و ارتجاعی را گرفته است. با این حال ما و همه کسانی که از آزادی عقیده و بیان بدون هر گونه حد و مرز و از حقوق اساسی شهروندان ایرانی بدون هر گونه تبعیض مذهبی، جنسی و ملی دفاع کرده و می کنیم، این حکم جابرانه بی دادگاه انقلاب اسلامی را فاقد هر گونه ارزش و اعتبار دانسته و آن را به شدت محکوم می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه آزادیخواهان و نیروهای ترقیخواه ایران و همه زنان و مردان ایران زمین را به مبارزه قاطع برای سرنگونی نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و استقرار یک نظام سکولار بر اساس جدایی دین از دولت و تحقق دموکراسی و عدالت فرا می خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۸۱

۲۸ ژوئیه ۲۰۰۲

بعد وزارت خارجه رژیم ملایان خبر را تکذیب نمود و اصفی سخنگوی وزارت خارجه آنها اعلام کرد آقای قصبی، پسر رئیس جمهور عراق، به ایران سفر نکرده و در نتیجه هیچ ملاقاتی با مسئولان جمهوری اسلامی ایران نداشته و هیچ گونه برنامه ریزی نیز برای سفر وی به تهران وجود ندارد.

به نظر می رسد هشدار باند غالب، حزب خاتمی را به باز مصرف خبر تکذیب شده پیشین ناگزیر ساخته است تا در یک ژست میان تهی چین نشان بدهد که گوئیا رژیم در تمامیت خود حساسیتی روی مجاهدین ندارد. همزمان یک نماینده باند خاتمی در مجلس رژیم، الهه کولایی مخبر کمیسیون امنیت ملی به باند مشارکت در مورد اوضاع و پیامدهای اقدامات تک روانه و ناهماهنگ با تصمیمات و سیاستهای اعلام شده از سوی دولت هشدار داد و این امر را زمینه ساز تهدیدات جبران ناپذیر دانست.

در روزهای اخیر سخنگویان و مقامهای رسمی حکومت آخوندی بارها نسبت به خطر اضمحلال و سرنگونی رژیم هشدار داده و تصریح کرده اند که برنده این اوضاع طرف سوم یعنی مقاومت مردم ایران است.

دروغپردازی و انتشار خبرهای جعلی و نمایشهای تکراری و تنفر انگیز در هتلهای تحت کنترل وزارت اطلاعات در تهران و منسوب کردن عوامل افشای شده اطلاعات آخوندها به مجاهدین هیچ کس را در ایران نمی فریبد. سازمان مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه ۸ ژوئیه بازبهای اطلاعات آخوندها در این باره را به طور مسبوط افشاء کرده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۰ مرداد ۱۳۸۱

اطلاعیه

نمایشهای تکراری و وحشت آلود

وزارت اطلاعات رژیم آخوندی امروز در یک خبر کلیشه ای که در همه روزنامه های حکومتی در تهران چاپ گردید، از مراسمی در سالن یکی از هتلهای تهران با شرکت تعدادی از عناصر جدا شده از منافقین که به تازگی به کشور بازگشته اند با حضور خانواده های این عناصر خبر داد و ادعا کرد بخش وسیعی از اعضای منافقین در عراق، هم اکنون مسأله دار بوده و تحت فشارهای شدید فیزیکی و روانی قرار دارند.

روز قبل یک نماینده مجلس رژیم در برابر تهدیدات باند خاتمی که از سر درماندگی، باند غالب را به خروج از حاکمیت تهدید می کنند، هشدار داده بود خروج از حاکمیت به پادگان اشرف (ارتش آزادیبخش) منجر می شود (روزنامه رسالت ۱۰ مرداد).

به دنبال این هشدار، باند آخوند خاتمی مجدداً در سایت حزب مشارکت به مصرف خبر تکذیب شدهی دیدار فرزند رئیس جمهور عراق از ایران با پاسدار ذوالقدر جانشین سپاه پاسداران در استان کرمانشاه و در یکی از شهرهای مرزی روی آورد تا از قول ذوالقدر جانشین سپاه پاسداران بگوید: «مجاهدین خلق یک گروه سوخته هستند و جمهوری اسلامی ایران روی آنها هیچ گونه حساسیتی ندارد».

نخستین بار در ۲۱ ژوئیه، خبر این دیدار و گفتگو درباره مجاهدین در مجتمع سعدآباد یعنی مقر خاتمی در تهران، توسط جناح خاتمی از طریق یکی از مأموران وزارت اطلاعات آخوندها به نام نوری زاده در یک روزنامه عربی منتشر گردید. اما روز